

آغاز نبردهای سنگین در تاجیکستان

و بروز تشنج تازه در منطقه

صفحه ۱۲

انتخابات شوراهای شهر و روستا ۷ اسفند برگزار می شود

مردم شوراهای واقعی می خواهند

● جهان اسلام: اگر جبهه طرفداران خاتمی در

انتخابات شوراهای چهار اختلاف شود، دولت

وی مستعجل خواهد بود

● جناح راست هیات مرکزی نظارت بر

انتخابات شوراهای را قبضه کرد

جبهه مخالف پیوستند. اعضای جناح مخالف خاتمی فعلا، اما در سکوت سرگرم تحکیم موقعیت خویش برای به دست گرفتن کنترل کامل انتخابات شوراهای هستند. آنان با برگزاری انتخابات شوراهای مخالف‌اند و سخت سرگرم آن هستند که: یا انتخابات را حداقل یک سال تا زمان تعیین ترکیب مجلس ششم شورای اسلامی به تعویق بیاورند، یا از برگزاری آن در شهرها جلوگیری کنند و انتخابات را به روستاها محدود سازند و یا نظارت بر انتخابات، تأیید و رد صلاحیت کاندیدها و نتایج شمارش آرای حوزه‌های انتخابی را در دست بگیرند و آنگاه که احتمال پیروزی خود را بالا ببرند، وارد میدان شوند. روزنامه کیهان که زردخانه تبلیغاتی خامنه‌ای به حساب می‌آید در مخالفت با برگزاری انتخاب شوراهای به طعنه نوشته است: «در حالی که هنوز تنور ادامه در صفحه ۲

بعد از گذشت ۲۰ سال، قرار است روز ۷ اسفند ماه سال جاری در ایران انتخابات شوراهای شهر و روستا برگزار شود. از هم‌اکنون دو جناح حکومتی مبارزه برای تأثیرگذاری و بهره‌برداری از این انتخابات را آغاز کرده‌اند. پیروزی و شکست در این انتخابات در تغییر تعادل قدرت میان دو جناح بدون تأثیر نخواهد بود. مجمع روحانیون مبارز که خاتمی از اعضای آن است از «انتخابات داغ» خبر داده و مهدی کربوبی دبیر مجمع گفته است: «انتخابات شوراهای داغ و پیر حرارت خواهد بود». اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان، معروف به دفتر تحکیم وحدت،

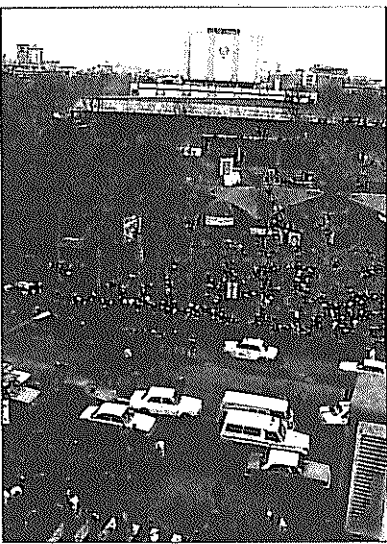
جمع روحانیون مبارز که خاتمی از اعضای آن است از «انتخابات داغ» خبر داده و مهدی کربوبی دبیر مجمع گفته است: «انتخابات شوراهای داغ و پیر حرارت خواهد بود». اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان، معروف به دفتر تحکیم وحدت،

در یک حادثه دلخراش آتش‌سوزی ۶۳ نوجوان به کام مرگ رفتند

● ۱۰ نوجوان ایرانی در این آتش‌سوزی جان خود را از دست دادند

فاجعه آتش‌سوزی که هفته گذشته در سالتی در شهر یوته‌بوری سوئد روی داد، به مرگ ۶۳ جوان و مجروح شدن ۱۶۲ نفر منجر گردید. ۱۰ نوجوان ایرانی نیز در این حادثه دلخراش جان باختند. آتش‌سوزی در سالتی متعلق به انجمن مقدونی‌ها در یوته‌بوری اتفاق افتاد. ۴۰۰ نفر که عمدتاً از جوانان خارجی‌تبار مقیم سوئد بودند، در شب «هالوین» در جشنی در این سالن شرکت کرده بودند که تنها گنجایش ۱۵۰ نفر را داشت. دقایقی مانده به نیمه‌شب، هنگامی که موزیک در سالن پخش می‌شد و دختران و پسران مشغول پای‌کوبی بودند، به دلایلی ناروشن، آتش از نقطه‌ای زیانه کشید و در لحظاتی کوتاه همه سالن را در کام کشید. بسیاری از حاضرین امکان فرار از تنها در خروجی را

نیافتند. دود ناشی از آتش، باعث بیهوشی و خفگی عده‌ای گردید و گسترش سریع شعله‌ها و دمای بسیار بالای ناشی از آن، نوجوانان بسیاری را به کام مرگ کشید. این حادثه، مردم شهر یوته‌بوری را در اندوهی بزرگ فرو برد. در شهر دو روز عزای عمومی اعلام شد و تئاترها و سینماها تعطیل شدند. در محل حادثه، مردم به یاد قربانیان فاجعه گل گذاردند و شمع روشن کردند. ایرانیان مقیم این شهر در این حادثه ۱۰ دختر و پسر نوجوان خود را از دست دادند. یک دختر پانزده ساله ایرانی به نام مونا نهایی، پس از پنج روز در محل آتش‌سوزی پیدا شد. این در حالی بود که پلیس سوئد به خانواده وی اطمینان داده بود که محل را به دقت جست‌وجو کرده و طبق شواهد ادامه در صفحه ۲



علی‌رغم هشدارها و تهدیدهای خامنه‌ای، اختلافات دو جناح حکومتی در برخورد با آمریکا در سال‌روز اشغال سفارت آمریکا در تهران به خیابان‌ها کشیده شد و چندین هزار دانشجو با اجتماع در برابر ساختمان سفارت سابق آمریکا به جای شعار مرگ بر آمریکا و سوزاندن پرچم این کشور، علیه شورای نگهبان، روسای قوه قضاییه و رادیو تلویزیون شعار دادند و از آمریکایی‌هایی که در سال ۵۸ در ساختمان سفارت گروگان جمهوری اسلامی بودند دعوت کردند به عنوان سهمان به ایران سفر کنند. این تظاهرات روز دوشنبه ادامه در صفحه ۲

یک روزنامه عربی: بین طرف‌داران رفسنجانی شکاف افتاده است

صحت از تشکیل چنین جبهه‌ای مدت‌هاست که در محافل جناح چپ رژیم بر سر زبان‌هاست، اما هنوز اطلاع دقیقی در این مورد از سوی هیچ یک از شخصیت‌های وابسته به این جناح منتشر نشده است. در جریان انتخابات خبرگان، اختلاف بین رفسنجانی و نیروهای موسوم به خط‌امام بار دیگر آشکار شد. رفسنجانی عملاً به تأیید انتخابات و شورای نگهبان پرداخت و جناح چپ، ناگفته این انتخابات را تحریم کرد. حزب کارگزاران سازندگی، در این میان جانب رفسنجانی را گرفت و کرباسچی، دبیرکل این حزب، پیش از هر کس دیگری، در جهت اسیال رفسنجانی تلاش کرد. اکنون طبیعی به نظر می‌رسد در برابر این سیاست، مقاومت‌هایی حتی در صفوف خود کارگزاران شکل گیرد، اما آیا دبیرکل حزب و مجری فعال این سیاست، خود در زمره منتقدان آن قرار خواهد گرفت؟ □

روزنامه اخبار، به نقل از نشریه عربی‌زبان «شرق الاوسط» نوشته است که در بین طرف‌داران رفسنجانی شکاف افتاده و گروهی از کارگزاران از سیاست نزدیکی دوباره وی با «محافظه‌کاران» به شدت ناراضی هستند. شرق‌الوسط نوشته است: آشتی رفسنجانی با محافظه‌کاران در انتخابات مجلس خبرگان، نقشه سیاسی را در ایران تغییر داد. به نوشته این روزنامه خاتمی از چند ماه پیش به طرف‌دارانش گفته بود به رفسنجانی اعتماد کنند. برپایه این گزارش، برخی از چهره‌های سرشناس کارگزاران همچون کرباسچی، مهاجرانی، رضا ام‌راللهی و مرتضی الویری، نارضایتی خود را از اختلاف دوباره رفسنجانی با جناح بازاری - رسالتی، به خاتمی اطلاع داده‌اند. به نوشته این روزنامه، اکنون صحبت از پیوستن این عده به جبهه‌ای است که اصلاح‌طلبان چپ حکومت در صدد ایجاد آن هستند.

سهمیه‌ها در مجلس خبرگان سوم

روزنامه همشهری، در گزارشی از ترکیب نمایندگان سومین دوره مجلس خبرگان، نوشت از ۸۵ نامزدی که جامعه روحانیت مبارز معرفی کرده بود، ۶۹ نفر و از ۵۸ نفری که حزب کارگزاران سازندگی به عنوان کاندید معرفی کرد، ۳۲ نفر به مجلس خبرگان راه یافتند و ۵ نفر از نمایندگان نیز وابسته به هیچ یک از این دو طرف نیستند. مطابق همین گزارش، از ۲۰ نامزدی که به طور مشترک در هر دو لیست روحانیت مبارز و کارگزاران

روزنامه اخبار، به نقل از نشریه عربی‌زبان «شرق الاوسط» نوشته است که در بین طرف‌داران رفسنجانی شکاف افتاده و گروهی از کارگزاران از سیاست نزدیکی دوباره وی با «محافظه‌کاران» به شدت ناراضی هستند. شرق‌الوسط نوشته است: آشتی رفسنجانی با محافظه‌کاران در انتخابات مجلس خبرگان، نقشه سیاسی را در ایران تغییر داد. به نوشته این روزنامه، اکنون صحبت از پیوستن این عده به جبهه‌ای است که اصلاح‌طلبان چپ حکومت در صدد ایجاد آن هستند.

هزاران نفر از مردم پیرانشهر علیه رژیم اسلامی به تظاهرات بزرگی دست زدند

● پیرانشهرچندین ساعت به تصرف مردم درآمد

و آن‌ها را وادار به فرار کردند. از این زمان شهر به کنترل مردم درآمد. مردم در برابر فرمانداری، به فرماندار حمله کردند و ساختمان فرمانداری را اشغال کرده و به آتش کشیدند. این درگیری‌ها که از صبح آغاز شده بود، تا ظهر ادامه یافت و در این زمان با یورش نیروهای سرکوبگر رژیم که از شهرهای اطراف فراخوانده شده بودند، مردم متفرق شدند و شهر آرام شد. خبر تظاهرات مردم پیرانشهر در روزنامه‌های دولتی با سانسور و سکوت روبرو شد و رسانه‌های همگانی، خبری در باره آن منتشر ننمودند. این تظاهرات، چندمین تظاهراتی است که در هفته‌های اخیر علیه رژیم روی داده است و نشان‌دهنده خشم و نارضایتی گسترده‌ای است که در میان مردم موج می‌زند. □

روز چهارشنبه ششم آبان ماه، تظاهرات بزرگی علیه رژیم پیرانشهر به وقوع پیوست و مردم چندین ساعت شهر را به تصرف خود درآوردند. تظاهرات، بعد از آن آغاز شد که یکی از مأمورین انتظامی رژیم در بازار شهر یک جوان پیرانشهری به نام ارسلان قربانی را به گلوله بست و به قتل رساند. به دنبال این جنایت، که در برابر چشمان حیرت‌زده بسیاری صورت گرفت، مردم خشمگین به سرعت اجتماع کرده و به تظاهرات علیه رژیم دست زدند. تظاهرکنندگان در حالی که علیه سران رژیم شعار می‌دادند، به سوی فرمانداری به راه افتادند. مأمورین مستقر در شهر با مسدود کردن درب مدارس که

روز چهارشنبه ششم آبان ماه، تظاهرات بزرگی علیه رژیم پیرانشهر به وقوع پیوست و مردم چندین ساعت شهر را به تصرف خود درآوردند. تظاهرات، بعد از آن آغاز شد که یکی از مأمورین انتظامی رژیم در بازار شهر یک جوان پیرانشهری به نام ارسلان قربانی را به گلوله بست و به قتل رساند. به دنبال این جنایت، که در برابر چشمان حیرت‌زده بسیاری صورت گرفت، مردم خشمگین به سرعت اجتماع کرده و به تظاهرات علیه رژیم دست زدند. تظاهرکنندگان در حالی که علیه سران رژیم شعار می‌دادند، به سوی فرمانداری به راه افتادند. مأمورین مستقر در شهر با مسدود کردن درب مدارس که

در این شماره

ایران چوب سیاست‌های ضد ملی جمهوری اسلامی را می خورد

صفحه ۶

فرمانروایی ضد دموکراتیک ۲۰ شرکت فراملی بر جهان

صفحه ۱۰

ب. کیوان

قانون اساسی، دولت خاتمی، قانونیت

مجید عبدالرحیم‌پور

مفهوم «جامعه بورژوازی» در تفکر سیاسی غرب

جارلز نایلور

صفحه ۸

صفحه ۱۱

سرمقاله

دموکراسی و اختیارات بیشتر برای شوراهای

تلاش‌های آشکار و پنهان برای به تعویق انداختن باز هم بیشتر انتخابات شوراهای شهر و روستا، تا حدود زیادی شانس موفقیت خود را از دست داده است و دولت مصمم است این انتخابات را با یک تاخیر بیست ساله برگزار کند. تشکیل شوراهای شهر و روستا، به دوران نخست انقلاب ۱۳۵۷ و خواست مشارکت بیشتر و مستقیم مردم در اداره امور محل، شهر و کشور برمی‌گردد. جمهوری اسلامی هرچند توانست بیست سال این خواست برآمده از انقلاب بهمن را به عقب اندازد و نادیده بگیرد، اما نتوانست آن را از ذهن مردم ایران پاک کند، چرا که این خواست ریشه و قدمتی حتی بسیار بیشتر و بیشتر از انقلاب بهمن داشته و از هنگام نخستین خیزش بزرگ مردم ایران در انقلاب مشروطیت در کشور ریشه دوانید و همواره به عنوان یکی از خواست‌های دموکراتیک مردم برای دموکراتیزه کردن قدرت سیاسی و مشارکت در امور باقی ماند. اکنون که وضعیت سیاسی کشور به جایی رسیده است که تشکیل شوراهای به موضوع روز جامعه تبدیل شده است، همه تلاش‌های دشمنان آزادی و حقوق دموکراتیک مردم متوجه آن خواهد شد شوراهایی ساخته شود که تنها در نام شوراهای مردم و در عمل زاینده‌های وابسته به حکومت باشند. نبرد بزرگ آزادی خواهان در این چند ماهه در همین عرصه است که شرایطی را پدید آوردند تا شوراهای آتی هرچه بیشتر به شوراهای واقعی و مستقل نزدیک و از زاینده‌های حکومتی دور شوند.

محدودیت بزرگ این است که انتخابات این شوراهای در چارچوب حکومت جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، چارچوبی که با قید و بندها و شروط بسیار نوشته و نانوشته، این انتخابات را محدود می‌کند و خصایل دموکراتیک شوراهای را زایل می‌سازد. اما امتیاز بزرگ این انتخابات نیز در این است، که به شکل‌گیری نهادهایی یاری می‌رساند، که علیرغم هر کنترلی بر آن‌ها، ارگان‌هایی است که مردم می‌توانند مستقیماً در آن‌ها شرکت کنند و تا حدودی، اراده خود را جاری سازند. همه تجارب نشان داده است که به ویژه در شرایط مساعد و با پدید آمدن نخستین نشانه‌های دموکراسی، که شوراهای می‌توانند خود در شکل‌گیری آن مؤثر باشند، این نهادها قادر خواهند بود به میزان بیشتری در خدمت دموکراسی قرار گیرند.

از همین روست که ما از برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا حمایت می‌کنیم و همه تلاش خود را متوجه دموکراتیزه کردن شرایط انتخابات شوراهای خود این شوراهای می‌سازیم. نخستین دشواری این است که انتخابات شوراهای قرار است در غیاب احزاب سیاسی غیرحکومتی برگزار شود. در این شرایط، ادامه در صفحه ۳

یادداشت

فرصتی تاریخی که از دست می‌رود!

ایران چوب سیاست‌های ضدملی جمهوری اسلامی را می‌خورد

همه‌کاره جمهوری اسلامی کیست، یاسر عرفات را که همین چندی پیش با خاتمی ملاقات و دیده‌بوسی کرده، "انسانی فرو رفته در لجنزار" خواند و با چند جمله در خطبه نماز جمعه، همه دستاوردهای اندک دیپلماسی خاتمی را بر باد داد. سیاستی که خامنه‌ای و اطرافیان او دنبال می‌کنند، هر چند در حرف و شعار علیه آمریکا است، اما در عمل دلایل و مدارک و زمینه‌های لازم را در اختیار آمریکا می‌گذارد که همه تلاش خود را متوجه متقاعد کردن کشورهای همسایه ایران برای احترام از همکاری اقتصادی با کشور ما سازند. مؤثرتر از این نمی‌توان به منافع اقتصادی ملی ایران لطمه زد. خامنه‌ای در مکتب خمینی آموخته است که اگر لازم شد برای تحکیم قدرت کشور را بر باد دهد.

اما خامنه‌ای در مسئولیت این شکست بزرگ جمهوری اسلامی، تنها نیست. دولت خاتمی و پیش از آن دولت رفستجانی به اندازه کافی فرصت داشته‌اند که با دیپلماسی فعال، با پرهیز از ماجراجویی، با ایجاد اطمینان به کشورهای همسایه که شیره‌های نفت را به هر بهانه سیاسی نخواستند بست، مانع از کنار گذاشتن کامل ایران از مسیر صدور نفت قفقاز شوند. در حالی که آقای خاتمی مشغول ایراد نطق‌های تکراری درباره «گفتگوی تمدن‌ها» و «آزادی اسلامی» بود و نمایندگان آمریکا در سازمان ملل برای او کف می‌زدند، دیپلمات‌های آمریکایی در جای دیگر، مقدمات بزرگترین عملیات تحریم و انزوای جمهوری اسلامی را می‌چیدند.

کنار ماندن ایران از همکاری پرچشم‌انداز نفتی با کشورهای همسایه شمالی خود، بار دیگر به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد دشواری‌های اقتصادی ایران به سیاست‌های خاندان‌پرانداز جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی مربوط است.

آنکارا از بدو فروپاشی شوروی کوشیده است از نزدیکی زبانی با آذربایجان و آسیای میانه برای بسط نفوذ خود در این منطقه استفاده کند. اینک دولت ترکیه با حمایت آمریکا توانسته است به پیروزی چشمگیری در رقابت با جمهوری اسلامی و روسیه بر سر محکم کردن جای پای خود در منطقه دست یابد. و اما در مورد نقش جمهوری اسلامی در قضیه نفت قفقاز و آسیای میانه، جز این نیست که کشور ما به علت چیرگی سیاست ضدملی و ضددموکراتیک حکومت اسلامی و اتخاذ سیاستی تشنج‌طلبانه در عرصه خارجی از سوی این رژیم، فرصتی تاریخی برای همکاری متضمن سود متقابل با کشورهای همسایه شمالی خود را از دست می‌دهد. گویا رهبران جمهوری اسلامی قسم خورده‌اند که به سیاست‌های ضد ملی خود تا آن‌جا ادامه دهند که دشمنان متافع ملی ایران بتوانند به راحتی کشور ما را در انزوای سیاسی و اقتصادی نگه دارند. همین چند روز پیش بود که خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در نماز جمعه تهران، با واژه‌های پس توهین آمیز و ناسزا، یاسر عرفات را به خاطر امضای قرارداد «مریلند» با اسرائیل به باد دشنام گرفت. مثال خامنه‌ای، مثال کسی است که به خاطر یک دستمال، قیصریه را آتش می‌زند. سید علی خامنه‌ای در داخل کشور برای اینکه به خاتمی و امت حزب‌الله بفهماند که

کشورها نفت وارد نخواهد کرد. دخالت آمریکا در تعیین مسیر لوله نفت قفقاز، به منظور تأمین تسلط آمریکا بر صادرات نفتی منطقه‌ای صورت می‌گیرد که بزرگترین منابع انرژی جهان را دارد. آمریکا می‌خواهد همراه با متحد نظامی و سیاسی‌اش ترکیه، منابع نفتی این منطقه و جریان صدور آنها را کنترل کند. طراحان ژئوپلیتیک ایالات متحده معتقدند یکی از تضمین‌های ابرقدرتی آمریکا همین است که بر منابع انرژی جهان چنگ اندازد. با همین هدف بود که آمریکا وارد جنگ با عراق شد، با همین هدف است که نظامیان آمریکایی در شبه جزیره عربستان مستقر شده‌اند، و با همین هدف است که آمریکا اراده‌اش را به جمهوری‌های نواستقلال قفقاز و آسیای میانه تحمیل می‌کند. آمریکا می‌خواهد از یک سو روسیه و از سوی دیگر ایران را از این بازی نفت و گاز، دور نگه دارد. در مقایسه با روسیه و ایران، ترکیه برای آمریکا بسیار قابل کنترل‌تر و مطمئن‌تر است. وقتی پای منافع مشخص سیاسی و استراتژیک پیش می‌آید، به یکباره لحن آشتی‌جویانه ماه‌های اخیر دولت کلینتون در واکنش به ژست‌های متقابل دولت خامی جای خود را به سرمایه‌گذاری کلان برای منزوی کردن ایران می‌دهد. تا آنجا که بتوان در این ماجرا برای ترکیه اراده و منفعی مستقل از آمریکا قائل شد،

دولت کلینتون، مابه‌التفاوت هزینه احداث خط لوله از مسیر دشوارتر (در مقایسه با مسیر ایران) را بر عهده گرفته است. در آستانه امضای بیانیه آنکارا، آمریکا به تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای برای به کرسی نشاندن تمایل خود در مورد مسیر خط لوله دست زد. ریچارد مورنینگ-استار فرستاده دولت آمریکا به ترکیه یک روز پیش از امضای بیانیه آنکارا اظهار داشت مقاومت شرکت‌های نفتی در برابر مسیر پیشنهادی دولت آمریکا بیشتر به خاطر هزینه سنگین‌تر آن بوده که این مسئله حل شده است.

علاوه بر آمریکا که می‌خواهد بیش از ۸۰۰ میلیون دلار هزینه پروژه را متقبل شود، ترکیه نیز برای قبولاندن طرح مشترک با آمریکا به جمهوری‌های آسیای میانه و قفقاز، اعلام کرده است که بخش ترکیه لوله را به خرج خود احداث خواهد کرد. این خط لوله از باکو تا بندر چیچان ترکیه نصب خواهد شد. ترکیه نیز مانند آمریکا فشار دیپلماتیک زیادی بر کشورهای قفقاز و آسیای میانه وارد آورد. وزیر خارجه ترکیه در آستانه امضای بیانیه آنکارا اعلام کرد عبور نفتکش‌ها از تنگه بسفور برای محیط زیست ترکیه خطرناک است و از این پس محدود خواهد شد. وزارت خارجه ترکیه قبل از امضای بیانیه آنکارا همچنین تهدید کرده بود اگر چهار کشور دخیل، طرح ترکیه را نپذیرند، دیگر از این

پنجشنبه ۷ آبان، سران ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و گرجستان در آنکارا بیانیه‌ای در حمایت از احداث خط لوله باکو - گرجستان - ترکیه برای انتقال نفت دریای خزر به اروپا امضا کردند. این بیانیه، شکستی برای جمهوری اسلامی و روسیه و موفقیتی برای آمریکاست که کشورهای منطقه را واداشته است برای صدور نفت خود، مسیری به جز راه ایران یا روسیه بیابند. تصمیم سران چهار جمهوری سابق شوروی به اضافه ترکیه برای دور زدن ایران، به معنای مرجع شمردن ملاحظات سیاسی بر اقتصادی در احداث این خط لوله قلمداد شد، چرا که کم‌خرج‌ترین مسیر صدور نفت دریای خزر و آسیای میانه، مسیر ایران است.

آمریکا برای به نمایش گذاشتن حمایت خود از تصمیم سران پنج کشور، بیل ریچاردسون وزیر انرژی دولت کلینتون را برای شرکت در مراسم امضای بیانیه، به آنکارا فرستاد. همچنین دولت آمریکا اعلام کرده است که از حدود ۴ میلیارد دلار هزینه طرح، ۸۲۵ میلیون دلار آن را تأمین خواهد کرد و علاوه بر این، بیمه شرکت‌های نفتی دخیل در پروژه در قبال خطرات سیاسی را بر عهده خواهد گرفت. این گونه شل کردن سر کیمه برای جلوگیری از وارد شدن ایران و روسیه به معاملات نفتی منطقه، دارای معنای سیاسی آشکاری است.

اکنون جمهوری اسلامی از تأثیرگذاری سیاسی بر آینده خط لوله آسیای میانه و قفقاز قطع امید کرده و به تصمیم شرکت‌های نفتی چشم دوخته است که قرار است روز ۲۱ آبان اتخاذ شود. اما با توجه به اعمال فشار سیاسی سنگین دولت آمریکا، بعید به نظر می‌رسد شرکت‌های نفتی آمریکایی راهی به جز آنچه دولشان می‌خواهد در پیش گیرند. در حقیقت

در یک حادثه دلخراش آتش‌سوزی ۶۳ نوجوان به کام مرگ رفتند

ادامه از صفحه اول

انتخابات مجلس خبرگان از حرارت نیفتاده، آفتاب آن به صورت پوستر و عکس بر در و دیوار باقی است و بحث در باره آن، گرمی‌بخش محافل سیاسی و رسانه‌هاست، وزارت کشور خود را برای انجام انتخابات بزرگ شوراها آماده می‌کند، کیهان نوشته است، به جای درگیر شدن در انتخابات تازه، باید به فکر رفع مشکلات اقتصادی کشور بود!

با نثر از نظریه‌پردازان جناح راست در هیات رئیسه مجلس با این دلیل که مردم از انتخابات خسته شده‌اند و هزینه برگزاری آن سنگین است، از دولت خواسته است انتخابات شوراها را به صورت رایج به تعویق بیندازد. و خانم مرضیه حدیدچی دبایع پیشنهاد کرده است انتخابات شوراها در روستاها برگزار شود و نظارت آن بر عهده نمایندگان مجلس باشد. روزنامه ایران به نقل از وی نوشته است:

چرا باید جشن و پای‌کوبی این جوانان به این علت که والدین آن‌ها در کشور دیگری پای بر خاک گذاشته‌اند، جشن خارجی‌ها باشد؟ آن‌ها چه جرمی داشته‌اند که باید این چنین بی‌پناه ۴۰۰ تن در سالی که برای ۱۵۰ نفر است، رها شوند و هیچ کس هم مسئول نظارت و کنترل نبوده باشد؟ چرا باید فرزندان آنان که از وطن خویش رانده شده‌اند، در میهن دوم نیز به حاشیه رانده شوند؟ در این حادثه نوجوانان ایرانی علیرضا عابدی، ناصر گرامیاری، امیرحسن نامی، فرزاد فرهوشی، گیلداد مجتهد، گیلزاد جواهری، مونا نهانی، بیان کریمی، ساناز طباطبایی و بابک هاشمی.

● «کار»، این حادثه دلخراش را به خانواده و دوستان قربانیان این فاجعه دردناک تسلیت می‌گوید و برای آن‌ها آرزوی شکیبایی می‌کند.

ادامه از صفحه اول
مونا زنده است و احتمالاً شوکه شده و از محل حادثه فرار کرده است.

روزی‌کشنه گذشته در مراسم به خاک سپاری ۸ نفر از جوانان ایرانی، ده تا دوازده هزار نفر شرکت کردند.

مسئولان محلی هنوز دلایل معینی در مورد این آتش‌سوزی ارائه ندهاده‌اند. برخی اظهارات حکایت از این دارد که این آتش‌سوزی بر اثر تمایلات نژادپرستانه رخ داده است. احتمال دیگری، اتصال در دستگاه‌های الکتریکی پخش صوت است.

این فاجعه، بار دیگر برخی مسایل اجتماعی را به ویژه در میان خارجی‌ان مقیم این کشور مطرح کرده است. کانون پژوهش فرهنگ ایران در یوتوبوری، در اطلاعیه‌ای که به این مناسبت منتشر ساخت، از جمله نوشت:

مردم شوراهای واقعی می‌خواهند

ابوترابی، موسوی اچاق نماینده کرمانشاه و راه چمنی نماینده سبزوار. از این عده تنها یک نفر از جناح طرفدار خاتمی است.

علیرغم ترکیب هیات مرکزی نظارت، طرفداران خاتمی با خوشبینی می‌گویند: از هم اکنون روشن است که برای عضویت در شوراها شهر و روستا صدا هزار نفر داوطلب می‌شوند و عملاً امکان نظارت دلخواه جناح راست بر این انتخابات وجود ندارد.

مردم اظهارات وزارت کشور را در باره انتخابات شوراها با دقت دنبال میکنند. اما کمتر کسی می‌داند که این شوراها از چه اختیاراتی برخوردارند و تا چه اندازه می‌توانند از این طریق در حاکمیت و سرنوشته کشور دخالت کنند. آیا شوراها به آنان امکان می‌دهد که اراده خود را به قسانون تبدیل کنند، بر خودسری‌های رژیم مهار بزنند یا اراده آنان در قانون شوراها مهار خواهد شد؟

هیات نظارت مرکزی در دست جناح راست است

بر اساس اطلاعیه وزارت کشور، ثبت‌نام از داوطلبان نمایندگی شوراها از هفتم تا سیزدهم دی‌ماه صورت خواهد گرفت و در فاصله ۱۷ روز صلاحیت و عدم صلاحیت کاندیدها اعلام خواهد شد. طبق آیین‌نامه انتخابات، داوطلبان باید ۲۵ سال سن و سواد خواندن و نوشتن داشته باشند و از یک سال پیش در حوزه انتخابیه‌ای که ثبت‌نام کرده‌اند، ساکن باشند. صاحبان مشاغل دولتی، شاغلین نیروهای مسلح ارتش و سپاه، روسای دانشگاه‌ها، روسای بنیادها، و ... چنانچه تا پایان وقت اداری روز ۱۲ آبان (هفته گذشته) از سمت خود استعفا ندهاده باشند نمی‌توانند داوطلب نمایندگی عضویت در شوراها

«به اعتقاد من این شوراها در روستاها از اولویت بیشتری برخوردار است و بهتر است انتخابات شوراها در این سطح برگزار شود». نمایندگان طرفدار خاتمی در مجلس درخواست تعویق انتخابات و محدودیت برگزاری آن به روستاها را رد کرده‌اند و در توصیف اقدامات جناح مقابل به روزنامه «مشهری» گفته‌اند: «جناح راست در صدد است با عقب انداختن انتخابات زمینه را برای اعمال نوعی نظارت مانند نظارت استصوابی شورای نگهبان تدارک ببیند». بارد تاکتیک تعویق انتخابات و محدودیت برگزاری آن به روستاها، جناح راست، سیاست کنترل انتخابات و شرکت فعال را پیش گرفته است.

شهر و روستا شوند. بر اساس گزارش روزنامه کار و کارگر عده‌ای از مشاوران خاتمی از مقام خود استعفا داده‌اند تا بتوانند در انتخابات شوراها شرکت کنند. صلاحیت داوطلبان توسط هیات‌های اجرایی که زیر نظر هیات عالی استان و هیات نظارت مرکزی عمل می‌کنند، رسیدگی می‌شود. هیات اجرایی شامل سه عضو اداری و هفت معتمد محلی است. این هیات‌ها در تاریخ دوم تا ششم دی‌ماه تشکیل می‌شوند. هیات‌های نظارت مرکزی که مسئولیت مراحل انتخابات را بر عهده دارند شامل ۳ تن از اعضای کمیسیون‌های مجلس و دوفهر از کمیسیون اصل ۹۰، می‌باشند. اعضای هیات مرکزی نظارت که انتخابات سراسر کشور زیر نظر آن برگزار خواهد شد، عبارتند از: علی موحدی ساوجی، صالحی خوانساری،

دانشجویان خواستار استعفای روسای قوه قضاییه و رادیو تلویزیون شدند.

فرمانده سابق سپاه و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در مخالفت با حرکت دانشجویان گفت: آمریکا به دنبال انجام مذاکره با ایران است تا از پیامدهای آن استفاده کند اما اگر ما به دام این مذاکره بیفتیم کلاه سرمان می‌رود.

بر اساس گزارش روزنامه قدس، طرفداران خامنه‌ای پیش از برگزاری مراسم ۱۳ آبان سالروز اشغال سفارت آمریکا، با شتاب بخش‌نامه‌ای را که به مدارس سراسر کشور فرستاده شده و در آن شعارهای روز ۱۳ آبان را تعیین کرده بودند، جمع‌آوری کردند. در این بخش‌نامه به دانش‌آموزان گفته شده بود به جای شعار مرگ بر آمریکا، شعار «پیام ما به دنیا، آغاز گفتگوها» و «منطق در گفتگو، سنت و آیین ماست» بگویند.

دولت آقای خاتمی است. ما در انتخابات شوراها با گروه‌ها و جناح‌هایی که نمی‌گذارند حقوق اجتماعی و شهروندی در این کشور محقق شود، تکلیف‌مان را روشن می‌کنیم. در قطع‌نامه پایانی تظاهرات، از جوانان و مردم کشور دعوت شده است در انتخابات شوراها فعالانه شرکت کنند. طی مراسم تظاهراتکنندگان پیوسته شعار می‌دادند: یزدی - یزدی، استعفا، استعفا! لاریجانی - لاریجانی، استعفا، استعفا! محمد یزدی رئیس قوه قضاییه و لاریجانی رئیس صدا و سیما هر دو از طرف خامنه‌ای منصوب شده‌اند.

تظاهرات طرفداران جناح خامنه‌ای
روز چهارشنبه مراسم جداگانه‌ای برابر سفارت آمریکا از طرف سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد. در این مراسم رضایی

طول انجامید. اصغرزاده گفت: برخورد ما با گروگان‌ها، برخورد با ملت آمریکا نبود. وی افزود: اکنون می‌توانیم بپذیریم شهروندان آمریکایی که در این محل، اسیر ما بوده‌اند، بیایند و مهمان ما باشند. سخن‌گوی دانشجویان پیرو خط امام درباره برقراری رابطه دیپلماتیک با آمریکا گفت: تا زمانی که آمریکا حوزه امنیت ملی خود را در خلیج فارس و دریای خزر تعیین می‌کند و نمی‌گذارد روند دموکراتیزه شدن در کشور ما با موافقت ادامه یابد، سخن گفتن از رابطه با آمریکا بی‌معناست. اصغرزاده در پایان سخنان خود با بررسی اوضاع سیاسی و اقدامات رئیس جمهور و با اشاره به انتخابات شوراها که قرار است به زودی برگزار شود، گفت: انتخابات شوراها نقطه اوج فعالیت سیاسی

تظاهرکنندگان برابر سفارت گرد آمده بودند، در خشم و غضب از شعارهای اعتراضی دانشجویان، به صفوف آنان یورش بردند و به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند، پرچم آمریکا را آتش زدند، علیه آمریکا شعار دادند اما نتوانستند اجتماع دانشجویان را برهم بزنند. سخنران اصلی تظاهرات، ابراهیم اصغرزاده یکی از افرادی که در سال ۵۸ در اشغال سفارت آمریکا نقش مهمی داشت، بود. اصغرزاده با اشاره به دلایل اشغال سفارت آمریکا تأکید کرد که دانشجویان پیرو خط امام قصد نداشتند گروگان‌ها را ۴۴۴ روز نگه دارند، بلکه می‌خواستند با اشغال سفارت در ۳ تا ۴ روز، اعتراض خود را علیه سیاست‌های دولت آمریکا نشان دهند. به گفته وی، اما با شرایطی که پیش آمد گروگان‌گیری به

ادامه از صفحه اول
گذشته به دعوت دفتر تحکیم وحدت که از دولت خاتمی حمایت می‌کند، تحت عنوان: «چگونه می‌توان دیوار بی‌اعتمادی در جامعه جهانی را فرو ریخت»، برگزار شد. دانشجویان و اقشار مختلف جوانان که حرکت اعتراضی خود را از دانشگاه تهران آغاز کرده بودند، به هنگام عبور از خیابان‌های منتهی به سفارت آمریکا شعار می‌دادند: «دانشجو می‌رزد، ارتجاع می‌لرزد»، «مرگ بر استبداد!»، «اتحاد، مبارزه، پیروزی!». در این مراسم تظاهرکنندگان طبق اعلام قبلی، نه پرچم آمریکا را آتش زدند و نه علیه آمریکا شعار دادند. در این مراسم تنها آدمک «عمو سام» به آتش کشیده شد. ده‌ها تن از حزب‌الله که به قصد تیراکی

آتش‌سوزی مهیب

جان بیش از ۶۰ جوان را در کام خود کشید

به یاری خانواده‌های داغ‌دار بشتاییم

یاران، هموطنان! اندوهی سنگین بر سراسر سوئد سایه افکنده است. نیمه‌شب پنجشنبه ۱۲۹ اکتبر، هنگامی که بیش از ۴۰۰ جوان از ملیت‌های گوناگون در جشن Halloween در محله Hisingen در شهر یوتوبوری شرکت داشتند، آتش جان‌سوز، جشن و شادمانی آن‌ها را به کوره‌ای سوزان بدل نمود.

در این فاجعه دهشتناک بیش از ۶۰ جوان جان خود را از دست دادند و بیش از ۱۹۰ نفر آسیب دیدند که حال تعدادی از آن‌ها وخیم است.

پیر و جوان، زن و مرد، سنگینی غمی جانکاه را احساس می‌کنند. پرچم‌ها نیمه‌افراشته است و تمامی سوئد تحت‌تأثیر این واقعه جان‌گداز در ماتم به سر می‌برد. شورای هماهنگی فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد، مصیبت وارده را به خانواده‌های داغ‌دار تسلیت گفته، خود را عمیقاً در غم آن‌ها شریک می‌داند. در این لحظات درد و اندوه، همدردی و همبستگی با خانواده‌های داغ‌دار و جوانانی که شاهد این واقعه دردناک بوده‌اند، می‌تواند تسکینی برای دل دردمند آن‌ها باشد.

به هر طریق ممکن به یاری آن‌ها بشتاییم.
شورای هماهنگی فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد
شنبه ۱۳۱ اکتبر ۱۹۹۸

کارگران در برابر فشارهای طاقت‌فرسا، به مبارزه برخاسته‌اند

چرا باید شرم‌منده دخترم باشم که به خاطر کفش‌های پاره‌اش خجالت می‌کشد که در سر کلاس درس حاضر شود؟

به طور غیرقانونی به جیب خود ریخته‌اند. یک کارگر این کارخانه، به خبرنگار روزنامه کار و کارگر گفته است: چرا باید شرم‌منده دخترم باشم که به خاطر کفش‌های پاره‌اش خجالت می‌کشد که در سر کلاس درس حاضر شود؟

● بنا به گزارش دیگری، کارگران کارخانه رنگ سرو اصفهان که حدود ۴۰ نفر هستند، روز سوم آبان در اعتراض به مشکلات خویش دست از کار کشیده‌اند.

● کارگران چند منطقه شهرداری تهران در اعتراض به تعویق دو ماهه حقوق‌هایشان اعتصاب کردند. آن‌ها به ریختن پاش‌های شهرداری، در حالی که شکم زن و فرزندان‌شان گرسنه است، معترضند.

گفتنی است که در طول سال‌های اخیر بیش از ده هزار نفر از کارگران شهرداری تهران از کار اخراج شده‌اند و شکایات متعدد آنان نیز تاکنون بی‌پاسخ مانده است.

اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران بدون وقفه ادامه دارد و بخش‌های وسیع‌تری را به خود می‌کشاند. در این شرایط دشواری که کارگران برای نجات زندگی خویش و خانواده‌هایشان به مبارزه برخاسته‌اند، خانه کارگر که تنها تشکیلات رسمی کارگری کشور است، قادر و مایل به سازمان‌دهی اعتراضات پیوسته بیشتر کارگران نیست و این فکر بیش از پیش در میان کارگران تقویت می‌شود که برای دفاع از حقوق خود و مقابله با تعرض حکومت و کارفرمایان به حقوق آنان، به تشکیلات واقعی کارگری و مستقل از حکومت و همه جناح‌های آن نیاز است. □



حقوق‌هایشان اعتصاب کردند. کارکنان این موسسه مدت ۱۴ ماه است که حقوق نگرفته‌اند. مسئولین موسسه تاکنون ۲۰ نفر از کارکنان شرکت را اخراج کرده‌اند.

● کارگران کارخانه آجر عالی اصفهان از روز ۶ آبان به علت عدم پرداخت حقوق‌ها، اعتصاب کردند. کارگران این کارخانه چهار ماه است که حقوق نگرفته‌اند و در برابر استانداری اصفهان دست به تحصن زدند. به گزارش روزنامه کار و کارگر در حالی که این کارخانه روزانه ۲۰۰ هزار تن آجر می‌فروشد، مسئولان آن مدعی‌اند که پول برای پرداخت حقوق کارگران ندارند. مدیر این کارخانه و هم‌دستانش، بسیاری از ماشین‌های کارخانه را فروخته و تمامی سرمایه تعاونی مصرف را

عقب‌افتاده خود بر اساس طرح طبقه‌بندی مشاغل در سال‌های ۷۳ و ۷۴ است. معاون عمرانی استان، علت عدم پرداخت مزایای کارگران را کاهش درآمد شهرداری اعلام کرده است.

● به گزارش روزنامه‌های تهران، بیش از ۳۵۰ نفر از کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر در اعتراض به دریافت نکردن حقوق و مزایای معوقه خود اعتصاب کردند. کارگران با تجمع در برابر درب اصلی کارخانه، خواهان دریافت حقوق‌های خود شدند. این کارگران هشت ماه است که حقوق‌های خود را دریافت نکرده‌اند.

● به نوشته روزنامه اخبار، کارگران و کارکنان موسسه جهاد نصر، وابسته به وزارت جهاد سازندگی، به خاطر عدم پرداخت

آنان را برآورده سازند. کارگران نفت منطقه گچساران، مذاکرات و پیمان‌های دسته‌جمعی کار، تهیه آیین‌نامه نحوه قراردادهای مربوط به چگونگی تعیین و پرداخت اضافه حقوق، اجرای قانون طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها و تشکیل شوراهای کارگری بر پایه ماده ۱۰۴ قانون اساسی را از جمله خواست‌های خود اعلام کرده‌اند.

● کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به عدم پرداخت مزایای خود، در مجتمع فرهنگی و هنری استان اجتماع کرده و خواهان رسیدگی فوری به مطالبات خویش شدند. از جمله درخواست‌های کارگران، برخوردار شدن از حق اضافه‌کاری، پرداخت حق ماموریت، لباس کار و پرداخت مابه‌التفاوت افزایش حقوق

بیکاری ۸۰۰۰ کارگر خواهد شد. ● یک عضو کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس هشدار داد که بیکاری عمده‌ترین معضل کشور در آینده خواهد بود. به گفته این نماینده مجلس، برای حفظ سطح فعلی اشتغال، باید سالانه ۷۸۰ هزار شغل جدید ایجاد شود و این در حالی است که در بهترین دوران «شکوفایی اقتصادی» در جمهوری اسلامی، سالانه بیش از ۳۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد نشده است.

● ۲۰۰۰ کارگر کارخانه جهان‌پیت کرج به علت نبود مواد اولیه در معرض اخراج قرار گرفته‌اند. کارفرمایان و مدیران بخش‌های خصوصی و دولتی، با سوءاستفاده از شرایط بحرانی اقتصادی، کارگران و کارمندان را دسته دسته از واحدهای تولیدی اخراج می‌کنند و سپس آن‌ها را به صورت قراردادی به کار می‌گیرند تا مزد کمتری بدهند و حقوق کارگران را زیر پا گذارند. بر اساس گزارش‌های رسیده از ایران، بر تعداد بیکاران از یک سو و کارگران قراردادی فاقد هرگونه حقوق و آینده روشن از سوی دیگر، دم به دم افزوده می‌شود.

به برابر این وضع کارگران به مبارزه برخاسته‌اند.

کارگران از حقوق خود دفاع می‌کنند

● کارگران نفت گچساران با انتشار نامه‌ای حاوی درخواست‌های خود، از رئیس‌جمهور و مسئولین جدید شرکت نفت خواسته‌اند مطالبات

بحران‌فزاينده اقتصادی و کسری بودجه عظیمی که گریبان‌گیر دولت شده است، فشار خود را بیش از همه بر دوش کارگران وارد می‌کند. در نتیجه فلاکت اقتصادی از یک سو و نبود تشکلهای کارگری مدافع حقوق کارگران، سرمایه‌داران و کارفرمایان، به تعرض همه‌جانبه و غیرانسانی علیه حقوق کارگران ایرانی دست زده‌اند. اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران و عدم پرداخت مزد و حقوق آنان، از جمله راه‌هایی است که دولت و کارفرمایان برای انتقال فشارهای اقتصادی بر دوش کارگران به طور وسیعی به کار گرفته‌اند. کارفرمایان و مدیران بخش‌های خصوصی و دولتی، با سوءاستفاده از شرایط بحرانی اقتصادی، کارگران و کارمندان را دسته دسته از واحدهای تولیدی اخراج می‌کنند و سپس آن‌ها را به صورت قراردادی به کار می‌گیرند تا مزد کمتری بدهند و حقوق کارگران را زیر پا گذارند. بر اساس گزارش‌های رسیده از ایران، بر تعداد بیکاران از یک سو و کارگران قراردادی فاقد هرگونه حقوق و آینده روشن از سوی دیگر، دم به دم افزوده می‌شود.

به برابر این وضع کارگران به مبارزه برخاسته‌اند.

نیروی کار، صنایع و کارخانه‌ها تخریب می‌شوند

● مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی استان فارس وضعیت و اشتغال در این استان را بسیار نگران‌کننده توصیف کرد. به گفته وی خطر ورشکستگی، ۷۰ واحد تولیدی این استان را تهدید می‌کند و این خود باعث

به دنبال سخنان شدید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی علیه عرفات و روند صلح در خاورمیانه، مقامات فلسطینی اتهامات تازه‌ای را متوجه تهران کرده‌اند.

مقامات تشکیلات خودگردان فلسطین اخیراً اعلام کردند که جمهوری اسلامی ایران به یک هسته مخفی در جنبش حماس کمک‌های مالی می‌کند و آن را در جهت سیاست‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهد. به گفته این

دموکراسی و اختیارات...

ادامه از صفحه اول

چون هر انتخابات دیگری که تاکنون در حکومت اسلامی برگزار شده است، همه وسایل اساسی تأثیرگذاری، در اختیار جناح‌های وابسته به حکومت است و توده‌های مردم امکان آن را ندارند از طریق احزاب سیاسی خود تأثیرات مستقیم، منسجم و سازمان‌یافته‌ای بر انتخابات و شوراها بگذارند. نخستین خواسته همه نیروهای دموکراتیک کشور این است و باید این باشد که انتخابات شوراها در فضایی دموکراتیک صورت گیرد که اولین شرط آن، آزادی فعالیت احزاب سیاسی در کشور، امکان آن‌ها برای شرکت فعالانه در انتخابات شوراها و تعیین نامزدهای انتخاباتی است. بدون وجود احزاب سیاسی، بر امکانات حکومت به منظور وابسته ساختن این نهادهای مردمی به خود، به میزان عظیمی افزوده خواهد شد. از این رو ما تدارک انتخابات آینده شوراها را در ارتباط تنگاتنگ با مبارزه برای آزادی احزاب سیاسی در ایران می‌دانیم و ادعاهای طرفداران حکومتی انتخابات شوراها را نیز در میزان پای‌بندی‌شان به تشکیل شوراهای واقعی در همین موضوع ارزیابی می‌کنیم. اگر آنان می‌خواهند انتخابات را بدون حضور نیروهای مخالف برگزار کنند، ما به مردم خواهیم گفت که آنان در ادعاهای خود برای ایجاد شوراهای دموکراتیک صادق نیستند و متأسفانه تاکنون هیچ نشانه‌ای دیده نمی‌شود که طرفداران شوراها در حکومت، روش خود را مبنی بر حذف و نادیده گرفتن احزاب سیاسی تغییر داده باشند. شوراهای شهر و روستا، حتی مطابق تعریف قانونی آن‌ها در جمهوری

به دنبال حملات شدید خامنه‌ای به عرفات مقامات فلسطینی مدعی شدند جمهوری اسلامی قصد ترور عرفات را داشته است

تشکیلات به پیمانی مغایر با منافع مردم فلسطین» خواند. دور جدید جنگ لفظی را خامنه‌ای آغاز کرد. وی در خطبه‌های هزارمین نماز جمعه تهران با لحنی بسیار شدید و توهین‌آمیز عرفات و «پیمان خاسمنه‌ای این پیمان را یک «توافق ننگین» نامید که «صد درصد علیه مردم فلسطین، دنیای عرب و جهان اسلام» است. خامنه‌ای عرفات، رهبر

فلسطینیان را «یک فرد حقیر و خائن که به شدت در دنیاپرستی غرق شده و لیاقت ندارد حتی عضوی از مقاومت فلسطین باشد» نامید. در توافقی که بین عرفات و نتان‌یاهو در مریند آمریکا به امضا رسید (گزارش آن در شماره پیشین «کار» درج شده است)، دو طرف در مورد تخلیه اسرائیل از کرانه باختری رود اردن و حذف هدف نابودی اسرائیل از منشور فلسطینی‌ها به توافق کردند. □

بر اساس طرح تازده‌ای که نمایندگان جناح راست مجلس برای کنار گذاشتن وزرای کابینه خامنه‌ای تعیین کردند، از این پس هرگاه کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰، مجلس سه بار پاسخ‌های وزیری را به پرسش یا پرسش‌های نمایندگان قانع‌کننده تشخیص ندهد، آن وزیر در شرایط استیضاح قرار می‌گیرد و برای عضویت در کابینه باید در فاصله ده روز از مجلس رای اعتماد بگیرد.

این طرح به نمایندگان جناح راست امکان می‌دهد هر وزیری را که می‌خواهند از کابینه خانی کنار بگذارند، سه بار به کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ دعوت کنند، پاسخ‌هایش را نپذیرند و سپس بدون آن که دعوی خود را یا دولت علنی سازند و مردم از آن

از طریق تصویب یک قانون تازه

طرف‌داران خامنه‌ای می‌خواهند

وزرای مخالف را بی‌سروصد استیضاح کنند

چه که در کمیسیون‌ها گذشته است باخبر شوند، با یک نشست و برخاست در مجلس، وزیر «ناسمطلب» را از هیئت دولت حذف کنند.

تظلم‌کنندگان این طرح که به طرح «سه خطاره کردن» وزرا مشهور شده است، صراحتاً به خبرنگاران گفته‌اند که استیضاح عوارض سیاسی دارد، در حالی که طبق طرح جدید، هیچ سر و صدایی ایجاد نمی‌شود و وزیران مجبور می‌شوند پیش از طرح سؤالات، «مشکل نمایندگان» را حل کنند. این مشکل هر چه باشد، مشکل مردم نیست، مشکل جناح راست است که از بیان علنی آن هراس دارد و می‌خواهد با آویختن شمشیر دموکلس بر بالای سر وزرا، آنان را به تمکین بیشتر از خامنه‌ای وادار سازد. □

سه‌میه‌ها در مجلس خبرگان سوم

هیات ریسه آن انتخاب نشده است. بسیاری از پیش‌بینی‌ها این است که هاشمی رفسنجانی با توجه به رای اولی که در تهران به دست آورده است، به جای مشکینی به ریاست مجلس خبرگان سوم انتخاب خواهد شد. اگر چنین شود، این موقعیت را باید گام دیگری در جهت تقویت نقش رفسنجانی در حکومت به شمار آورد. □

ادامه از صفحه اول
موقعیت نسبی خود در انتخابات را به رخ رقبا، و به ویژه جناح چپ رژیم بکشند، اما شاید آن‌ها خود نیز تاکنون دریافته باشند، که این «موقعیت» در برابر آبرویی که آنان در نزد توده‌های مردم بساختند، چندانی موقعیتی به شمار نمی‌آید! مجلس خبرگان جدید، هنوز جلسه‌ای تشکیل نداده و رئیس و

فراموش نکنید!

سیاست بهبود مناسبات با ایران، در میان دول اروپایی شتاب ویژه‌ای یافته است. دولت و رئیس‌جمهور کشور فرانسه از آقای محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران برای بازدید از این کشور دعوت کرده‌اند. به گفته سفير ایران در این کشور، قرار است وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز به زودی راهی فرانسه شود. ایتالیایی‌ها نیز مستظر پذیرایی از رئیس‌جمهور اسلامی هستند و کشورهای دیگری از اروپا نیز به تدریج در نوبت قرار می‌گیرند. سغری جمهوری اسلامی در اروپا «دوران درخشش» خود را آغاز کرده‌اند و مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته‌اند. در اروپا تلاش آشکاری صورت می‌گیرد تا «تغییرات گسترده» در ایران اثبات و دلیلی برای گسترش مناسبات با جمهوری اسلامی قرار گیرد. دولت‌های اروپایی بسیار مایلند تا چهره ایران اسلامی را همان‌گونه تصور کنند و به مردم کشورهای خود معرفی نمایند، که آقای خاتمی در سخنرانی‌های خود برای آنان تصویر می‌کند.

اما واقعیت ایران اسلامی به هیچ‌روی آن نیست که رئیس‌جمهورش در سخنان خود در مجامع بین‌المللی و برای اروپاییان تعریف می‌کند. گزارش اخیر مورس کاپیتورن نماینده ویژه دیرکل سازمان ملل متحد، در مورد ادامه نقض حقوق بشر در ایران، تنها یک نمونه از ادامه سرکوب مردم و آزادی‌های سیاسی در ایران است. در ایران حقوق بشر هم‌چنان زیر تازیانه حکومت اسلامی قرار دارد و حقوق مخالفین به شیوه‌هایی خشن نقض می‌شود.

ما همان‌گونه که تاکنون بارها اعلام کرده‌ایم، مخالف گفتگوی دولت‌ها با دولت و مقامات ایرانی و برقراری مناسبات بین ایران و سایر کشورها نیستیم. اما مخالفیم که در این مناسبات حقوق مردم ایران نادیده گرفته شود و بنا به مصالح اقتصادی چشم بر سرکوب و حقیقت در ایران بسته شود. ما کاملاً انتظار داریم که فشار برای رعایت حقوق بشر در ایران، هم‌چنان جایگاه مقدمی در مناسبات و گفتگوهای دولت‌های اروپایی با دولت و حکومت ایران داشته باشد. به اعتقاد ما به ویژه در این شرایط، وظیفه ویژه‌ای بر دوش سازمان‌ها و احزاب دموکرات ایرانی و همه ایرانیان آزادی‌خواه در خارج از کشور قرار دارد که نگذارند جمهوری اسلامی ایران خود را آن‌گونه که نیست بسمایند. باید با صدای رسایی از دولت‌ها و سازمان‌ها و احزاب ترقی‌خواه اروپایی خواهیم که فراموش نکنند، ایران هنوز در زیر سلطه استبداد مذهبی قرار دارد و مردم ایران در مبارزه خود برای رهایی از این استبداد انتظار دارند که سرکوب حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک در ایران، وسیعاً در سطح جهان مورد اعتراض قرار گیرد. □

نشریه «عصر ما»:

طرح تغییر قانون مطبوعات در مجلس تهیه شده است

نشریه «عصر ما»، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، که پیش از انتخابات مجلس خبرگان در دادگاه مطبوعات به شش ماه توقیف محکوم شده است، در آخرین شماره خود خبر داد، اکثریت مجلس طرح تغییر قانون مطبوعات را تهیه کرده است. به نوشته این نشریه، طرح تغییر قانون مطبوعات در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و در «پشت درهای بسته» انجام گرفته است و آریاب جراید و حتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جریان آن قرار گرفته‌اند. این طرح تنها به اطلاع گروهی از سران جناح راست مخالف آزادی مطبوعات رسیده است.

به نوشته «عصر ما»، با توجه به شرایطی که در جامعه وجود دارد، مسئولان مرکز پژوهش‌های مجلس ترجیح داده‌اند در شرایط کنونی تغییر کامل قانون را به کناری بگذارند و تنها ماده‌ای را به آن اضافه کنند که مطابق آن برخی جرایمی که در حال حاضر در دادگاه مطبوعات رسیدگی می‌شود، جرایم غیرمطبوعاتی محسوب شده و در دادگاه‌های دیگر و به صورت غیرعلنی مورد رسیدگی قرار گیرد. در همین حال رزمه‌های استیضاح وزیر ارشاد، هنوز در مجلس شورای اسلامی به گوش می‌رسد. به نوشته روزنامه ابرار، میرخلیلی نماینده میناب در مجلس گفته است با توجه به «عملکرد ضعیف» مهاجرانی در

اولین گام برای تامین کسری بودجه، کاهش و حذف هزینه‌های زاید است

وضع اقتصادی کشور با گام‌های شتابان رو به وخامت می‌گذارد. خبرهایی که در روزنامه‌ها درج می‌شود، روزنامه‌ها هر روز گوشه‌هایی از وخامت اقتصادی را بازتاب می‌دهند. قیمت کالاهای ضروری مردم به سرعت در حال افزایش است و تورم بصورت لحام گسیخته بالا می‌رود، قیمت دلار در بازار آزاد به ۶۵۰ تومان و بیشتر رسیده است. تعداد قابل توجهی از کارخانه‌های کشور به‌علل مختلف از جمله کمبود نقدینگی تعطیل شده و یا در حال تعطیل هستند. بر اثر تعطیلی کارخانه‌ها هزاران کارگر به صفوف بیکاران پیوسته‌اند. دولت خاتمی با کسری بودجه عظیم مواجه است و حتی قادر به پرداخت حقوق کارمندان نیست. کارگران تعداد زیادی از واحدهای تولیدی دستمزدها را دریافت نکرده‌اند. مردم خواهان آنند که دولت برای مقابله با بحران اقتصادی، حل معضلات اقتصادی مردم و تامین کسری بودجه، به اقدامات جدی و عاجل دست بزند. اما کاری که تاکنون شده است، انتشار طرحی به نام «طرح ساماندهی اقتصاد کشور» است که آن‌هم به امان خدا رها شده است. در این شرایط قاعدتاً اولین اقدام دولت باید پیشبرد سیاست صرفه‌جویی و جلوگیری از ریخت و پاش نهادهای ریز و درشت حکومتی باشد، نه حراج تروتهای کشور و پیش‌فروش نفت با قیمت‌های پایین‌تر از قیمت‌های بازار جهانی، استقراض از بانک‌های داخلی و استقراض خارجی که دولت خاتمی برای تامین کسری بودجه به آنها توسل جسته است.

اما در کنار این واقعیات، می‌توان شاهد اقداماتی بود که گویا این کشور نه تنها با بحران اقتصادی روبرو نیست، بلکه از انچنان رونقی برخوردار است و انچنان درآمدهای دولت زیاد است که می‌تواند بودجه‌های عظیمی صرف کارهای غیر ضروری و بی‌ثمر سازد. مانورهای حکومت اسلامی و لشکر کشی چند صد هزار نفر به مرزهای غربی کشور در شرایطی که حقوق‌های کارگران و کارکنان را ماه‌هاست نپرداخته‌اند، تنها یکی از نشانه‌های سیاست‌های ضد مردمی این رژیم است. نه فرماندهان نظامی که با آب و تاب از این مانور سخن می‌گویند و خبر از باقی ماندن نیروی ۲۰۰ هزار نفر در مرزها را می‌دهند و نه سران رژیم تاکنون هیچ‌کدام اشاره‌ای به هزینه‌های سرسام‌آور این مانور و هزینه‌های استقرار این نیروها در مرزها نکرده‌اند. این بودجه عظیم و کاملاً غیر ضروری بر پیکر نحیف اقتصاد کشور فشار طاقت‌فرسای آورده است. و این تنها یک نمونه است. می‌توان به موارد متعددی دیگری از این ریخت و پاش‌ها و هزینه‌های عظیم اشاره کرد: کمک میلیون‌ها دلاری جمهوری اسلامی به جریانه‌های تروریستی اسلامی، بودجه عظیم برای تبلیغات شورا و جلسه بین‌المللی، سفرهای پر هزینه نمایندگان مجلس شورا و مقامات ریز و درشت حکومتی به کشورهای خارجی از این جمله است.

راه تامین کسری بودجه، حراج تروتهای کشور، استقراض از منابع خارجی و یا از بانک ملی، و یا کاهش حقوق کارمندان (پیشنهاد لاریجانی) نیست، کاهش و حذف هزینه‌های زاید و اخذ مالیات از نهادهای اقتصادی نظیر بنیاد مستضعفان، تجار و دلال‌ها است. □

به گفته مسئولان تشکیلات خانه کارگر:

میلیون‌ها کارگر با مشکل بیمه درمانی مواجه‌اند

حسن صادقی معاون دبیرکل خانه کارگر اعلام کرد: هم‌اکنون ۵ میلیون کارگر بیمه‌شده به همراه ۱۵ میلیون افراد تحت تکفل آن‌ها، با مشکل جدی درمان مواجه هستند. معاون خانه کارگر به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: به رقم تخصیص ۲۰۰ میلیارد تومان برای درمان بیمه‌شدگان، درمان مطلوبی از سوی تامین اجتماعی به کارگران ارایه نمی‌شود. به گفته وی حذف ۱۹ قلم دارو از فهرست دارویی بیمه‌شدگان، قطع پرداخت برخی تسهیلات اعطایی و تغییر نحوه میزان مستمری، بر مشکلات درمانی کارگران بیمه‌شده به میزان بسیاری افزوده است. معاون خانه کارگر خواستار آن

شد که تمام تصمیم‌گیری‌های سازمان تامین اجتماعی، با حضور نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان صورت گیرد. مشکلات درمانی بیمه‌شدگان و به ویژه بیمه‌شدگان کارگر، به کلافی پیچیده تبدیل شده است. همه سازمان‌ها و طرف‌های درگیر در این عرصه، به هم مقروضند. به گفته مقامات سازمان تامین اجتماعی، دولت سهم خود به این سازمان را سال‌هاست که نپرداخته و اکنون بدهی دولت به این سازمان سر به میلارد‌ها تومان می‌زند. به تبع دولت، کارفرمایان هم تعهدی برای پرداخت سهمینه خود احساس نمی‌کنند. سازمان تامین

اجتماعی نیز به نوبه خود میلیاردها تومان به بیمارستان‌ها بدهکار است و بیمارستان‌ها هم تلافی طبکاری‌های خود را بر سر کارگران درمی‌آورند. دفترچه‌های بیمه سازمان تامین اجتماعی دیگر ارزشی ندارد و بیمه‌داران کارگران و کارکنان خانواده‌های آنان را که با این دفترچه‌ها مراجعه می‌کنند یا سر می‌دوانند و یا نمی‌پذیرند. دولت تاکنون هیچ گامی جدی در جهت رسیدگی به مشکلات درمانی کارگران و یا حداقل کاستن از این مشکلات برنداشت است و بعد هم به نظر می‌رسد که در حکومت جمهوری اسلامی اساساً بتوان راهی برای این‌گونه مشکلات پیدا کرد. □

برتری مرد قرار گرفته‌اند، و بحث‌های وسیع زنان در کشور حتی در درون آنان نیز بازتاب داشته است، هشدار می‌دهند «از سلامت حضور خود در جامعه مراقبت کنند که شرط تحقق آن اعتدال است». یعنی به آنها می‌گوید درجه دوم بودن را بپذیرید، از خط قرمز تخطی نکنید، سخن از برابری گفتن شکتست تعادل است.

آقای رفسنجانی در راس هرم رؤیمی قرار دارد که در ۲۰ سال گذشته اصول و سنت‌های عقب‌مانده را که بر بنیاد تحقیر زن استوار بود تبلیغ کرده است. در طی این ۲۰ سال تمامی آن سنن اجتماعی که در حال مطرود شدن بود یا در بین قشر کوچک سنتی‌ها بشدت عقب‌مانده رایج بوده است، این آقایان سعی کرده‌اند به سنت رایج تبدیل کنند. سال‌ها رفسنجانی، و امثال او حضور زنان را به عنوان سیاهی لشکر می‌خواستند، اما اکنون که بهر حال در نتیجه حضور اجتماعی حتی همین زنانی که قبلاً حساسیت ویژه روی حقوق خود نداشتند، در واقعیت امر در مقابل اصل مقدس

رفسنجانی و باز هم مثل همیشه دروغ‌های بزرگ

شهلا فرید

در حین انقلاب به دلایل سیاسی آنها حضور زنان را در تظاهرات تبلیغ کردند، این تبلیغ نه از روشن‌بینی آنها بود، بلکه از تحقیر زنان استوار است و حقوق انسانی را از آنها سلب می‌کند، برای همه شناخته شده است. این کدام تحول اساسی در وضعیت زنان است که میلیون‌ها زن ضد آن را می‌بینند ولی رفسنجانی قادر به تشخیص آن است. واقعیت این است که روحانیون حوزه علمیه و امثال رفسنجانی سال‌ها به تبلیغ و ترویج آن پرداختند، که در صورت حضور زنان در اجتماع هم آن‌ها فاسد می‌شدند و هم جامعه، و آنها باید در خانه‌هایشان محبوس بمانند. بسیاری از خانواده‌های سنتی تحت تاثیر این تبلیغات دختران خود را در خانه محبوس می‌نمودند و به مدارس نمی‌فرستادند.

دانشگاهها محروم شدند و هر نوع قانونی که اندکی از حقوق زنان را تازتاب می‌داد ملغی شد، و قوانین ضد زن و اسلامی حاکم شد. آقای رفسنجانی در راس هرم رؤیمی قرار دارد که در ۲۰ سال گذشته اصول و سنت‌های عقب‌مانده را که بر بنیاد تحقیر زن استوار بود تبلیغ کرده است. در طی این ۲۰ سال تمامی آن سنن اجتماعی که در حال مطرود شدن بود یا در بین قشر کوچک سنتی‌ها بشدت عقب‌مانده رایج بوده است، این آقایان سعی کرده‌اند به سنت رایج تبدیل کنند. سال‌ها رفسنجانی، و امثال او حضور زنان را به عنوان سیاهی لشکر می‌خواستند، اما اکنون که بهر حال در نتیجه حضور اجتماعی حتی همین زنانی که قبلاً حساسیت ویژه روی حقوق خود نداشتند، در واقعیت امر در مقابل اصل مقدس

از زن» طرح بحث در مورد حقوق زنان در مطبوعات را ممنوع کرده‌اند. و البته آن بندهایی از قانون مدنی که بر تحقیر زنان استوار است و حقوق انسانی را از آنها سلب می‌کند، برای همه شناخته شده است. این کدام تحول اساسی در وضعیت زنان است که میلیون‌ها زن ضد آن را می‌بینند ولی رفسنجانی قادر به تشخیص آن است. واقعیت این است که روحانیون حوزه علمیه و امثال رفسنجانی سال‌ها به تبلیغ و ترویج آن پرداختند، که در صورت حضور زنان در اجتماع هم آن‌ها فاسد می‌شدند و هم جامعه، و آنها باید در خانه‌هایشان محبوس بمانند. بسیاری از خانواده‌های سنتی تحت تاثیر این تبلیغات دختران خود را در خانه محبوس می‌نمودند و به مدارس نمی‌فرستادند.

رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار با کارکنان «سازمان‌های غیر دولتی زنان» مدعی شده است که «هیچ حرکتی به اندازه ظهور اسلام وضعیت زنان را متحول نکرده است». او گفت که «حضور زنان ایرانی در مجامع جهانی می‌تواند الگوی مناسبی از مشارکت بانوان برای دیگر جوامع باشد». رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید: «سنت‌ها، عادات و عرف‌های اجتماعی نادرست مانع بزرگی بر سر راه اجرای اصول ناب قرآنی و اسلامی در زمینه حقوق زنان بوده» او سرانجام به زنان هشدار می‌دهد: «همه بانوان ایرانی باید به رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند باشند و از سلامت حضور خود در جامعه مراقبت کنند که شرط تحقق آن اعتدال است». سال‌هاست که رفسنجانی به عنوان فردی که مبنای حرکتش بر ادعاها و دروغ‌های بزرگ متکی است، شناخته شده است. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از ادعاهای خود در زمانی صحبت می‌کند که نمایندگان رژیم او با قانون «ممنوعیت استفاده ابزاری

از میان خبرها...

دریای خزر را کر بماند، اوقیانوس خواهد شد!

یک گروه از کارشناسان فرانسوی، بعد از بازگشت از یک ماموریت سه ماهه در دریای خزر، اعلام کردند که بزرگ‌ترین دریاچه جهان از نظر اکولوژیک، در شرایط بسیار بدی قرار دارد. اما به گفته این کارشناسان، هنوز می‌توان به بهبود این شرایط امیدوار بود. این کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که «کمتر از چند میلیون سال دیگر» دریاچه فعلی، به یک اوقیانوس تبدیل می‌شود. به گفته این کارشناسان، دریای خزر بر روی شکافی واقع شده است که از سایش دو صحنه آسیا و هند به وجود آمده است. این گسل در چند میلیون سال دیگر می‌تواند آسیا را دو نیم کند و در نهایت آب‌های خزر اوقیانوس جدیدی را شکل خواهند داد. البته این پیش‌بینی در شرایطی به وقوع خواهد پیوست که دریای خزر بتواند از دست انسان‌ها جان سالم به‌در برد! یک روزنامه چاپ آلمانی نوشت: محققان دانشگاهی ۵ کشور کناره خزر، در یک گردهمایی که اخیراً برگزار شد، هشدار دادند که حجم بالای فصولات خانگی و صنعتی و نیز مواد نفتی، محیط زیست در دریای خزر را به شدت بحرانی کرده است. به گفته این کارشناسان تاثیر آلودگی بالای خزر بر حیات گیاهی و جانوری آن، در بهار امسال و با مرگ دسته‌جمعی هزاران ماهی در ساحل قزاقستان، شکل نگران‌کننده‌ای به خود گرفت. برخی از مناطق خزر، هم‌اکنون تا ۱۱ برابر بیش از حد قابل تحمل برای موجودات زنده، به مواد نفتی آلوده شده است.

اعتصاب علیه کامپیوتر!

یک کامپیوتر دیوانه، کارکنان کتاب‌خانه جدید ملی فرانسه را وادار به اعتصاب کرد. سوپر کامپیوتری که در این کتاب‌خانه جدید نصب شده است، چنان اطلاعات نادرستی در مورد کتاب‌های کتاب‌خانه و گیرندگان کتاب به کارکنان می‌دهد، که نه تنها اعصاب آنان را خورده کرد، بلکه موجب درگیری‌های متعددی بین کارکنان کتاب‌خانه با مراجعین شده است. به عنوان مثال کارکنان از مراجعین طلب کتاب‌هایی را می‌کنند که طبق اطلاعات کامپیوتر، به کتاب‌خانه تحویل داده نشده است و وقتی با اعتراض مشتریان مواجه می‌شوند، تحقیقات معلوم می‌کند که اطلاعات کامپیوتر نادرست بوده است. کارکنان کتاب‌خانه ملی فرانسه که از دیوانه‌بازی‌های این سوپر کامپیوتر به تنگ آمده‌اند، بالاخره علیه آن دست به یک اعتصاب ۱۳ روزه زدند و تهدید کردند که مهندسان مربوطه باید این کامپیوتر را معالجه کنند تا آنان به سر کارهای خود بازگردند!

یک سوم جنگل‌های زمین در معرض نابودی است

«بنیاد جهانی طبیعت» اعلام کرده است یک سوم جنگل‌های زمین در خطر نابودی قرار دارد و عامل این نابودی گرمای روبه افزایش کره زمین است. این بنیاد اعلام کرده است که دمای شدید احتمال وقوع آتش‌سوزی‌ها را افزایش داده است و از رشد عادی درخت‌ها و بازپروری آن‌ها جلوگیری می‌کند.

علت نابودی دایناسورها

پژوهشگران آمریکایی اعلام کرده‌اند بر اساس مدارکی که اخیراً به دست آورده‌اند، این فرضیه که در ۶۵ میلیون سال قبل، دایناسورها بر اثر برخورد یک شهاب سنگ غول پیکر با کره زمین از میان رفته‌اند، تقویت شده است. اخیراً بر روی صخره‌هایی که در زمان حیات دایناسورها بر روی کره زمین موجود بوده، مقادیری فلز کروم، که منشاء غیر زمینی دارد، کشف شده است.

جاسوسی که قهرمان ملی شد!

دولت لهستان سرانجام پذیرفت مبلغ ۳۶۶ هزار دلار غرامت به سرهنگ ریزارد کولینسکی بپردازد. این سرهنگ در دوران جنگ سرد، از جاسوسان درجه اول سیا در لهستان بود و توانسته بود ۳۵ هزار مدرک سری و کاملاً محرمانه ارتش لهستان را در اختیار آمریکاییان قرار دهد. دولت لهستان در سال ۱۹۸۴ این جاسوس را دستگیر و به اعدام محکوم کرد، اما او به کمک سیا از لهستان گریخت و همراه با خانواده‌اش به آمریکا پناهنده شد. حالاً این جاسوس به عنوان قهرمان ملی، دوباره به لهستان برگشته است!

این بار مبارزه با «زن سالاری»!

هند را سرزمین عجایب نیز می‌گویند، و این هم نمونه دیگری از عجایب این کشور: مردان قبیله «خاسی» در شمال شرقی هند، از وضع خود خسته شده‌اند و به مبارزه با «زن سالاری» کمر بسته‌اند. طبق سنت این قبیله ۸۰۰ هزار نفری در استان دورافتاده «مگالایا»، زن محور اصلی قبیله است و جوان‌ترین دختر اموال خانواده را به ارث می‌برد. پس از ازدواج، مرد به خانه زن می‌رود و فرزندان نام خانوادگی مادر را می‌گیرند. یکی از مردان این قبیله عجیب که مسئول یک «سازمان مردانه» است، می‌گوید: ما مجبوریم تنها از بچه‌ها نگهداری کنیم، بدون این‌که نقشی در جامعه داشته باشیم!

فقرترین زندانیان جهان!

بنا به گفته وزیر دادگستری روسیه، این کشور تنها روزی ۳ سنت خرج زندانیان خود می‌کند. به گفته این وزیر، شدت تراکم زندانی‌ها در روسیه ۳۹ درصد بیش از حد مجاز است. تعداد زندانیان روسیه حدود یک میلیون نفر برآورد می‌شود که ۱۵ هزار نفر آن‌ها خارجی هستند. □

بخش فارسی «رادیو آزادی» آغاز به کار کرد

اسلامی به عنوان اعتراض به این اقدام، سطح همکاری‌های اقتصادی خود با این کشور را کاهش خواهد داد. وزارت خارجه جمهوری چک از جمهوری اسلامی خواست که در این مورد «واکنش متوازنی» نشان دهد. وزارت خارجه چک اعلام کرد فعلاً به واکنش متقابلی در برابر حکومت ایران دست نخواهد زد. □

برنامه فارسی از طریق رادیو اروپای آزاد (رادیو آزادی) مستقر در پراگ، دولت جمهوری چک با مواضع غیراصولی در طول ماه‌های گذشته، از این اقدام خصمانه آمریکا حمایت کرد. به گفته سخنگوی وزارت خارجه ایران، با وجود اقدام‌ها و اعتراض‌های دولت ایران این رادیو در خاک چک برنامه‌های خود را آغاز کرده است. جمهوری

به دنبال آغاز برنامه‌های بخش فارسی «رادیو آزادی» که توسط آمریکا اداره می‌شود و در خاک جمهوری چک قرار دارد، جمهوری اسلامی ایران سفیر خود را به نشانه اعتراض، از این کشور فرا خواند. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران روز ۱۲ آبان ماه در این باره گفت: به دنبال تصمیم کنگره آمریکا مبنی بر راداندازی

گارد سبز در گیلان!

گروهی به عنوان «گارد سبز» فعالیت خود را در اداره محیط زیست استان گیلان آغاز کرد. این گروه وظیفه خویش را کنترل و نظارت بر منابع آلاینده محیط زیست اعلام کرده است. «گارد سبز» متشکل از کارشناسان و محیط‌بانان سبزپوش است و کنار توزیع افکار عمومی، آرایه رهنمودهای زیست‌محیطی، بازرسی و کنترل منابع آلاینده را بر عهده خواهد داشت. «گارد سبز» پس از شناسایی منابع آلاینده، به متخلفان تذکر خواهد داد و در صورت ادامه آلوده‌سازی محیط زیست، ضمن تعطیلی واحد آلاینده، متخلفین را به مراجع قضایی معرفی خواهد کرد. □

سازمان ملل متحد

پیشنهاد رییس جمهور ایران را پذیرفت

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جلسه ۴ نوامبر (۱۳ آبان) خود، پیشنهاد رییس‌جمهوری ایران در باره تعیین سال ۲۰۰۱ به عنوان سال «گفتگوی تمدن‌ها» را به تصویب رساند. با تصویب این پیشنهاد، دولت‌های جهان متعهد شدند، که در هزاره جدید میلادی، همه امکانات خویش را به کار گیرند تا از بروز جنگ‌ها جلوگیری کنند و اختلافات و مسایل خویش را در چارچوب گفتگو و مذاکره حل نمایند.

نظریه گفتگوی تمدن‌ها از سوی رییس‌جمهور ایران در برابر نظریاتی همچون «بسرخورده تمدن‌ها» پیش کشیده شد و در سخنرانی وی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهریور ماه گذشته، به سازمان ملل ارائه شد.

تصویب این پیشنهاد، به همان اندازه که راه جنگ و خون‌ریزی در ابعاد جهانی و منطقه‌ای را ببندد و به حل اختلافات از طریق گفتگو و مذاکره کمک کند، مورد تأیید است و ما نیز به سهم خویش از آن استقبال می‌کنیم و امیدواریم که تصویب آن از سوی دولت‌های جهان با پای‌بندی واقعی در عمل همراه باشد و سرنوشت بسیاری از مصوبات و قطعنامه‌های دیگر سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی معتبر را بناید.

اما بر این نکته باید تأکید اکید گذاشت، که سیمای واقعی جمهوری اسلامی ایران را نه در جهان و نه در ایران، این‌گونه پیشنهادات معین نمی‌کند. رژیم اسلامی ایران در سیاست خارجی خود، راهی را سواى آن می‌رود که رییس‌جمهورش مدعی آن است. مخالفت با روند‌های صلح و گفتگو میان کشورها و دولت‌های متخاصم و درگیر در سطح جهان، و به عنوان نمونه مخالفت با روند صلح در خاورمیانه و اصولاً مذاکره فلسطینیان با اسرائیل، کمک به گسترش تروریسم و ناامنی در سراسر جهان، حمایت از جنبش‌های بنیادگرایى که صلح و آرامش در جهان را تهدید می‌کنند، از جمله مشخصه‌های سیاست خارجی حکومت اسلامی ایران است.

این رژیم در داخل ایران نیز از هرگونه گفتگو و مذاکره و زیان صلح‌آمیز با مخالفین خود امتناع می‌کند و حاضر به پذیرش موجودیت آنان و به رسمیت شناختن حقوق احزاب و نیروهای سیاسی مخالف خویش نیست. روش حکومت اسلامی در برابر مخالفین خود، سرکوب و نفی موجودیت و کلیه حقوق آنان است.

از این رو، هر چند دولت جمهوری اسلامی ایران، متکرر پیشنهاد تعیین سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها بوده است، اما باید تصریح کرد حکومت اسلامی ایران، یکى از نخستین حکومت‌ها در سراسر جهان است که باید برای سرخیز از عسلیات تشنج افراین، تروریستی و خشونت‌آمیز چه در روابط بین‌المللی و چه در رابطه با مردم ایران، مورد فشار قرار گیرد.

رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرد قصد دارد صدها هزار افغانی را تا پایان آذر ماه از ایران اخراج کند.

مقدمات اجرایی این طرح هم‌اکنون در دستور ارگان‌های ذیربط قرار دارد. وزارت کشور اعلام کرده است برای این افراد برگ خروجی به افغانستان صادر خواهد شد و آن‌ها از امکانات مناسب برای انتقال رایگان به مرز برخوردار خواهند شد. این «امکانات» عبارتند از معادل چهل دلار وجه نقد، پنجاه کیلوگرم گندم و یک تخته زیرانداز.

تصمیم به اخراج پناهندگان افغانی و مجبور ساختن این عده به بازگشت به کشوری جنگ‌زده و ناامن، عواقب وخیمی را برای صدها هزار افغانی به دنبال خواهد داشت. ترکیب گسترده کودکان و سال‌خوردگان در میان این پناهندگان، بر ابعاد خطر و فاجعه‌ای که می‌تواند بر اثر تصمیم جمهوری اسلامی پدید آید، می‌افزاید.

آوارگان افغانی سال‌هاست در ایران کار و زندگی می‌کنند و مناسبات و پیوندهای خویشاوندی با بخشی از هم‌وطنان ما ایجاد نموده‌اند. بسیاری از آنان در ایران ازدواج کرده، خانواده تشکیل داده و فرزند مشترک با ایرانیان دارند. پناهندگان افغانی در ایران، همواره انسان‌های درجه دو به حساب آمده، زندگی دشواری داشته‌اند و فشارهای زیادی را متحمل شده‌اند. بسیاری از افغانی‌ها هنوز به خاطر عدم برخورداری از محل سکونت، شب‌ها را در بیابان‌ها و کاروان‌سراها به صبح می‌رسند. حکومت جمهوری اسلامی با اعمال فشار و ستم بر افغانی‌های ساکن ایران و با سواستفاده از موقعیت ناهنجار آن‌ها، آنان را در جهت مقاصد خود از شرکت در جنگ تا اقداماتی که در جهت تحکیم رژیم صورت می‌گیرد، به کار گرفته است.

حکومت اسلامی، به نحوی غیرمستقیم بسیاری از مشکلات کشور نظیر بیکاری و ناامنی و قتل و غارت را بر عهده افغانی‌ها

افغانی‌های ساکن ایران را یاری دهیم!

می‌اندازد، تا نارضایتی مردم از مشکلات را متوجه این گروه سازد. آن‌ها که این گونه تبلیغات را می‌کنند،

خود همان کسانی هستند که افغانی‌ها را در فقر و تنگ‌دستی که موجب بروز خشونت‌ها و ناامنی‌ها می‌شود، نگاه داشته و از پناهندگان گرسنه و آواره افغانی و نیروی کار ارزان آنان بیشترین سودها را به جیب ریخته‌اند. در هر محیط و کارگاهی که کار شاق و طاقت‌فرسا در جریان است، افغانی‌ها برده‌وار به کار گمارده شده‌اند. این توده زحمت‌کش از هرگونه حقوقی محروم بوده است. کارفرمایان برای این کارگران نه حق بیمه می‌پردازند، نه حق بازنشستگی و نه هیچ‌گونه تسهیلاتی برای آنان فراهم می‌آورند و در عین این که جیب‌های خود را از نیروی کار ارزان آنان پر می‌کنند، مشکلات کشور را نیز به گردن آن‌ها می‌اندازند.

افغانی‌های مقیم ایران، در اکثریت بزرگ خود، علیرغم میل خویش و بر اثر سیاست دولت‌ها و نیروهای، از جمله جمهوری اسلامی، که افغانستان را در آتش جنگی مهیب فرو برده‌اند، از موطن خویش رانده شده‌اند. آنان باید تا زمانی که می‌خواهند، از حق پناهندگی در ایران برخوردار باشند. ما مخالف آنیم که هیچ افغانی را خلاف میلش از ایران اخراج کنند.

ما از سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشر درخواست می‌کنیم مانع از اخراج پناهندگان افغانی به کشور ناامن و جنگ‌زده افغانستان توسط حکومت جمهوری اسلامی شوند. افغانی‌هایی که به کشور و مردم ما پناه آورده‌اند، باید از حق زندگی آزادانه در ایران و برابری حقوق با شهروندان ایرانی، برخوردار باشند. مردم ایران، که امروز میلیون‌ها نفر از خواهران، برادران و فرزندان‌شان به دلیل حاکمیت استبدادی جمهوری اسلامی، پناهنده کشورهای خارجی هستند، پناهندگان افغانی را که به دلایلی مشابه به ایران آمده‌اند، خواهران، برادران و فرزندان خود می‌دانند.

در آستانه بازی‌های آسیایی تایلند

تیم ملی فوتبال به دلیل عدم آمادگی و تدارکات نا کافی، از شرایط مناسب دور است



فدراسیون فوتبال اسامی ۲۵ بازیکن را برای شرکت در اردوی آمادگی بازی‌های آسیایی تایلند اعلام کرد. بسیاری از بازیکنانی که در جام جهانی فرانسه در تیم ملی ایران عضویت داشتند، و از جمله احمد رضا عابدزاده کاپیتان تیم و خداداد عزیزی، در ترکیب جدید حضور ندارند. بازیکنان دعوت شده عبارتند از:

نیما نکبیا، پرویز برومند، بهزاد غلامپور، نادر محمدخانی، جواد زرینچه، محمد خاکپور، محمد نوازی، علی جانملکی، ستار همدانی، علی کریمی، داریوش یزدانی، محمود فکری، علیرضا منصوریان، علی موسوی، وحید هاشمیان، مهدی مهدوی‌کیا، علی دایی، مهدی پاشازاده، کریم باقری، مهرداد میनावند، محمد برزگر، رسول خطیبی، مهدی هاشمی‌نسب، علیرضا نیکبخت‌واحدی و فرهاد مجیدی

از این عده ۲۰ بازیکن برای شرکت در سیزدهمین دوره بازی‌های آسیایی تایلند انتخاب خواهند شد.

بازی‌های تدارکاتی؟

در حالی که مسئولان فدراسیون فوتبال ایران وعده داده بودند تیم ملی در جریان اردوی تدارکاتی خود در ایتالیا، با تیم اینترمیلان یک بازی دوستانه برگزار خواهد کرد، اکنون سخن از آن است که این مسابقه با تیم جوانان میلانی برگزار خواهد شد. معلوم نیست مسئولان فدراسیون فوتبال ایران بر پایه چه محاسباتی تصمیم به برگزاری یک چنین دیدار

جهان ناامن برای کودکان

به موجب گزارش تکان‌دهنده‌ای که اخیراً سازمان ملل متحد منتشر کرده است، کودکان به طرز فزاینده‌ای قربانی جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی می‌شوند. به موجب این گزارش، از سال ۱۹۸۷ تا امروز ۲ میلیون کودک در جنگ‌های منطقه‌ای کشته و ۶ میلیون کودک نیز به سختی مجروح و یا برای همیشه معلول شده‌اند. بنابر این گزارش، هم‌اکنون ۳۰۰ هزار کودک در ارتش‌های دولتی یا شورشی می‌جنگند و هر روز کودکان بیشتری بر اثر منفجر شدن مین‌های ضدنفر کشته یا معلول می‌شوند. اکنون ۳ کشور جهان درگیر آتش جنگ‌های بی‌رحمانه هستند و در این جنگ‌ها کودکان گروه‌گروه کشته می‌شوند و یا والدین خود را از دست می‌دهند.

تیم ملی در تهران مثل همیشه با مشکلات و کمبودهای بسیار همراه بود. فوتبالیست‌های برگزیده ایران که اکنون بار دیگر چشم میلیون‌ها ایرانی به آن‌ها دوخته شده است، حتی امکان آن را نمی‌یافتند که در زمین چمن ورزشگاه آزادی تمرین کنند! در جریان اردوی تیم ملی، منصور پورحیدری خواهان برگزاری تمرینات تیم ملی در زمین چمن شماره یک ورزشگاه آزادی بود، اما این اجازه را به دست نمی‌آورد. روزنامه‌های ایران نوشته‌اند که فدراسیون فوتبال زمین شماره یک این ورزشگاه را به بخش خصوصی واگذار کرده است و به همین دلیل تسیم مللی اجازه نیافته است در این زمین تمرین کند!

تیم ملی آماده نیست

در حالی که کمتر از یک ماه به آغاز بازی‌های آسیایی تایلند باقی مانده است، بر فوتبال تیم ایران همچنان بی‌برنامگی حاکم است و سایه‌های نیرومند تردید در مورد نتایج تیم در مسابقات آسیایی هم‌اکنون به چشم می‌خورد. تیم ملی فوتبال ایران، در مقایسه با حریفان نیرومند آسیایی خود، از کمترین دیدارهای تدارکاتی و همچنین سازمان‌دهی ضعیف رنج می‌برد. در حالی که حریفان مقتدر ایران در غرب آسیا در بازی‌های «جام خلیج» تسیم‌های خود را به آزمایش گذاشته‌اند و تسیم‌هایی چون کره جنوبی و چین و ژاپن در شرق آسیا، تدارکاتی منظمی را دنبال کرده‌اند، اردوی تدارکاتی

موفقیت فیلم‌های ایرانی در دو جشنواره

فیلم سینمایی «نسنه لا لا» و فرزندانش» به کارگردانی «کامبوزیا پرتوی» در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان «لوکاس» در آلمان، جایزه «سی‌ف» را دریافت کرد. «سی‌ف» مرکز بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان است که همزمان با برپایی جشنواره‌های معتبر فیلم‌های کودکان، جایزه‌ای را به بهترین فیلم کودک و نوجوان اهدا می‌کند.

خبرهای کوتاه

آمار زندانیان به روایت زندانبانان

مرتضی بختیاری رئیس سازمان زندان‌های کل ایران در تیریز اعلام کرد: طبق آخرین آمار به‌دست آمده، در زندان‌های ایران ۱۶۰ هزار نفر زندانی وجود دارد. ۶۰ درصد از این زندانیان را، که بیش از ۹۶ هزار نفر هستند، مجرمین مواد مخدر تشکیل می‌دهند. به گفته وی فقط پنج درصد از زندانیان را، زندانیان زن تشکیل می‌دهند که عمده جرایم آنان نیز مربوط به مواد مخدر است. این مسئول، در مورد وضعیت اسف‌بار زندان‌ها و طریقه نگهداری زندانیان چنین می‌گوید: «در حال حاضر به‌دلیل محدودیت‌های اقتصادی، زندان اسلامی در کشور نداریم!!»

اطلس کامل تاریخ ایران

«محمد مدد» معاون سازمان برنامه و بودجه و رییس سازمان نقشه برداری کشور اعلام کرد: برای اولین بار اطلس کامل تاریخ ایران که از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح تاکنون را در برمی‌گیرد و حاوی شیوه توسعه قلمرو حکومت‌ها و تغییراتی است که در طول تاریخ در نقشه کشور صورت گرفته است، به چاپ خواهد رسید. سازمان نقشه برداری در سال گذشته ۵ اطلس تخصصی در زمینه انرژی، جمعیت، زمین‌شناسی و کشاورزی تولید کرده است و در سال جاری نیز ۷ اطلس شامل جمعیت، آموزش عمومی، آموزش عالی، صنایع، حمل و نقل، بازرگانی و تاریخ منتشر خواهد شد.

میزان بی‌سوادی در ایران

«محسن قرائتی» رییس سازمان نهضت سوادآموزی ایران در یک سخنرانی در شهر شیراز، شمار بی‌سوادان ایرانی را ۱۰ میلیون نفر (که حتا در نهضت سوادآموزی نیز سواد نیامخته‌اند)، اعلام کرد. از این تعداد حدود چهار میلیون نفر در ستین زیر ۴ سال قرار دارند.

شهرهای ایران در معرض زلزله

«محمد صافی» مدیر عامل جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان اعلام کرد: ۲۸۰ شهر از مجموع ۶۳۰ شهر ایران زلزله‌خیز می‌باشد و ۳۵۰ شهر کشور در معرض آسیب جدی سیل قراردارد. کشور ایران به‌خاطر موقعیت خاص جغرافیایی آن، به عنوان یکی از ۱۰ کانون بحران زلزله‌خیز جهان به حساب می‌آید و از ۴۲ بلیه طبیعی مانند زلزله، توفان، صاعقه، آتشفشان، سرمازدگی و رانش زمین ۳۰ بلیه در ایران به‌وقوع می‌پیوندد. از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۶ بیش از ۱۴۰ هزار نفر بر اثر زلزله در ایران از بین رفته‌اند.

تیم کاراته جوانان ایران قهرمان آسیا

تیم کاراته جوانان ایران در چهارمین دوره رقابت‌های کاراته قهرمانی جوانان آسیا که در روزهای ۲۰ و ۳۱ اکتبر در ماکائو و با حضور ۲۰ کشور برگزار شد، به مقام نخست در چهارمین دوره رقابت‌های کاراته قهرمانی جوانان پسر آسیا دست یافت. تیم ایران با کسب ۴ مدال طلا، یک نقره و یک برنز در میان بهترین کاراته‌بازان جوان آسیا به مقام قهرمانی رسید و تیم‌های ژاپن و کویت به ترتیب دوم و سوم شدند.

اطلاعی «جبهه سبز ایران»

جبهه سبز ایران در اطلاعی‌ای نسبت به‌فاجعه زیست محیطی «مرگ مرجان‌ها» در آب‌های خلیج فارس هشدار داده و نوشته است: باتوجه به اهمیت مرجان‌ها در چرخه آب، متأسفانه صید و فروش مرجان‌ها در سواحل جنوبی و جزایر آن ادامه دارد. در خلیج فارس بیش از دو بیست گونه ماهی وجود دارد که حیات حدود ۱۵۰ نوع آن‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به مرجان‌ها وابسته‌است.

سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد

نمایندگان مجلس در جلسه علنی خود، یک فوریت لایحه‌ای را به‌تصویب رساندند که در صورت تصویب نهایی آن، دولت سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی در مناطق آزاد کشور را تضمین خواهد کرد. در لایحه یک فوریتی «اصلاح قانون مقررات چگونگی اداره مناطق آزاد صنعتی و تجاری ایران»، پیشنهاد شده در صورتی که سرمایه‌گذاری‌های خارجی صورت گرفته در مناطق آزاد کشور ملی شوند یا مشمول قانونی در آینده شوند، دولت ایران تضمین می‌کند که خسارت یا معادل میزان سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته را به سرمایه‌گذاران خارجی بپردازد.

تسلیت

رفیق امیر جواهری!

در غم از دست دادن فرزند جوانتان در فاجعه دردناک آتش‌سوزی یوته‌بوری، ما را شریک غم خود و خانواده‌تان بدانید

شورای هماهنگی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - سوند

● کارکنان نشریه «کار» نیز این ضایعه را به رفیق جواهری و خانواده وی صمیمانه تسلیت می‌گویند و برای آن‌ها صبر و پایداری آرزو می‌کنند.

در جهان کتاب

برگزاری هفته کتاب

نهم تا شانزدهم آبان ماه، «هفته کتاب» بود و مراسم و نمایشگاه‌های ویژه‌ای در سراسر ایران به همین مناسبت برگزار شد. هدف برگزاری «هفته کتاب»، تقویت فرهنگ کتابخوانی در کشور و حمایت از ناشران و سایر دست‌اندرکاران چاپ و نشر کتاب اعلام شد. اما مشکلات اساسی که مانع «فرهنگ کتابخوانی» می‌شود و کشور ما را از این نظر در زمره کشورهای عقب‌افتاده جهان قرار داده است، همچنین باقی است و فکر و کار اساسی برای حل آن‌ها صورت نمی‌گیرد. عمده‌ترین این مشکلات، از یک سو وجود سانسور اعلام شده و نشده‌ای است که مانع از انتشار آزادانه کتاب در ایران می‌شود و از سوی دیگر اوضاع نابسامان اقتصادی، تنگ‌دستی مردم و از جمله جوانان و دانشجویان و گرانی قیمت کتاب‌هاست. مطابق آماری که در «هفته کتاب» در برخی از جراید انتشار یافت، سهم «کتاب» در «سبد خرید» خانواده‌ها، آن چنان ناچیز است، که می‌توان از آن صرف‌نظر نمود؛ بسیاری از کسانی که در این زمینه مورد پرسش قرار گرفته‌اند، گرانی قیمت کتاب، تنگ‌دستی اقتصادی و نداشتن وقت مطالعه بدلیل دوندگی‌های طولانی برای تأمین معیشت را دلایل اصلی تخریدن کتاب و نخواندن کتاب ذکر کرده‌اند.

کتاب‌خانه‌ها به شبکه رایانه‌ای مجهز می‌شوند

به گفته دبیرکل هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، قرار است کتابخانه‌های ایران تا بهمن ماه به شبکه رایانه‌ای مجهز شوند. در این صورت، مراجعه‌کنندگان می‌توانند از طریق این شبکه به اطلاعات روز، مقالات روزنامه‌ها و نشریات دسترسی یابند. به گفته این مقام، «شبکه نمایه» که اطلاعات روز کتاب‌ها و روزنامه‌ها در آن گردآوری می‌شود، قرار است تا پایان امسال به شبکه جهانی اینترنت متصل شود.

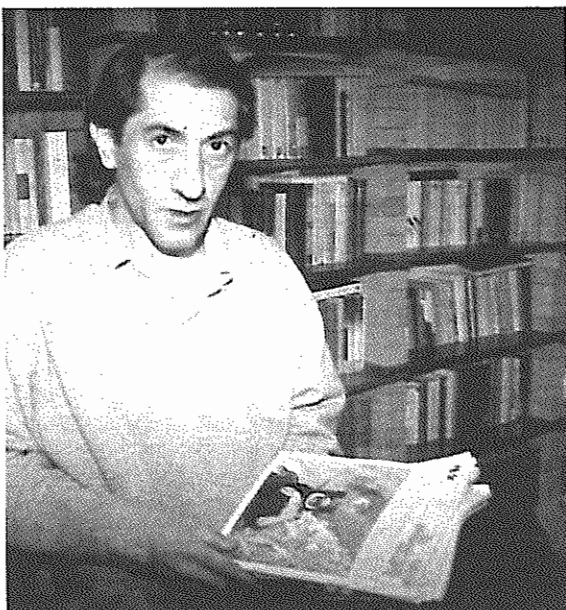
کتاب‌های تازه

- **فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه؛** نوشته آندره لالاند، استاد دانشگاه سوربن پاریس و رئیس جمعیت فرانسوی فلسفه، با ترجمه دکتر غلامرضا وثیق، از سوی مؤسسه انتشاراتی فردوس ایران، منتشر شد.
- **پنجمین چاپ کتاب اقتصاد سیاسی؛** تألیف دکتر همایون کاتوزیان، از سوی نشر مرکز، روانه بازار کتاب شد
- **رمان پونده خاروا؛** اثر کالین مک کالو و با ترجمه مهدی غبرایی، بر پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها قرار گرفت. این رمان داستان جدال کشیش جوانی است با خویش بر سر ماندن در فقر و عشق و دستیابی به شهرت و ثروت. کتاب از سوی انتشارات نیلوفر منتشر شده است.
- **اثر پروانه؛** یک داستان بلند ایرانی است از نویسندگانی به نام خاطره حجازی که دورانی از زندگی کلنل تقی‌خان پسیان را به رشته تحریر کشیده است. این کتاب را نشر چشمه منتشر ساخت.
- **معنای مدرنیته؛** نویسنده بابک احمدی و ناشر کتاب مرکز نشر ایران است. این کتاب شامل ۹ مقاله در باره مدرنیته است.
- **مونالیزا؛** رمان مشهور و ۷۰۰ صفحه‌ای پیر لامور با ترجمه رفیع رفیعی توسط دو انتشاراتی ثالث و دنیای نو انتشار یافت. این رمان با الهام از تابلوی مشهور مونالیزا اثر لئوناردو داوینچی، نقاش مشهور ایتالیایی نوشته شده است و شخصیت اصلی آن را دختری به نام مونالیزا تشکیل می‌دهد.
- **روایت؛** آخرین اثر بزرگ علوی از سوی نشر نگاه بر پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها قرار گرفت.
- **ما می‌مانیم؛** مجموعه مقالاتی از مسعود بهنود روزنامه‌نگار ایرانی، توسط نشر علم منتشر شده است. این مقالات دستچینی از مقالات و نوشته‌های نویسنده از سال ۱۳۷۰ به بعد است که پیش از این به صورت پراکنده به چاپ رسیده‌اند. □

مصاحبه «فرانکفورت‌تر روندشاو» با فرج سرکوهی

در ایران یک جنبش قوی برای دموکراسی وجود دارد

و خیلی مایل هستم تا در آن شرکت داشته باشم



۲۰ سال تجربه تلخ با بنیادگرایان، دریافته‌اند که دموکراسی تنها راه ممکن است. به همین خاطر خاتمی می‌ترسد از این که مردم به جنبش چهارم به پیوندند. بدین دلیل هم خاتمی هر وسیله‌ای را برای مبارزه علیه هر آن کسی که در چارچوب این جنبش از موقعیت و ویژه‌ای برخوردار باشد به کار خواهد بست - حتی ترور. مهم‌ترین دلیل برای ترس من این است، □ آیا می‌توانید با توجه به این ترس به کارتان ادامه دهید؟ □ من از ۱۶ سالگی در عرصه سیاسی و ادبی فعال بوده‌ام، هفت و یا هشت بار زندانی شدم و یک مقدار کمی هم به ترس عادت کرده‌ام. ال‌تراتیو دیگری هم وجود ندارد خلاصه باید یک جور کار کرد. □ آیا مجله آدینه که شما سردبیرش بودید بخشی از جنبش چهارم است؟ □ من سعی نمودم تا این مجله در این راستا حرکت کند. وقتی که می‌خواهید در ایران نشریه‌ای را منتشر کنید می‌بایستی که از یک طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موافقت خود را اعلام کند و از طرف دیگر وزارت انتشار نشریه به کسی که به جنبش چهارم تعلق داشته باشد را نشانه داد. هیچ نشریه‌ای در ایران ارگان این جنبش نیست. کسی که امتیاز انتشار را به دست می‌آورد در عین حال سانسورچی همان نشریه‌ای است که انتشار می‌دهد. صفحه سرمقاله آدینه برای یکی از

به این مسئله، رادیوهای خارجی که در ایران دارای شنوندگان زیادی هستند گزارش نمودند. تنها فرستنده رادیو بین‌المللی آلمان، که خیلی هم محافظه‌کار می‌باشد، گزارشی آرایه نداد. □ شما در اینجا تحت محافظت زندگی می‌کنید. آیا احساس خطر می‌کنید؟ □ این تاکتیک رژیم‌های توتالیتر است تا ناراضی‌ها را در تبعید شکار کنند. با من نقشه‌های دیگری داشتند؛ مرا می‌خواستند و می‌خواستند که به قتل برسانند. زمانی که در ماه مه در برلین سلمان رشدی را ملاقات نمودم، در ایران در روزنامه‌ها نوشتند که من دیگر مسلمان نیستم، چرا که در غیر این صورت فتوا را اجرا می‌کردم. وقتی که یک نفر مسلمان به دنیا آمده و ایمانش را تغییر دهد، جزایش مرگ است. □ به تغییر و تحولات در ایران برگردیم. چگونه امیدوار هستید تا بتوانید به زودی به ایران برگردید؟ □ حدود صد سال است که تفکر مدرن به ایران راه باز کرده و برای ما همیشه دارای دو چهره بوده است. یکی استعماری، استبدادی و دیگری توسعه صنعتی، پیشرفت، دموکراسی و فرهنگ. ما در اثنای صد سال گذشته توانستیم این تناقض را حل کنیم. در حال حاضر در ایران چهار گرایش وجود دارند: سلطنت طلب که مدرنیته‌اش اصیل نبوده، زیرا که به سنت استبداد شرق تکیه دارد. دومی جریان بنیادگرا می‌باشد که هر نوع مدرنیته‌ای را رد می‌کند و استبداد را به شکل رژیم ملایبی در آورده. جنبش سوم تفسیر لیبرالی از اسلام می‌خواهد که یکی از نمایندگان آن خاتمی می‌باشد. جنبش چهارم جنبشی است برای دموکراسی و مخالف یک پارچگی فرهنگی، که سوسیال دمکرات‌ها، سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها و هم چنین اکثر ژورنالیست‌ها به آن تعلق دارند. این جنبش سهم بزرگی در ملی کردن صنایع داشته است. مردم ایران پس از

برده‌ام. گذشته از آن، در ایران یک جنبش قوی برای دموکراسی وجود دارد و خیلی مایل هستم تا در آن شرکت داشته باشم. □ آیا از برگشتن به ایران ترس ندارید؟ □ آزادی و زندگی‌ام را تنها مدیون مبارزه‌ای هستم که در خارج به راه افتاد. در ایران سعی نمودم مرا بکشند. من سه بار به مرگ محکوم شدم و سه بار هم اعدام ساختمی در مورد من اجرا گردید و یک بار هم سعی نمودند مرا با صحنه‌سازی یک تصادف بین‌المللی نمی‌بود من تا حالا مرده بودم. گذشته از آن، در ۱۸ سال گذشته این اولین باری بود که رژیم مجبور گردید یک نفر را آزاد کند. این کار نه تنها باعث نجات زندگی من گردید بلکه تأثیراتی هم بر روی جنبش دموکراسی در ایران گذاشت. اما در رابطه با سؤال شما باید بگویم که من ترس دارم از این که در ایران زندگی کنم و دستگیر شوم. در یک دیکتاتوری همیشه ترس وجود دارد. □ آیا این نشان دهنده تغییرات احتمالی در ایران نیست که، یک جنبش بین‌المللی توانست بر روی سیاست داخلی آن تأثیر بگذارد؟ □ جنبش دموکراسی در ایران دلایل داخلی خودش را دارد. تقریباً حدود صد سال است که در ایران جنبشی برای دموکراسی وجود دارد. در حال حاضر اما وضعیت در مقایسه با گذشته طور دیگری است. مثلاً برای ما ایرانی‌ها حمایت بین‌المللی چیز تازه‌ای است. سیاستمداران همیشه از مباحثه و مذاکره جدی با ایران پیرامون رعایت حقوق بشر اجتناب نموده‌اند. به خصوص در دوره رژیم شاه. در این رابطه، بنیادگرایان در ۱۸ سال گذشته مشکلاتی با کشورهای غربی داشته‌اند اما معمولاً مسایل حقوق بشر به نفع روابط اقتصادی مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. تلاش‌های خارجی در چند ماه گذشته به نفع جنبش دموکراسی هم بوده است. راجع

شهر فرانکفورت عضو شبکه «پناه شهرها» یی می‌باشد که توسط پارلمان بین‌المللی نویسندگان ایجاد شده است. شهرهای عضو این شبکه، نویسندگانی را که در وطن‌شان مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته و تحت تعقیب می‌باشند، پناه داده و از آنها حمایت می‌کنند. فرج سرکوهی اولین نویسندگانی است که از طرف شهر فرانکفورت مورد حمایت و پذیرایی قرار می‌گیرد. روزنامه فرانکفورتی روندشاو، روز جمعه ۱۳۰ اکتبر گفتگوی زیر را با او انجام داده است:

□ آقای سرکوهی شما دوره سختی را در ایران پشت سر گذاشته‌اید و در حال حاضر هم حدود شش ماهی می‌شود که در آلمان به سر می‌برید. آیا توانستید آرامش خود را به دست آورید؟ □ این کمک بزرگی از طرف شهر فرانکفورت است تا بتوانم وضعیت خود را سر و سامانی بدهم. از طرف دیگر تبعید برای یک نویسنده وضعیت دشواری است. یک نویسنده با ریشه‌های فرهنگی و زبان خود پیوند دارد و می‌بایستی که نوشته‌هایش را انتشار داده تا مورد بحث و نقادی قرار گیرد. اغلب وسایل ارتباط جمعی، فقط پله جنبه سیاسی نویسنده در تبعید توجه دارند و کمتر به مشکلات فرهنگی که ما با آن روبرو هستیم، می‌پردازند. □ آیا می‌توانید در اینجا به کارتان ادامه دهید؟ □ نمی‌دانم. مقالاتی نوشته‌ام که منتشر شده‌اند به عنوان مثال در روزنامه لیبراسیون، روی یک رمان و چند داستان کوتاه هم دارم کار می‌کنم. وضع من در مقایسه با دیگر نویسندگان در تبعید شاید که بهتر باشد. روابط خوبی با PEN دارم و به چند سخنرانی هم دعوت شده‌ام. □ میل دارید هر چه زودتر به ایران برگشته و کار نشر و چاپ را در آنجا انجام دهید؟ □ البته، بنا بر دلایلی که نام

داستان

خواب

سیروس سیف

خوابیدن شیوه چپ‌ها و به پهلوی راست خوابیدن شیوه راستی‌ها و اگرچه به شوخی و طنز می‌گفتند اما به جد گوش می‌دادند. میان چپ‌ها خواب درگرفته بود و رسیدن بودند به پای استدلالات علمی برای اثبات خرافاتی بودن فرهاد که مذهبی‌ها پای به میدان گذاشته بودند و به دفاع از او. صحبت از مذهب مافوق علم و مادون علم را به میان کشیده بودند. با چپ‌ها هم عقیده بودند که در مذهب مادون علم که همه‌اش خرافات بود و غیرعلمی اما از دیدگاه مذهب مافوق علم، تأثیر خواب دیدن را حقیقت مسلمی می‌دانستند که هنوز علم به کشف آن دست نیافته است و اگر هم دست یافته است، مسایل هستند که قرآن آن هم در هزار و چهارصد سال پیش از آن سخن گفته است. بعد هم آیه از قرآن می‌آوردند و به احادیثی که از جانب پیغمبر و امامان آمده است استناد می‌کردند و بحث را می‌کشاندند به مبارزه طبقاتی و از دعوی‌های هایل و قایل می‌گفتند که در قرآن آمده است و قرضیه داروین که منافاتی با اسلام ندارد چرا که در قرآن گفته

را برون آمده از پیکار طبقاتی می‌دانست و مذهب را افیون و هیچ چیز را مقدس نمی‌دانست و همه عمرش را با خرافات جنگیده بود و حالا فرهاد، او را کولی می‌نامید. کولی که خواب و بیداری‌اش را خرافات درهم پیچانده است و هر پدیده‌ای را خدایی می‌نامد و هر حرکتی را نشانه راز و رمزی که از خدایان و اجنه و شیاطین و ارواح، به وسیله آن رازها و رمزها بر سرنوشت بشر حکومت می‌کنند. فرهاد، با تعریف و تعبیر کردن خواب‌هایش، سلول را کرده بود عرصه تاخت و تاز اشباح و شیاطین که تا افراد سلول چشم بر هم می‌گذاشتند به سراغشان می‌آمدند و در خواب با آن‌ها حرف می‌زدند و سخن از وقایعی می‌گفتند که در پیش‌رو داشتند. کار همه این شده بود که شب‌ها خواب ببینند و روزها دور هم بنشینند و آن‌ها را برای هم تعریف کنند و بعد هم دسته‌بندی خواب‌ها. خواب‌هایی که دیدن آن‌ها بستگی پیدا کرده بود که کدام گوشه سلول بخوابند. رو به شمال و یا رو به جنوب و شرق و غرب. به شکم خوابیدن شیوه شیاطین بود و به پشت خوابیدن شیوه پیامبران و به پهلوی چپ

- نخیر، من یک مارکسیست هستم. - اما مارکس خودش یک کولی بود. - چی؟! - مارکس یک کولی بود رفیق، یک کولی! وقت هواخوری تمام شد و باید به سلول باز می‌گشتند. در سلول هم ادامه صحبت ممکن نبود. چون فرهاد و سعید ارتباط سازمانی خودشان را از رضا و یعقوب که عضو همان سازمان و در همان سلول بودند، مخفی کرده بودند. سعید رابط رضا و یعقوب با سازمان بود و رضا و یعقوب از عضویت فرهاد در سازمان خبر نداشتند. - سعید شب آن روز تا نزدیکی‌های صبح خوابش نبرد. مارکس کولی یقه‌اش را گرفته بود و ره‌ایش نمی‌کرد. برای اولین بار بود که کسی چنان نسبتی به مارکس داده بود. نسبتی که به عقیده سعید، جهان‌باوری مدون شده از طرف مارکس را واژگون می‌کرد. مارکس برای سعید پیغمبری بود که از تاریخ سر بیرون آورده بود و برعلیه رخ پیغمبران واپسگرا قیام کرده بود. مارکسی که تاریخ

گوشه‌ای ساکت نشسته بود، با خشم فروخورده‌ای رو به فرهاد کرد و گفت: - تاریخ نهضت جنگل را بخوانیم که بفهمیم چرا میرزا ریشش را تراشیده است؟! بقیه افراد زندند زیر خنده. وقت هواخوری بود و باید از سلول خارج می‌شدند. توی حیاط، سعید فرهاد را به کناری کشید و گفت: - من مخالف فرهاد! تو داری خرافات را اشاعه می‌دهی! - کدام خرافات؟! - خواب‌های. - خواب خرافات نیست سعید! خواب‌ها همان طور واقعیت دارند که زندگی! - پس بفرمایید که سفره رمل و اسطرلاب را هم پهن کنید! کتاب حافظ را هم بیاور و فال بگیر. اصلاً چرا با قرآن استخاره نمی‌کنی؟! - اگر این چیزها همان کاربردی را داشته باشد که خواب‌های من دارند، حتماً استفاده می‌کنم! - مثلاً خواب‌های تو چه کاربردی دارند؟! - از آینده خبر می‌دهند! - دست و ردا فرهاد! پیش کولی داری ملق می‌زنی؟! - پس تو هم کولی هستی؟!

دایره زندان فراتر رفته بود و از اوضاع و احوالات سیاسی و اجتماعی که در پیش بود خبر می‌داد. فرهاد، خواب دیده بود که میرزا کوچک خان جنگلی آمده بود به تهران و ریشش را تراشیده بود و شده بود راننده تاکسی‌ای که فرهاد مسافر آن بود. ناگهان میرزا تاکسی را متوقف کرده بود، پریده بود و بیرون و وارد کوچه‌ای شده بود و لحظه‌ای بعد صدای انفجار همه جا را به لرزه درآورده بود و فرهاد از خواب پریده بود. - خب تعبیرش، چه می‌شود آقا فرهاد؟! - فعلاً نمی‌دانم، باید منتظر شوم! چند روز بعد دست نوشته‌ای از کتاب «جنگ شکر در کوپا» که دست به دست گشته بود، وارد سلول آن‌ها شد. فرهاد، به دست‌نوشته اشاره کرده و رو به دیگران گفت: - بفرمایید! این هم تعبیر خوابی که دیدم بودم. - که چی؟! - که این که اگر جنگ شکر در کوپا را می‌خوانید، از خواندن کتاب‌های مربوط به نهضت جنگل هم نباید غافل بشوید! سعید که تا آن لحظه در

شدن زندانی در زندان یا آن که کسی ملاقاتی داشته باشد یا کسی را به اتاق بازجویی خواهند برد یا کسی را از سلولی به سلول دیگری منتقل خواهند کرد و... اما، کم‌کم خواب‌های او وضعیت دیگری به خود گرفتند و مشخصاً اشاره داشتند به افراد به خصوصی، مثلاً، مرضی خودت را آماده کن که فردا و یا پس فردا برای بازجویی می‌برنت، یا مجید اید می‌گیرد و جمال همین روزها آزاد می‌شود و یا هوای پرویز را داشته باشید چون همین روزها خبر بدی دریافت می‌کند! صبح که از خواب بیدار می‌شدند، به جد و یا به شوخی به او می‌گفتند که: فرهاد چه خبر؟! فرهاد، شروع به دادن خبری می‌کرد که در خواب به او الهام شده بود. خبرهایی که به مرور از

خواب‌های فرهاد، در میان هم‌سلولی‌هایش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده بود. به مرور خواب دیدن‌های او مسری شد و به دیگران هم سرایت کرد. صبح که بیدار می‌شدند، هر کدام خوابی دیده بودند و بنا به تجربه بیشتری که فرهاد در خواب دیدن و تعبیر خواب داشت، از او می‌خواستند که خواب‌های آن‌ها را هم تعبیر کند. تعبیر خواب‌ها، اکثراً خوشایند نبود، خصلت‌های پنهان شده‌اش بود و عقده‌های سرکوفت شده جنسی، تردیدها، ترس‌ها، خودخواهی‌ها، بلندپروازی‌ها و... در آغاز، خواب‌های فرهاد، حامل پیامی ساده بودند که اتفاق افتادشان در زندگی روزمره زندان غیرممکن نبود، مثل آمدن زندانی جدیدی به سلول یا آزاد

کشمکش‌های جامعه کارگری ایران و هواداران بازار و ولایت و نیز بین جناح‌های رژیم بر سر قانون کار، موضوع قانون کار را بار دیگر به ساله روز، به ویژه در میان کارگران تبدیل کرده‌است. کمیسیون کارگری سازمان در این رابطه، نظریات فعالین حال و گذشته جشن کارگری را جویا شده است.

در این شماره نظرات حشمت رئیسی، از رهبران سندیکای کارکنان نفت و از فعالین باسابقه جنبش کارگری را در پاسخ به سوال‌های کمیسیون کارگری سازمان می‌خوانید.

نظر شما در مورد قانون کار فعلی چیست؟

ابتدا باید در مورد وضع حقوقی، نحوه قانون‌گذاری و تناقضات و ابهامات گسترده‌ای که در سیستم قانونگذاری و قوانین کشور وجود دارد به طور مختصر اشاره کنم. سیستم حقوقی و قواعد حقوقی که مناسبات جامعه را تنظیم می‌کند. سیستم حقوقی باید انکشاف جامعه را تأمین، روبنای حقوقی را ایجاد و به مطالبات و وظایف جامعه پاسخ روشن دهد.

قوانین مهمی مانند قوانین مدنی – جزا – زمین – کار و غیره، باید در ارتباط ارگانیک با قانون اساسی باشد و در جهت تحقق اهداف قانون اساسی حرکت کنند. آیا سیستم‌های فرعی یعنی قوانین مدنی و یا قانون کار در تقابل با قانون اساسی و روح آن است. آیا شکنجه قانونیت‌یافته تحت عنوان تعزیرات که نه تنها در زندان‌ها، که در هر کوی و برزن به اجرا درمی‌آید. در تقابل آشکار با قانون اساسی است. آیا قوانین مربوط به قصاص و سنگسار و پامال شدن حقوق زنان بویژه زنان کارگر که زیر پوشش کلمات و جملات اخلاقی نظیر سیانت خانواده، شرف و ناموس و حیثیت استار گردید. با نادیده گرفتن مفاد مندرج در قانون اساسی تنظیم و به مرحله اجرا گذاشته شده است. آیا تعرض به حقوق اقلیت‌های مذهبی و دیگرانسدیشان بویژه یسورش دائمی و سازمان‌یافته کولکس‌کلان‌های «شیعه ناب محمدی» و لنینچ‌کردن بهائیان در روح قانون اساسی و اندیشه بنیانگذاران جمهوری اسلامی وجود ندارد. آیا تجاوز جنسی قانونیت‌یافته به دختران ۹ ساله در پناه قوانین شرعی در تضاد با قانون اساسی و مفاد عرفی حقوق مدنی است؟

باید گفته شود که حقوق و آزادی‌های اساسی که بر پایه اصل تساوی و اصل عدم تبعیض استوار است و منشور بنیادین حقوق بشر و مقاله‌نامه بین‌المللی کار بر آن تأکید دارد در قانون اساسی و دیگر قوانین التقاطی جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته شده است. کوشش برای آشتی دادن قوانین عرفی و شرعی اساسی تناقضی است که قانون اساسی و دیگر قوانین از آن رنج می‌برند و دست نیروهای مرتجع را برای تدوین قوانین بر پایه تبعیض عقیدتی و جنسی فراهم کرده است. این همه تناقض، دوگانگی و تبعیض عقیدتی، جنسی و طبقاتی از کجا ناشی می‌شود؟ باید به صراحت گفت که اندیشه‌های آیت‌الله خمینی که ملمح از نظرات اسلامی بر پایه این قوانین را بوجود آورد و تغییراتی که ناشی از الزامات سیاسی در آن بوجود آورد، جوهر این اندیشه‌ها را تغییر نداد. ایشان در آغاز خرداد سال ۱۳۴۱ بر علیه دیگر ادیان و مذاهب خطاب به علم نخست‌وزیر وقت نوشت «...اگر گمان کردید می‌شود با زور چند روزه، قرآن کریم را در عرض اوستای زردشت و انجیل و بعضی کتب ضاله قرار داد و به خیال از رسمیت انداختن قرآن کریم – تنها کتاب بزرگ آسمانی چند صد میلیون مسلمان جهان، افتاده‌اید و کهنه‌پرستی را می‌خواهید تجدید کنید، بسیار در اشتباه هستید.» و در یکی از سخنرانیهای خود در تاریخ ۱۳۴۱/۶/۱۱ در ضدت با قوانین بین‌المللی منجمله قوانین مربوط به حقوق بشر و همچنین بر علیه آزادی زنان، مطبوعات و دیگر قوانین عرفی صراحتا گفت: «ما بین و قانون اسلام، علمای اسلامند و قرآن کریم، علمای اسلامند و احادیث نبوی، علمای اسلامند و قرآن کریم را در عرض ائمه اسلام، هر چند موافق دین اسلام باشد ما یک‌کامل تواضع گردن می‌نهمیم و هر چه مخالف دین و قرآن باشد، ولو قانون اساسی باشد، ولو الزامات بین‌المللی باشد، ما با آن مخالفیم» و سپس به هیئت حاکمه اعتراض کرد که «... چرا خود را مستند نمی‌کنند به این روحانیت؟... چرا مطبوعات را آزاد می‌گذارند؟ زن‌ها را وارد کرده‌اید در ادارات، ببینید در هر اداره‌ای که وارد شده‌اند آن اداره فلج شد، فعلا محدود است، علما می‌گویند توسعه ندهید به استان‌ها نفرستید، زن اگر وارد دستگاهی شد، اوضاع را به هم می‌زند.» و در ادامه و با تمسخر می‌فرمایند «... می‌خواهید استدلالتان را زن‌ها تأمین کنند؟».

همین اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خمینی پس از انقلاب در قانون اساسی و دیگر قوانین کشور البته با مصلحت‌اندیشی و پاسخ‌دادن به

حشمت رئیسی، مبارز با سابقه جنبش کارگری ایران:

در هیچ دوره‌ای، قانون کار

این گونه خشن، بی‌پروا و غیرمسئولانه، زیر پا گذاشته نشده است

فعلی را به نفع سرمایه‌داران تغییر دهد، چیست؟

این سؤال ممکن است این تصور را بوجود آورد که در حاکمیت، یک جناح راست وجود دارد که مخالف مفاد مثبت مندرج در قانون کار است و یک جناح چپ که مخالف آن است. باید گفت که اگر چنین بررسی صورت گیرد چندان واقع‌بینانه نیست. واقعیت می‌تواند چنین باشد که جناح راست سنت‌گرا و به شدت محافظه‌کار که نیروی غالب حاکمیت را تشکیل می‌دهد و پاسدار منافع انگلی‌ترین قشر سرمایه‌داری در تجارتی و مالی است، نه تنها با قانون کار و دیگر قوانین عرفی که اساسا با جمهوریت و رای و اراده مردم مخالف است. آنان تلاش می‌کنند که در حکومت والایی مورد نظر خود تناقض موجود قوانین عرفی و الزامات بین‌المللی با قوانین شرعی که سرتپای قوانین جمهوری اسلامی را در بر گرفته به سود اصول شریعت حل و فصل کنند. با تسلطی که بر قوه قانونگذار دارند هر روز گامی به پیش برداشته و به شکل خزنده اهداف خود را پیش می‌برند. انتظار می‌رود که پس از انتخابات اخیر خبرگان این حرکت خود را شتاب بیشتری بخشد. طالبان‌های ایران بخوبی می‌دانند که به دلیل مخالفت و مقاومت گسترده نمی‌توانند آنی و ضربتی همچون همتایان افغانی خود شریعت را در جامعه پیاده کرده و به مدینه‌النبی خود برسند. لذا سیاست تدریجی و درازمدت را برای پیشبرد اهداف خود به‌کار گرفته‌اند. این جناح نه تنها با موارد مثبت قانون کار که در صورت اجرا می‌تواند منافع کارگران را تا حد معین تأمین کند، مخالفت می‌ورزند، بلکه با هر نوع قانون عرفی منجمله با کلیت قانون کار موجود مخالف هستند. این نیرو خواهان قانون شرعی اجازه نیروی کار بر اساس احکام شرعی است. ایشان اندیشه ضدانسانی خود را در ماده ۴۶۷ قانون مدنی که می‌گوید «مورد اجاره ممکن اشیاء، حیوان و یا انسان باشد» را مادیت بخشیده‌اند و در مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ قانون مدنی که کارگران را در ردیف غلام و کنیز و برده بی‌اختیار قرار داده‌اند تا سطح حیوان بارکش و اشیاء تنزل داده‌اند. اس و اساس قانون کار مورد نظر این جماعت قوانین شرعی اجازه نیروی کار است. از دیدگاه این جناح، قوانین دست و پاگیر مربوط به بیمه‌های درمانی و بازنشستگی باید حذف و از طریق صدمات و خسرات آنگونه که عسگروالادی بیان داشته، می‌بایست تأمین شود. پیش‌نویس قانون کار توکلی که در بین کارگران به سندی سیاه شهرت یافت، مطلوب

یک امر عادی تبدیل شده است. قوانین پایه در مورد تحصیل اجباری و ممنوعیت‌های قانونی در مورد کار کودکان مانع از آن نشده است کسه ارتش عظیمی از کودکان را در رشته‌های مختلف به بردگی نکشند. این کودکان فقیر و سیه‌روز که جایی در دنیای اسلام ندارند و دولت قانونمدار از وجود آنان بی‌اطلاع است هر روز ۴ الی ۵ صبح با قامتی خمیده، اعضا پژمرده و چهره‌های زرد و بهشت‌زده از خواب برمی‌خیزند و اغلب با شکم‌های گرسنه و نیم‌گرسنه سرکار می‌روند تا وجود انسانی و رویاهای کودکانه خود را در تاریکی تارهای قالی، گرد و غبار کوره‌پزخانه‌ها، خشونت چرخ‌دنده‌ها و فضای ناسالم اخلاقی مکانی که محیط کار نامیده می‌شود، فرو ببرند. تنها تاریکی شب این بردگان ننگون‌بخت را از مکانی که واحد تولیدی نام دارد و از دست برده‌داری که کارفرما نام دارد نجات می‌دهد. این فراموش‌شدگان که از لحاظ جسمانی و معنوی به چاه سیاه انحطاط پرتاب شده‌اند، معمولا کسوت‌افامت، بداندام، پژمرده و رنگ‌پریده‌اند و اکثرا دارای سینه‌های معیوب هستند. این به دوزخ فرستاده‌شدگان که از نظر جسمی زود پیر می‌شوند و در اثر بیماری‌های شغلی نسبتا جوان می‌میرند عموما بلغمی مزاج و کم‌خوند و این نقائص جسمانی آنها به وسیله جملات مداوم سوء هاضمه – اختلالات جگر، کلیه و روماتیسم نمایان می‌گردد، ولی قبل از هر چیز دیگر آنها مستعد گرفتن امراض ریوی از قبیل ذات‌الریه، سل، سینه‌پهلو و تنگی‌نفس هستند. آسیب‌پذیرترین بخش جامعه که حتی هواداران ستنی آنان یعنی نیروهای چپ آنان را به فراموشی سپرده‌اند، در پناه حکومت اسلامی نه تنها هیچ امتیازی به دست نیاورده‌اند. بلکه تمام مصیبت‌های جنگ (مستقیم و غیرمستقیم) فقر و فلاکت، سقوط تولید و تمام پریشانی‌های اقتصادی و اجتماعی، بر سر آنان آوار شد. وقتی که «دپو رفت و فرشته آمد»، بسیاری از بیماری‌های ریشه‌کن شده نیز وارد کشور شد. این بیماری‌ها مکانی مناسب‌تر از دخمه‌های تاریک و نموری که محیط کار نامیده می‌شوند، نیافتند و قربانیانی ناتوان‌تر از این بردگان خردسال و رنجور که فاقد هر نوع حمایت و پوشش درمانی هستند، پیدا نکردند.

به جرات می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از تاریخ معاصر ایران، قوانین مدنی بویژه قانون کار این گونه خشن بی‌پروا و غیرمسئولانه زیر پا گذاشته نشد. آشکارترین و در عین حال مصیبت‌بارترین نقض قانون توسط دولت را می‌توان در مورد تعیین حداقل دستمزد کارگران دانست. ماده ۴۱ تبصره‌های مربوط به این ماده از قانون با صراحت و روشنی اعلام می‌دارد که حداقل دستمزد تعیین‌شده توسط شورای عالی کار و با توجه به درصد تورم سالیانه که از طرف بانک مرکزی اعلام می‌شود معین شده و ارزش آن باید نیازهای مادی و معنوی یک خانواده کارگری را در ازاء ۴۴ ساعت کار در هفته برطرف کند.

اما کیست که نداند که اغلب قریب به اتفاق کارگران و نه تنها کارگران بلکه حقوق‌بگیران به سختی می‌توانند در ازاء ۱۶ الی ۱۷ ساعت کار در روز زندگی خود را تا زیر خط فقر بالا بکشند. کیست که نداند، نمی‌توان به آمار جمهوری اسلامی بویژه در زمینه اقتصادی اعتماد کرد. در شرایطی که ۹۰ درصد دارایی‌های کشور در اختیار تنها ۵ در صد افراد جامعه قرار دارد. بیش از ۴۰ در صد دارایی‌های کشور در اختیار تنها ۵ در صد افراد جامعه قرار دارد. بیش از ۴۰ در صد مردم در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در سال ۱۳۷۵ خط فقر برای یک خانواده ۵ نفری ۱۳۵/۰۰۰ تومان معین شده بود. در حالی که شورای عالی کار حداقل مزد کارگران را برای ۱۳۷۷ را تنها ۳۱/۰۰۰ تومان اعلام کرد. به گفته معاون تنظیم روابط کار و وزارت کار و امور اجتماعی حداقل مزد روزانه کارگران در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۵۸ با تعدیل نرخ تورم ۵۸ درصد کاهش یافته است. می‌توان بر این کارنامه سیاه مطالب بسیاری افزود، اما محدودیت سبب می‌شود که به همین مختصر قناعت کرد.

نظر شما در باره این که جناح راست درون حاکمیت می‌خواهد به بهانه هموار کردن راه سرمایه‌گذاری، موارد مثبت و مندرج در قانون کار

این جناح نبوده و نیست چراکه تنظیم‌کنندگان این سند به دلیل مقاومت جنبش کارگری، تمام نیات باطنی خود را به قلم نیاورد.

اما جناح دیگر حاکمیت که می‌توان آن را جناح راست واقع‌بین و یا نسبتا واقع‌بین معرفی کرد و در تشکلهایی نظیر کارگزاران سازندگی و امثالهم حضور خود را اعلام کرده‌اند. با بخش‌ها و مفاد مندرج در قانون کار مصوبه سال ۱۳۶۹ چندان سر موافقت ندارند. و تاکنون با اجرای همین قانون به اشکال مختلف مخالفت کرده‌اند. اگر جناح راست سنتی خواهان تصویب قوانین شرعی اجاره نیروی کار بدون هیچ گونه تسعهد کارفرمایان هستند و برای کارگران شخصیت حقیقی و حقوقی قایل نیستند. جناح راست مدرن خواهان قانون اشتغال و استخدام نیروی کار بر پایه قوانین اقتصادی هستند و قانون کار موجود را قانون کاری اخلاقی – انسانی و سیاسی ارزیابی می‌کنند که مانع سرمایه‌گذاری است. این نیرو مفاد مندرجی در قانون کار موجود را که به طور نسبی امنیت شغلی برای کارگران تأمین، حق تشکیل صنفی برای آنان قایل و تضمینی محدود برای سلامت و دوران کهولت کارگران پیش‌بینی می‌کند، اخلاقی – سیاسی ارزیابی می‌کنند. آنان معتقدند که وجود این دسته از قوانین «ضد اقتصادی» امنیت سرمایه را به خطر انداخته، سودآوری را کاهش و در نتیجه میل به سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران خارجی و داخلی به حداقل ممکن می‌رساند.

در حال حاضر که فروش کارخانجات دولتی به دلیل ورشکستگی دولت تسریع شده و دعوت از سرمایه‌دارای خارجی برای سرمایه‌گذاری با جدیت دنبال می‌شود، سلب امنیت شغلی از کارگر تا حد اخراج‌های دسته‌جمعی آنان و قانونی‌کردن این اخراج‌ها به یک نیاز مبرم برای سرمایه‌داران تبدیل می‌شود.

تردید نمی‌توان کرد که جناح‌های مختلف حاکمیت با سیاست‌های اقتصادی، ماجراجوئی‌های سیاسی، میلیتاریسم بی‌بند و بار، فساد گسترده مالی، بوروکراسی غیرقابل فهم و مدیریت قرون وسطایی خود، مسئولیت مشترک داشته و اقتصاد کشور را به فلج کامل نزدیک کرده‌اند. اینان برای کنترل بحران همواره ساده‌ترین راه را انتخاب و کساکان ادامه می‌دهند. در حقیقت حقوق‌بگیران و بویژه کارگران باید تاوان تمام تئوری‌های نادرست، افکار پریشان، خطاها، دزدی‌ها و حماقت‌های جناح‌های مختلف حاکمیت را بپردازند. روش مرضیه حکومتگران تاکنون چنین بوده است. بهای انسدیشه‌ها و اعمال نادرست خود را از طریق افزایش مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، بلوکه کردن دستمزدها، مطول کردن ساعت کار، حذف هزینه‌های تولیدی، چیران مسافات کنند. بسازی‌های دانسی آنان با قوانین کشور منجمله با قانون کسار در خدمت تداوم غارتگری و حفظ انگلی‌ترین نیروهای اجتماعی بر جامعه است.

مصاحبه «فرانکفورتر روندشاو» با فرج سرکوهی

ادامه از صفحه ۶

حاضر مشغول نوشتن‌شان می‌باشید، کارهایی هستند که با خود آورده‌اید یا کارهای جدیدی هستند؟

■ بعضی از کارهایم که در ایران منتشر شده‌اند در حال ترجمه می‌باشند. راجع به رمان در اثنای روزها و هفته‌هایی که در تنهایی در سلولم به سر می‌بردم فکر کرده‌ام. لحظاتی از بیوگرافی من در آن به کار می‌رود. گذشته از آن چیزهای جدیدی هم می‌نویسم. چیزهای زیادی در من تغییر پیدا کرده‌اند و بدین ترتیب شیوه نگارش‌ام هم تغییر یافته است. □

برگردان: ع. بهار

کنفرانس «جامعه زنان ایرانی برای دموکراسی»

جداسازی زن و مرد، تبعیض جنسی

در رژیم‌های اسلامی

در این کنفرانس خانم مهرانگیز کار، آقای عبدالکریم لاهیجی، خانم شکریه حیدر رییس انجمن پشتیبانی از زنان در افغانستان وگروهی دیگر سخنرانی می‌کنند

پاریس – پنجشنبه ۱۲ نوامبر ۱۹۹۸

قانون اساسی، دولت خاتمی، قانونیت

آزادی و حکومت قانون در گرو

بازنگری در قانون اساسی است

هر کس اندک آشنایی با اندیشه سیاسی معاصر داشته باشد، می‌داند که قانون اساسی و حکومت جمهوری اسلامی، نه بر پایه تحلیل از مناسبات تولیدی و توزیع قدرت، که بر پایه یک سلسله عقاید تبعیدی، غیرعقلانی و غیردموکراتیک بنیان گذاشته شده‌اند. ۱۸ سال قبل در قانون اساسی جمهوری اسلامی نوشته شد: «این قانون باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و اراده‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد». در بالا به موضوع اشاره شد که، همه قوانین کشور از هر نوعش، باید با موازین تبعیدی و غیرعقلانی اسلامی منطبق باشد. در چارچوب منطق قانون اساسی و از منظر نگاه آن به نقش موازین دین اسلام در پایه‌های نظام و قدرت سیاسی، سخنی از جدایی دین اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری و فقهات و ولایت‌فقیه و ولی‌فقیه از دولت، و جایگزینی ارزش‌های بشری نظیر عقلانیت و آزادی و دموکراسی و جامعه مدنی بجای آن‌ها در میان باشد. جدایی دین و مذهب از قانون اساسی و جمهوری اسلامی چه تدریجی باشد و چه جهشی، چه مسالمت‌آمیز باشد چه قهرآمیز، به تغییر و زوال تدریجی یا شکست ناگهانی قدرت سیاسی مبنی بر دین و مذهب منجر می‌شود. پس، گفتار و رفتار در جهت تغییر و زوال و محو قدرت سیاسی مبتنی بر موازین اسلامی، به هر شکل و شیوه‌ای باشد، ناقض قانون اساسی و اساس جمهوری اسلامی و در نتیجه غیرقانونی هستند.

از دیدگاه قانون اساسی واقعا موجود و از دیدگاه مدافعان اصیل این قانون، مسایل و مشکلات انسان و اجتماع انسانی، جز در انطباق با دین و مذهب درست، درست شدنی نیستند. تصادفی نیست که بعد از ۱۹ سال تدوین قانون اساسی و تأسیس جمهوری اسلامی، هنوز هم دعوا بر سر اسلامی بودن و نبودن این یا آن سیاست، این یا آن روش است.

آقای خاتمی که جامعه مدنی و آزادی و دموکراسی را بشارت می‌دهد، هنوز، متوجه این نیست که، از طریق انطباق موازین بشری نظیر عقلانیت و آزادی و دموکراسی و جامعه مدنی با موازین تبعیدی و غیرعقلایی دین و مذهب نمی‌توان از بحران‌های واقعا موجود ناشی از وجود تضاد منافع و پیکار اقشار و طبقات گوناگون جامعه، فرارفت و جامعه را در مسیر آزادی و دموکراسی و پیشرفت هدایت کرد. انطباق موازین عقلایی، آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی با موازین تبعیدی، بویژه در جامعه کنونی ایران و در آستانه قرن ۲۱، نه تنها راه برون‌رفت از توسعه ناپاستگی نیست و نخواهد بود، بلکه از عوامل توسعه‌ناپاستگی و از موانع توسعه سیاسی است.

البته اینک، اصلاح‌طلبان غیرلایحک و آقای خاتمی، دچار تناقض فکری - سیاسی هستند، نشاندهنده فاصله‌گیری آن‌ها از اندیشه سیاسی دینی - سنتی است. احزاب و سازمان‌ها و روشنفکران لایحک نباید بر این تغییرات و واقعیات چشم پرنده‌اند و یا بی‌تفاوت باشند. وجود این تناقضات در میان این نیروها، خود نشانگر عمق و عظمت تحولات و دگرگونی‌های فکری و فرهنگی و سیاسی جامعه در سمت عقلایی شدن و دموکراتیزه شدن است. ولی مساله این است که تداوم این تناقضات در سمت انطباق موازین عقلایی - دموکراتیک با موازین تبعیدی - غیردموکراتیک و تعیین تکلیف نکردن با اندیشه سیاسی دینی - سنتی، به ویژه در شرایطی که این جناح و آقای خاتمی در قدرت سیاسی ایفاگر نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای هستند، موجب سردرگمی و بلاتکلیفی در عرصه عمل سیاسی و در نتیجه موجب شکست دوم خرداد خواهد شد. نمی‌شود هم مدافع نظام و قدرت سیاسی دینی - مذهبی شد و هم مدافع حقوق شهروندی و توزیع دموکراتیک قدرت برای پیشرفت در جهت

خواب

ادامه از صفحه ۶

شده است همه موجودات از آب خلق شده‌اند و عده‌ای در آب شنا می‌کنند و عده‌ای به خشکی می‌آیند و در خشکی عده‌ای می‌خزند و عده‌ای می‌پرند و عده‌ای... تا می‌رسد به انسان که خداوند می‌فرماید، و تبارک الله و احسن الخالقین.

سعید، پررو شدن مذهبی‌ها را تقصیر فرهاد می‌دانست. اگر فرهاد از نمی‌شناخت، برخورد با او به گونه دیگری بود، اما فرهاد را می‌شناخت. فرهاد یک مارکسیست بود و در تئوری و در عمل، چه در داخل و چه در خارج از زندان، امتحان خودش را داده بود. برای همان هم تا به آن روز لب به دندان گزیده بود و در مخالفت با او چیزی نگفته بود. روزهای اول فکر کرده بود که پیش کشیدن خواب و تعبیر خواب از طرف

توسعه سیاسی. باید به این تناقضات پایان داد. قانون اساسی خود مانع تأمین حقوق شهروند است. اگر شهروند ایرانی، در جهت تغییر و حذف اصل‌های غیرعقلایی و غیردموکراتیک نظیر ولایت‌فقیه و ولی‌فقیه... از قانون اساسی و جمهوری اسلامی فعالیت کند، فعالیتش ناقض قانون اساسی است. خط قرمز در برابر اقشار و طبقات گوناگون و افکار و جریانات و احزاب و سازمان‌های لایحک کاملاً شفاف و روشن است. آقای خاتمی که از آزادی و جامعه مدنی سخن گفته و تأکید می‌کند که «اظهارنظرها و مخالفت‌ها لازمه دموکراسی است»، اعتقاد دارد که «هیچ اظهارنظری جز آن‌که قانون منع کرده باشد، یعنی (مخل میانی اسلام) باشد». از منظر چنین نگاه، تأکید و فعالیت هر شهروند ایرانی در جهت جدایی و حذف موازین تبعیدی و غیرعقلایی و غیردموکراتیک، از قانون اساسی و دولت، و تلاش در جهت جایگزینی ارزش‌های عقلایی و دموکراتیک به جای آن‌ها به مراتب منحل و ناقض اساس جمهوری اسلامی و در نتیجه غیرقانونی است. وقتی که بنیاد قانون اساسی و حکومت، بر موازین تبعیدی و غیرعقلایی دین اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری استوار است، وقتی که طبق قانون اساسی، همه قوانین کشوری و لشکری و مدنی و قضایی و غیره باید طبق تشخیص شورای نگهبان منطبق با موازین دین و مذهب اسلام باشند و در شرایطی که شورای نگهبان دست جناح حاکم است، دیگر، سخن گفتن از اصلاح ساختار جمهوری اسلامی در سمت ارزش‌های عقلایی و دموکراتیک و توسعه سیاسی در چارچوب قانون اساسی و از طریق صرفاً قانونی، اگر خودغرضانه نباشد، حرف بی‌ربط و بی‌اساس است.

قوانینی که اصلاح‌طلبان غیرلایحک و لایحک می‌خواهند از طریق آن، ساختار جمهوری اسلامی را در سمت ارزش‌هایی نظیر آزادی و دموکراسی اصلاح کنند و توسعه سیاسی را تعیین و تحقق بخشند، خود باید منطق بر موازین اسلامی باشند. قانونی بودن انطباق همه قوانین با موازین اسلامی، راه را به عقلایی کردن قانون اساسی و جمهوری اسلامی صرفاً از طریق قانونی بسته است. این دور تسلسل باطل، به خوبی نشان دهنده سترون بودن پیشبرد توسعه سیاسی از طریق قانونی در چارچوب جمهوری اسلامی است. اصلاح‌طلبانی که کوشش می‌کنند با حفظ قانون اساسی واقعا موجود و از طریق صرفاً قانونی و بدون تکیه بر مبارزات مردم و آزادیخواهان کشور، توسعه سیاسی را در چارچوب جمهوری اسلامی پیش ببرند، علیرغم نیت خیرخواهانه‌شان، در دایره بسته‌ای، به دور تسلسل باطل گرفتار شده و سرگردان مانده و خواهند ماند.

باید توجه داشته باشیم که طبق اصل چهارم قانون اساسی نه تنها کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و... بلکه قوانین «و غیر این‌ها» نیز باید بر اساس موازین اسلامی باشد. طراحان قانون اساسی، حتی فکر «و غیر این‌ها» را نیز که می‌تواند یک زمانی مورد تصویب قرار گیرد، کرده‌اند. هیچ چیز از کند موازین اسلامی نباید در امان باشد. تازه هر موازین اسلامی، موازین اسلامی درست و حسابی و قابل و قبول نیستند، بلکه آن موازین اسلامی، اسلامی و قابل قبول هستند که فقهای شورای نگهبان به آن‌ها اعتقاد دارند. البته موازین اسلامی بر فقهی نیز چندان اعتبار اسلامی ندارد، بلکه موازین فقهایی معتبر است که توسط رهبر تعیین شده باشند. طبق اصل یکصد و دهم قانون اساسی، فقهای شورای نگهبان را رهبر تعیین می‌کند.

نمی‌شود از یک سو پاسدار قانونی شد که می‌گوید جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به الله

و معاد و وحی و عدالت خدا و امامت امت و... است و «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری است و این اصل الهی الابد غیر قابل تغییر است...» و از سوی دیگر بر بستر همین قانون و از طریق قسانونی، حقوق شهروندی و دموکراتیک شهروندان را تأمین کرد. وقتی که رئیس جمهور مملکت طبق قانون اساسی در پیشگاه قرآن کریم به خداوند سوگند می‌خورد که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشد، چگونه می‌تواند و می‌خواهد حقوق شهروندی میلیون‌ها نفر از شهروندان سنی و کلیمی و مسیحی و زردشتی و لایحک مملکت را تأمین کند. از دیدگاه قانون اساسی، یک شیعه‌ای که به جدایی دین از دولت اعتقاد دارد و ولایت‌فقیه را قبول ندارد و یا یک کلیمی و زردشتی و مسیحی و... نباید رئیس‌جمهور، عضو خبرگان، عضو شورای نگهبان و... بشوند. تلاش برای حذف دین الهی الابد رسمی ایران، ناقض قانون اساسی است.

تصادفی نیست که آقای خاتمی و کابینه وی، علیرغم پشتیبانی وسیع مردم از آن‌ها، در مدت بیش از یک سال حتی نتوانسته‌اند یک لایحه جدی در جهت اجرای مفاد مترقی و دموکراتیک موجود در قانون اساسی به مجلس ببرند. ما قبالا گفتیم که، طبق اصل سوم همین قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف است همه امکانات خود را برای «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»، «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون...» و به کار گیرد.

در شرایطی که قوه قضاییه بیداد می‌کند و حتی طرفداران خاتمی نیز گرفتار ستم این دستگاه هستند، دولت آقای خاتمی حتی لایحه‌ای در جهت تضعیف استبداد و خودکامگی این دستگاه و تأمین امنیت قضایی عادلانه، به مجلس ارائه نکرده است.

مگر محو استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی جزء وظایف قانونی آقای خاتمی و از الزامات حرکت به سوی آزادی و جامعه مدنی و توسعه سیاسی نیستند. آقای خاتمی چرا حتی یک لایحه در جهت تضعیف استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی شورای نگهبان، به مجلس نبرده است؟ آرایه لایحه‌های مبنی بر حذف قوه نظارت استصوابی شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی - حتی که آشکارا ضددموکراتیک و ارتجاعی است - قدم کوچکی در جهت تضعیف استبداد و انحصارطلبی بود. چرا آقای خاتمی چنین لایحه‌ای را به مجلس نبرد؟! آیا بردن چنین لایحه‌ای غیرقانونی بود؟!

آقای خاتمی به چه دلایلی به وظایف

قانونی خود عمل نکرده و نمی‌کند؟

شاید پاسخ این باشد که جناح حاکم به رهبری خامنه‌ای مانع حرکت دولت در سمت اجرای این وظایف است، ولی این پاسخ قانع‌کننده نیست. واقعیت این است که علاوه بر جناح حاکم به رهبری خامنه‌ای به عنوان عمدترین مانع در برابر توسعه سیاسی، موانع دیگری در درون جناح خاتمی و نیز در افکار و روش‌های خود آقای خاتمی وجود دارند.

تناقضات فکری، سیاسی آقای خاتمی و یارانش، خود از موانع مهم تأمین حقوق شهروندی و توسعه سیاسی است. تا زمانی که آقای خاتمی و یارانش تناقضات خود را در سمت تغییر و حذف مفاد غیرعقلایی و غیردموکراتیک قانون اساسی و جایگزین کردن موازین عقلایی - دموکراتیک به جای آن‌ها حل نکنند؛ نخواهند توانست گام‌های عملی جدی در سمت تضعیف و محو استبداد و

بخش پایانی

خودکامگی و انحصارطلبی جناح حاکم و تأمین آزادی و توسعه سیاسی بردارند. تضعیف و محو استبداد و خودکامگی حاکم بر کشور، بدون تغییر و حذف مفاد غیرعقلایی و ضددموکراتیک قانون اساسی و بدون تکیه بر مبارزات آزادیخواهان و ترقیخواهان اقشار و طبقات مختلف جامعه، میسر نیست. کسانی که محو استبداد و تأمین آزادی را در انحصار خود دارند و بدون شرکت مردم و آزادیخواهان کشور، کوشش می‌کنند استبداد را از طریق قانونی محو کنند، اگر نگوئیم خود انحصارطلب هستند، در بهترین حالت آزادی را، دموکراسی را، جامعه مدنی را و توسعه سیاسی را نه اندیشیده‌اند.

قانون اساسی و قدرت سیاسی مبتنی بر دین با توسعه سیاسی مبتنی بر عقلانیت و آزادی و دموکراسی، مانع‌الجمع و نافی یکدیگر هستند. تصادفی نیست که آقای خاتمی در حمله به نشریاتی که مدافع جامعه مدنی و ناشر اندیشه‌های آزادیخواهان و دموکراتیک هستند را به باد حمله گرفته و می‌گوید: آن‌ها باورهای دینی مردم را هدف گرفته‌اند. او به خوبی می‌داند که هرگاه ذهن و زبان مردم جامعه ما، بیشتر به سمت اندیشه سیاسی معاصر سیر کند، پایه‌های قانون اساسی و قدرت واقعا موجود بیشتر سست و تضعیف خواهد شد. ذهن و زبان آقای خاتمی، علیرغم تأثیراتی که از تحولات جهان معاصر پذیرفته و از ذهن و زبان اندیشه دینی - سنتی فاصله گرفته و با مفاهیمی نظیر آزادی و دموکراسی و جامعه مدنی و توسعه سیاسی درآمیخته، ولی متأسفانه هنوز هم ریشه در ذهن و زبان و اندیشه سیاسی دینی - سنتی تاریخا شکل گرفته در جامعه ما دارد.

مشکل و مانع دیگری که در درون جناح و دولت خاتمی در برابر توسعه سیاسی قرار دارد، وجود بخشی از کارگزاران طرفدار رفسنجانی هستند که ضمن وفاداری به قانون اساسی، توسعه اقتصادی را در مرکز برنامه خود دارند و طرفدار استبداد مثبت هستند. من طی دو مقاله، این موضوع را گوشزد کرده‌ام که کارگزاران نیروی قابل تکیه و قابل متأسفانه هنوز هم ریشه سیاسی و برای آقای خاتمی نیستند.

جناح حاکم به رهبری خامنه‌ای، با توجه به تناقضات و شکنندگی جبهه مقابل، شکستن این جبهه را در مرکز سیاست خود قرار داده و برخی موفقیت‌هایی نیز به دست آورده است. آن‌ها این پار با هوشیاری تمام، با همان شعارهای میدان آمده‌اند که خود آقای خاتمی برافراشته است:

برخورد قانونی.

این جناح چندین ماه است که با آکا به قانون، جلو حرکت نیروهای مدافع جامعه مدنی را می‌گیرد، با تکیه بر قانون، وزیر کشور را اخراج کردند، طوس و راه نو و چند نشریه دیگر را بستند. با تکیه بر قانون، نویسندگان کشور را دستگیر و روانه بازداشت‌گاه‌ها کردند. برخلاف عده‌ای که جناح حاکم و خامنه‌ای را به قانون‌شکنی متهم می‌کنند، من بر این نظر هستم که کارهای آن‌ها طبق قانون اساسی و قانونی است. نهادهایی نظیر مجلس خبرگان و شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و ولایت‌فقیه و ولی‌فقیه و قوه قضاییه، همه نهادهای نمادین قانونی هستند. این طور نیست که گویا قانون اساسی ما قانونی عقلایی و دموکراتیک است اما ولی‌فقیه و شورای نگهبان این قانون دموکراتیک را نقض می‌کنند. آقای خاتمی اگر خواهد صرفاً از طریق تکیه بر قانون در چارچوب قانون اساسی، این نهادهای و نمادهای قانونا موجود را اصلاح کند و توسعه سیاسی را پیش ببرد، موفق نمی‌شود. البته آقای خاتمی اگر بخواند، می‌تواند در برابر جناح حاکم و خامنه‌ای، به مردم و توازن قوای موجود میان مردم و حکومت تکیه کند، ابتکار عمل را به دست بگیرد، میدان مبارزه را تعیین کند و آن‌ها

را به عقب‌نشینی وادار کند. ولی وی تاکنون چنین نکرده است و گویا چنین قصدی ندارد. او هنوز در درون تناقضات فکری - سیاسی خود سرگردان است. این که آیا او خواهد توانست این تناقضات را در سمت تغییر و حذف مفاد غیرعقلایی و ضددموکراتیک قانون اساسی و تأمین آزادی و جامعه مدنی حل کند یا نه، برای نگارنده روشن نیست. اما این روشن است که تناقضات فکری - سیاسی آقای خاتمی از موانع فراوانی دوم خرداد به مدارج بالاتر و تضعیف استبداد حاکم است.

استبداد قانونی را از طریق قانون استبدادی نمی‌توان محو کرد

من یک ماه بعد از انتخاب شدن آقای خاتمی توسط مردم، طی یک مقاله‌ای در نشریه «کار» نوشتم که آقای خاتمی نه مصدق است، نه خمینی. نشانه‌هایی از آن دارد و هم از این. اما بیشتر به خمینی شباهت دارد. آرزو می‌کنم این ارزیابی من اشتباه باشد و آقای خاتمی بیشتر آزاداندیش و آزادیخواه باشد. آرزو می‌کنم آقای خاتمی بعد از یک سال ریاست کردن و مواجه شدن با مشکلات و موانع و آشکارتر شدن تضاد حکومت واقعا موجود با ارزش‌ها و خواست‌های آزادی و دموکراسی و آشکارتر شدن تناقضات و ناتوانی اندیشه و روش سیاسی خود در پیشبرد توسعه سیاسی، آن قدر تجربه کسب کرده باشد و اقتدر اندیشیده باشد که بتواند حین حفظ ایمان خود به دین اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری، تناقضات واقعا موجود در اندیشه سیاسی خود را به سود تغییر و حذف مفاد غیرعقلایی و غیردموکراتیک قانون اساسی و جایگزین کردن ارزش‌های عقلایی - دموکراتیک به جای آن‌ها تغییر دهد. با توجه به موقعیتی که آقای خاتمی بعد از انتخابات پیدا کرده است، این تغییر، صرفا اهمیت و ارزش تاکتیکی ندارد، بلکه اهمیت و ارزش استراتژیک و راهبردی در تغییر و تحولات جامعه و در تغییر آرایش نیروی سیاسی کشور دارد. نظر به زیر سوال رفتن ولایت‌فقیه و ولی‌فقیه در جامعه، ازوله شدن جناح حاکم در میان مردم ایران، پشتیبانی میلیونی مردم ایران از آقای خاتمی و حمایت افکار عمومی جهانیان از وی، آقای خاتمی با چنین تغییری می‌توانست و هنوز هم می‌تواند از جایگاه استراتژیک توزیع دموکراتیک قدرت سیاسی، آرایش قوای موجود در درون حکومت را به ضرر جناح حاکم و به سود مدافعان جامعه مدنی و توسعه سیاسی به‌هم بزند. تصمیم به غایت ارتجاعی جناح حاکم، برای چندین سال دیگر سرنوشت کشور را در سمت همان سیاست‌ها و روش‌های به‌غایت ارتجاعی و ضددموکراتیک رقم خواهد زد. اگر آقای خاتمی بخواند به شیوه تاکسونی‌اش، تحت عنوان قانونیت، به تصمیم قانونی شورای نگهبان تمکین کند و با اگر پشت درهای بسته، از رهبر جمهوری اسلامی سهمی برای جناح خود بگیرد، آرایش قوا در درون حکومت بازم به سود جناح حاکم خواهد شد.

اگر آقای خاتمی و یارانش مصمم به پیشبرد توسعه سیاسی هستند و اگر می‌خواهند بطور جدی و عینی در جهت وعده‌هایی که به مردم داده‌اند قدم بردارند، و اگر سرنوشت کشور را در مسیر آزادی و جامعه مدنی می‌خواهند، باید بتوانند، این لحظات تعیین‌کننده را دریابند، مسایل و مشکلات را با مردم ایران در میان بگذارند و با تکیه به مردم و آزادیخواهان کشور، دوم خرداد دیگری را سازمان دهد، آرایش نیروی موجود را به‌هم بزند و جناح حاکم را به عقب‌نشینی وادار کند.

برای تضعیف و شکست استبداد حاکم و حرکت در جهت تأمین آزادی و جامعه مدنی، باید اصول و مفاد غیرعقلایی و غیردموکراتیک قانون اساسی را با تکیه بر پیکار آفرینندگان دوم خرداد حذف کرده و اصول و مفاد دموکراتیک را جایگزین آن‌ها کرد. استبداد قانونی را از طریق قانون استبدادی نمی‌توان محو کرد. @ ۹۸/۱۰/۱۷

کرده بود و گفته بود که فوراً باید آن خانه را تخلیه کنند چون دارند کولی‌ها را جمع می‌کنند که ببرند و تحویل آشپزیت بدهند. سعید رو به مارکس می‌کند و می‌گوید: آخه این چه ربطی به ما دارد؟! و مارکس با تبریزش به او حمله می‌کند و در آن لحظه سعید از خواب می‌پرد. خوابش را برای فرهاد که نقل کرد، خودش خنده‌اش گرفت و گفت:

- توی خواب مونده بودم که باید بترسم یا بخندم!

اما فرهاد نه تنها خنده‌اش نگرفت، بلکه اول سرش را پایین انداخت و لحظه‌ای به همان حالت ماند و بعد سرش را بالا گرفت و اطرافش را با احتیاط از نظر گذراند و تا آن‌جا که سوءظنی را برنیاگزید، خودش را به سعید نزدیک کرد و گفت: - هر جور هست باید فوراً به جمشید خبر بدهی که خانه زیر ضربه است.

ادامه دارد

هم فرهاد کف دستش گذاشته بود و گفته بود که

مارکس، یک کولی بود رفیق!

مارکس کولی؟! سعید تا نزدیکی‌های صبح هی غلت می‌زد و خوابش نمی‌برد و تصویر مارکس کولی در نظرش ظاهر می‌شد و هی ملق می‌زد تا سرانجام نفقه‌اش که در حین کدامین ملق مارکس، به خواب درغلتید. صبح که چشم باز کرد، چشمش که به فرهاد افتاد، گفت:

- آن قدر خواب و خواب کردی که ما را هم به

دیدن خواب دیدن انداختی!

- بطور؟!!

فرهاد سکوت کرد و بقیه حرفش را گذاشت برای وقت هواخوری. سعید خواب دیده بود در خانه تیمی با جمشید و چند نفر دیگر از رفقایاش نشسته بودند که ناگهان، مارکس با همان هیبت پیامبرانه‌اش با شکول و تبریزی در دست به همراه میرزا کوچک خان، سراسیمه وارد اتاق شدند و مارکس، یاهو و یاحق گویان رو به آن‌ها

سلول آمده بود، بارها از او در باره فرهاد سوال کرده بودند که چقدر او را می‌شناسد و سعید جواب داده بود، همان قدر که شما او را می‌شناسید! و آن چه رضا و یعقوب و دیگر هم‌سلولی‌ها، به‌غیر از سعید درباره فرهاد می‌دانستند، همان بود که از زبان فرهاد در باره خودش شنیده بودند که گفته بود، اهل سیاست نیست، دانشجوی سال سوم پزشکی بوده است که تصادفاً او را در تظاهرات دانشگاه دستگیر کرده‌اند. در چنان قضایی برای سعید امکان نزدیک شدن بیشتر به فرهاد وجود نداشت. در برخوردهای که گاهی هم که بین رضا و یعقوب با فرهاد پیش می‌آمد، سعید، میانه را می‌گرفت و به نعل و به میخ می‌زد که قضیه به جاهای باریک‌تر نکشد. و حالا خودش به همان نقطه‌ای رسیده بود که رضا و یعقوب قبال به آن رسیده بودند. یعنی برخورد مستقیم با فرهاد برخورد هم کرده بود و جواب برخورد کردنش را

دیالکتیک، کوانتوم و فازی‌لوژیک

اسفندیار طبری

آقای اسفندیار طبری، فیلسوف و متخصص فیزیک است و مقاله زیر را به خواهنش یکی از دوستان، برای «کار» نوشته است.

اکنون با پیشرفت‌های علمی در زمینه‌های مختلف، چنین به نظر می‌رسد که دیگر نمی‌توان «تمام دنیا» را با روش دیالکتیکی تبیین کرد، بلکه خود روش بررسی «بخشی از این دنیا»ست و این تصور که «تنها» روش درست برخورد با پدیده‌ها، درک دیالکتیکی آن‌هاست، به توجیه به این دستاوردها، به خصوص در دنیای بی‌نهایت کوچک ماده، تصویری اشکال‌آفرین و نارسا خواهد بود.

روش علوم تجربی مثل فیزیک و شیمی، قبل از هر چیز روش استقراء (inductive) (یعنی استنتاج کل از جزء) و قیاس (deductive) (یعنی استنتاج جزء از کل) است. روش علمی در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، روش منطق پس‌پدیداری (Phenomenology) و روش تبیینی (hermeneutics) و تاریخ‌گرایی (historism) و روش دیالکتیکی است. علاوه بر این علم فیزیک معاصر شیوه کوانتومی را در برخورد با دنیای بی‌نهایت کوچک ذرات، به

عنوان یک روش علمی پذیرفته است. منطق کوانتومی در واقع منطقی است که بیشتر از همه از روش قیاسی ریاضی بهره می‌گیرد. تاکنون تلاش‌هایی در جهت استفاده از داده‌های این منطق در شاخه‌های مختلف علمی، از جمله روانشناسی شده است. بررسی حدود و چگونگی احتمال راهیابی منطق کوانتومی به علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و فلسفه، مسأله حساسی است که بر عهده کارشناسان این علوم است.

در علم اطلاعات و کامپیوتر به تازگی شیوه جدیدی به نام فازی‌لوژیک (Fuzzylogic) در حال تکامل است که خود به پیشرفت‌های غول‌آسای صنعتی به ویژه در عرصه میکروالکترونیک، محتوای تازه‌ای بخشیده است. شیوه فازی‌لوژیک تأثیر غیرمستقیم روش کوانتومی در دنیای کامپیوتر (رایانه) است و به نظر نگارنده می‌تواند به تحولات نوینی همچنین در قلمرو علوم سیاسی، اجتماعی و فلسفی بیانجامد. هر چند که هنوز متأسفانه در بین این دسته از صاحب‌نظران ارج و قرب لازم را نیافته است.

توجه کنید به تأثیر منطق سیرنیتیک در علم جامعه‌شناسی، که در آغاز دوران معاصر توسط ماکس وبر (Max Weber) جامعه‌شناس آلمانی به تئوری ساخت - کارکردی منجر شد (Structural - Funnctional).

در این نوشته کوتاه، تلاش نگارنده بر این است که تصویری «فشرده» از دانش کوانتومی به عنوان شکلی از منطق ترسیم نمایم. O این که ماده در دنیای بی‌نهایت کوچک رفتار ذره‌ای یا موجی دارد، مرکز اختلاف‌نظر و بحث و جدل دانشمندان تا اوایل زمان معاصر بود. منطق علمی که دانشمندان به آن پایبند بودند به آن‌ها اجازه می‌داد به این پرسش یا «بلی» یا «خیر» پاسخ دهند. طرفداران هر دو گروه (رفتار ذره‌ای و یا موجی)، تلاش بر آن داشتند که بر اساس مشاهدات و تجربیات خود، رفتار واقعی دنیای بی‌نهایت کوچک ماده را با منطق و فکر انسانی که تمایل به ساده کردن قوانین طبیعت دارد، تجزیه و تحلیل کنند و به طور علمی قانونمندی آن را اثبات کنند.

تلاش تحمیل فهم و درک انسانی به دنیای بی‌نهایت کوچک ماده به شکست انجامید و دنیای بی‌نهایت کوچک ماده، رفتارهای مبهم خود را بر این درک انسانی تحمیل کرد! منطق کوانتومی تلاشی است شجاعانه در جهت فهم علمی این رفتارهای متناقض و غیرقابل درک. منطق کوانتومی، رفتار ذره‌ای و موجی در دنیای بی‌نهایت کوچک مادی را هم‌زمان می‌پذیرد و به دنبال پاسخ بلی - خیر نیست. تئوری کوانتوم در آغاز رشدش با مقاومت بسیاری از دانشمندان روبرو شد، زیرا پذیرش آن از نظر دانشمندان آن زمان، به مفهوم رد قوانین کلاسیک نیوتونی فیزیک می‌بود. بعد از این که از قوانین کوانتومی فیزیک، قوانین موجود فیزیک کلاسیک نیوتونی قابل استنتاج شدند، تئوری کوانتوم به عنوان مکانیک کوانتومی به رسمیت شناخته شد. حرکت اصلی در پیدایش تئوری کوانتومی ماده از ماکس پلانک نشأت می‌گیرد. او در سال ۱۹۰۰ میلادی مشاهدات خود را درباره دفع امواج الکترومغناطیس ارایه داد که پخش این امواج از طرف یک جسم کاملاً سیاه (که قابلیت دفع این امواج را دارد)، بطور پله‌ای و غیرپیوسته صورت می‌گیرد. بطوریکه این عدم پیوستگی در کمیت‌های مشخصی به نام کوانت جریان

می‌یابد. مشابه این مشاهدات از طرف انیشتین در جذب امواج الکترومغناطیس (photoeffect) ارایه شد. این مرحله تکامل تئوری کوانتوم را می‌توان به عنوان مرحله رشد استقرایی تئوری کوانتومی دانست. در این مرحله نیلز بور (N. Bohr) مدل اتمی خود را بر پایه مشاهدات پلانک و انیشتین ارایه داد. بر اساس این مدل انرژی، ذرات درون اتم (الکترون‌ها) به شکل بسته‌بندی شده کوانت قابل تصور است. در مرحله بعدی تکامل، تئوری کوانتوم با تلاش‌های علمی هایزنبرگ و شرودینگر با استفاده از استنتاج قیاسی و ریاضی، شکل قطعی و رسمی به خود گرفت.

O برخلاف فیزیک کلاسیک، فیزیک جدید کوانتومی، اندازه‌گیری و شناخت هم‌زمان همه خواص یک پدیده کوانتومی (مثل الکترون به عنوان یک ذره کوانتومی) را غیرممکن می‌داند. مثلاً اندازه‌گیری هم‌زمان مکان و سرعت یک الکترون ممکن نمی‌باشد. این اصل مهم کوانتومی توسط بور طرح شد و بعد به وسیله هایزنبرگ به عنوان «اصل عدم قطعیت» (uncertainty Prinzip) تکامل یافت. با ارایه این اصل توسط بور و هایزنبرگ، تئوری کوانتومی مورد حمله و هجوم دانشمندان و فیزیکدانان قرار گرفت. حتی فیزیکدان بزرگی مثل انیشتین درستی این تئوری را زیر سوال قرار داد و معتقد بود که منطق کوانتومی قوانین طبیعت را در پرده ابهام می‌برد و قوانین ساده طبیعی را پیچیده می‌کند.

فهم و درک منطق کوانتومی بسیار دشوار است. حتی تا به امروز در ارتباط با تبیین تئوری کوانتومی اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد که از طریق علمی هنوز به پاسخ قطعی و درستی نمی‌توان رسید و محور بسیاری از نظرات فلسفی است.

O «گرچه شرودینگر» مثالی است که از طرف شرودینگر به منظور تفهیم دشواری‌های این تئوری در ارتباط با درک آن توسط حواس انسانی ذکر شده است. در این آزمایش تخیلی، یک گربه به همراه یک کپسول سمی از مواد رادیواکتیو در درون یک جعبه دربسته در نظر گرفته می‌شود. این مواد سمی از طریق بمباران اتمی که خارج از جعبه صورت می‌گیرد، آزاد می‌شوند. بر اساس منطق رایج انسانی گربه درون جعبه یا مرده است یا زنده. بر اساس منطق کوانتومی یک حالت سومی هم وجود دارد: گربه هم مرده و هم زنده (به عبارت دیگر نه مرده و نه زنده!) است. درک این حالت در ارتباط با یک گربه که یک مثال ماکروسکوپی است دشوار (و البته احمقانه) به نظر می‌آید. در این مرحله دانشمندان کوانتوم فیزیک دو برداشت مختلف دارند: برداشت رئالیستی (واقع‌گرایانه) که بر این مبتنی است که حالت سوم برای این گربه (هم مرده و هم زنده، صرفاً مربوط به موقعیت ما و وضعیت احتمالی گربه است و در حقیقت منوط به عدم آگاهی ما از وضعیت واقعی گربه است و به محض این که در جعبه را باز کنیم و ببینیم که گربه مرده است، حالت سومی وجود نخواهد داشت. این برداشت در مسأله خودش کوششی در راستای «انسانی» جلوه دادن یک پارادوکس غیرقابل فهم است. در برداشت ایده‌آلیستی نظر بر این است که گربه «واقعاً» در یک وضعیت معلق و غیرقابل تصور بین مرگ و زندگی است! این درک شاید آسان‌تر بشود وقتی که مثال گربه را به کناری بگذاریم و به «اصل عدم قطعیت» هایزنبرگ بازگردیم. بر اساس عقیده این گروه

از دانشمندان، اندازه‌گیری هم‌زمان خواص مختلف یک پدیده کوانتومی «به طور واقعی» غیرممکن است و ناشی از ابزار اندازه‌گیری ما نیست، بلکه به زاویه، زمان و محل دید «ما» و سایر شرایط بستگی دارد! صرف‌نظر از این که چه برداشتی درست است، تئوری کوانتوم درستی علمی خود را در تجربه به اثبات رسانده و همه فیزیکدانان به آن باور دارند. با همه این، تلاش در جهت تکامل این تئوری به خاطر بعضی ناهمگونی‌ها و عدم هماهنگی با قوانین دنیای بی‌نهایت بزرگ فیزیک، جریان دارد.

در زمان کنونی، تئوری‌های جدیدی در جهت وحدت تئوری نسبیت با تئوری کوانتومی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند که هنوز موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند. تئوری نسبیت انیشتین، قوانین دنیای بی‌نهایت بزرگ را به طور ساده ولی با ریاضیات فوق‌العاده دشوار توضیح می‌دهد در حالی که تئوری کوانتومی، قوانین دنیای بی‌نهایت کوچک را به‌طور فوق‌العاده دشوار ولی با ریاضیات ساده بازتاب می‌دهد.

همانطور که می‌بینیم، تئوری کوانتوم که نتیجه پژوهش‌های استقرایی و قیاسی دانش‌پژوهان است، خود می‌تواند به عنوان یک شیوه برخورد و بالاخره یک نوع منطق جدید در رابطه با پدیده‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

از دید دیالکتیکی، منطق کوانتومی به خاطر غیرقابل درک بودن نمی‌بایستی پذیرفته شود. مثلاً در منطق کوانتومی، دو پدیده که هیچگونه رابطه متقابل با یک‌دیگر ندارند، می‌توانند با وجود این بر یکدیگر تأثیر بگذارند و این کاملاً مسخالف اندیشه دیالکتیکی است. پسینش دیالکتیکی پیش غفل کنجکاوان انسان است که با داده‌های طبیعت در هماهنگی است و سعی می‌کند به شکل «آشنایی» این قوانین را از طریق علت و معلول و تئوری‌ها به عرصه شناخت بکشاند. در مقایسه، پیش کوانتومی می‌تواند در جهت «شناخت» بیشتر بخصوص خود مکانیسم آگاهی و فهم عمیق‌تری از قوانین حاکم بر پدیده‌ها یآوری کند.

منطق کوانتومی به جایی رسیده است که می‌تواند و باید به عنوان یک شیوه جدید علمی مود ارزیابی سایر علوم قرار گیرد و چه خوب می‌شود که صاحب‌نظران ایرانی آن را هر چه زودتر به میز کار خود بکشانند.

O فازی‌لوژیک: فازی‌لوژیک به مفهوم منطق غیرشفاف و مبهم است. شاید بتوان فازی‌لوژیک را انعکاس منطق کوانتومی در علم منطق دانست. بسنیانگذار تئوری فازی‌لوژیک آقای آلفرد لطفی‌زاده است. او که متولد باکو می‌باشد و پدرش ایرانی است، در نتیجه حکومت استالینی، همراه با خانواده‌اش به ایران گریخت و در دانشگاه تهران در رشته الکتروتکنیک تحصیلات خود را تمام کرد. سپس در آمریکا به مقام استادی دانشگاه نایل آمد و در سال ۱۹۶۲ میلادی، تئوری فازی‌لوژیک را طرح و ابداع نمود.

برای اولین بار یوکازویویچ (Yukasiewicz) طرح یک منطق سه ظرفیتی را ارایه داد: کار منطق دو ظرفیتی تشخیص درست از غلط است، در حالی که منطق سه ظرفیتی احتمال به درست و هم غلط بودن یک گفتار را هم در نظر می‌گیرد:

غلط	درست
۱	۱
-	-

در منطق سه ظرفیتی یوکازویویچ خواهیم داشت:

غلط	درست
۱/۲	۱
-	-

بر این اساس منطق سه ظرفیتی، تکامل منطق دو ظرفیتی است (پیداآوری: رفتار ذره‌ای و مسیجی ذرات کوانتومی). به همین ترتیب منطق چند ظرفیتی ارایه دهنده ارزش‌های عددی متفاوت برای یک گفتار منطقی است:

غلط	درست
-	۱
۱	-
۲	-
۱۵	-
۱	-

به طوری که مشاهده می‌شود، این نوع منطق پاسخ صریحی به ارزش یک گزاره و یا گفتار نمی‌دهد، بلکه صرفاً با ارایه اعداد، درجه احتمال درستی یا غلط بودن یک گزاره را باز می‌گوید. این دلیلی است برای خیلی از متفکران علم منطق که فازی‌لوژیک را به عنوان یک منطق رد کنند، چراکه بنا به نظر این گروه، وظیفه منطق دادن پاسخ صریح در ارتباط با ارزش یک گزاره است. ما می‌توانیم همواره بین مجموعه‌های شفاف و غیرشفاف تمایز قایل شویم:

موضوع	ارزش شفاف	ارزش غیرشفاف	قدمردان
بلند قد	۱	۱	۱/۹۵
بلند قد	۱	۰/۹۵	۱/۹۰
بلند قد	۱	۰/۷۵	۱/۸۰
بلند قد	۱	۰/۵۰	۱/۷۵
کوتاه قد	-	۰/۷۰	۱/۶۵
کوتاه قد	-	۰/۱۵	۱/۶۰

همان طوری که در این جدول مشاهده می‌شود، برای قدمردان مختلف در منطق شفاف فقط دو ارزش مختلف وجود دارد: «بلند قد» یا «کوتاه قد»، در حالی که در منطق غیرشفاف بین بلند قد یا کوتاه قد، رابطه بیشتر و کمتر وجود دارد و این رابطه کمتر و بیشتر را می‌توان با اعداد نسبی بیان کرد.

منطق غیرشفاف (فازی‌لوژیک)، از طرف جامعه‌شناسان تاکنون مورد تأیید قرار نگرفته و در نتیجه بدون کاربرد مانده است. برخلاف آن در علوم کامپیوتر و خودگردان‌ها (اتومات‌ها)، مورد استفاده زیادی دارد: از طریق این منطق می‌توان با محاسبه‌های غیرشفاف (کمتر و بیشتر)، به یک سیستم، قدرت تشخیص‌گذاری بیشتری آموخت. مثلاً کار یک ترموستات می‌تواند با برنامه‌ریزی فازی‌لوژیک بسیار دقیق و باصرفه باشد:

- اگر درجه حرارت یک کمی پایین است، کمی آن را بالا ببر!
- اگر درجه حرارت خیلی پایین است، آن را خیلی بالا ببر!
- اگر درجه حرارت خیلی پایین است، آن را خیلی خیلی بالا ببر!
در این منطق، مرز شفافی بین کم و بیش وجود ندارد و ارزش‌ها کاملاً نسبی هستند. در بسیاری از برنامه‌های کامپیوتری جدید، منطق فازی‌لوژیک نقش فوق‌العاده مهمی در جهت باهوش کردن سیستم برنامه‌ریزی دارد. این منطق مرکز بحث‌های فراوانی در ارتباط با شبکه‌های هوشمند و مستکر کامپیوتری می‌باشد. □

دیگری نیازمند کاهش تشنج در مناسبات بین‌المللی خود با کشورهای دنیا، بخصوص در منطقه و در بین کشورهای متمدن و پیشرفته دنیاست. و این مهم میسر نخواهد گردید مگر با تدوین یک سیاست خارجی منطق بر منافع ملی و دست کشیدن از سیاست‌های ضدايراني شیعه و سنی کردن مردم منطقه، حمایت از جریانات افراطی و تروریست مذهبی در اینجا و آنجا، مخالفت با روند صلح خاورمیانه، مانع‌تراشی بر سر بهبود روابط با غرب و... تحقق دگرگونی‌های فوق در گرو برداشتن گام‌های اساسی و شجاعانه در این زمینه می‌باشد، که این خود ارتباطی تنگاتنگ با تحولات آتی درونی جامعه قرار دارد. اقدام مثبت اخیر خاتمی در ارتباط با فتوای قتل سلمان رشدی، اگر نتواند به سایر عرصه‌های سیاست خارجی گسترش یافته و تعمیق داده شود و موجب تضعیف مواضع بنیادگرایان که اصلی‌ترین مخالفین این روند هستند، در حاکمیت و جامعه نگردد، گامی است لرزان، بی‌ثبات و غیرجدی. □

۱۵ اکتبر ۱۹۹۸
* توضیح: مقاله «تابوها می‌شکنند» که در شماره گذشته «کار» از این نویسنده درج شد، مربوط به مرداد ماه گذشته بوده است، که تاریخ آن درج نشده بود.

آن جایی رساند که حتی کشور هم‌فرهنگ و هم‌زبان تاجیکستان نیز ترکیه را متحدی مناسب‌تر تشخیص داده است.

مانور نظامی مشترک ترکیه، آمریکا با ۶ کشور آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان بیانگر جای پای محکمی است که آمریکا، ترکیه و اسرائیل در آن‌سوی مرزهای شمالی ایران یافته‌اند. این هماهنگی و همکاری گسترده که به بهانه تحولات اخیر منطقه در ارتباط با افغانستان سازمان داده می‌شود، در واقع اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی استراتژیکی را دنبال می‌کند. آن‌ها با تشکیل این نوار حایل بین ایران و روسیه علاوه بر این‌که به یکی از بزرگترین منابع نفت و گاز جهان چنگ انداخته‌اند، در صددند تا بر تحولات آتی ایران و روسیه تأثیرات نزدیکتر و قطعی‌تری داشته باشند.

در غرب ایران نیز با حضور کشوری چون عراق نیاز به توصیف خطراتی که از این جهت متوجه ایران می‌باشد، نیست.

ترسیم اوضاع کنونی آن چه که حول و حوش سرزمین ما جریان دارد، بیان وضعیت خطرناکی است که ایران با آن مواجه است، وضعیتی که بدون شک رژیم جمهوری اسلامی در به وجود آوردن آن نقشی تعیین‌کننده داشته است. در چنین شرایطی، کشور ما بیش از هر زمان

گاهی مثبت، لهما...!

محمود کرد

شمالی‌ترین نقطه افغانستان گسترش داده‌اند. این تغییرات که جغرافیای سیاسی این منطقه از جهان را دگرگون کرده، منجر به آن شده است که ما امروز با کشوری مواجهیم که عملاً از وسعتی به بزرگی ایران برخوردار است، جمعیتی حدود سه برابر ما دارد و دارای اسلحه اتمی است. همان سلاحی که پس از انتشار خبر آن، اکثر رهبران نادان جمهوری اسلامی از آن به وجد آمده و حتی برخی آن را بمب اتمی اسلامی لقب دادند. این تغییرات که در نتیجه توطئه مشترک نظامیان حاکم بر پاکستان و دو کشور همسایه جنوبی ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی صورت پذیرفته است، منجر به تشکیل جبهه‌ای شده است که تمامی مرزهای جنوبی و شرقی کشور ما، از خلیج فارس گرفته تا سرخس را در بر می‌گیرد. این ائتلاف سیاسی - نظامی اعلام نشده که

در واقع سمت و سویی علیه ایران دارد و در پشت آن آمریکا قدرت‌نمایی می‌کند، با در اختیار داشتن طالبان، حکومتی که به هیچ قاعده و قانونی پایبند نیست و دارا بودن مرزهای طویل چندین هزار کیلومتری با کشور ما، مرزهایی که در بهترین شرایط مناسباتی ایران با کشورهای مذکور، همواره یکی از اصلی‌ترین مناطق عبور صدها تن مواد مخدر و هزاران قاچاقچی بوده است، قادر خواهد بود در هر لحظه برای میهن‌مان توطئه‌ساز باشد. در پشت مرزهای شمالی ما نیز اوضاع بهتر از جنوب و شرق نیست. در آنجا ترک‌ها، متحد آمریکا در ناتو با هماهنگی اسرائیل، تمامی کشورهای همسایه شمالی ایران را به متحدین نزدیک خود بدل کرده‌اند. سیاست خارجی مملو از جهالت و افراط‌گری مذهبی جمهوری اسلامی، کار را به

اقدام اخیر خاتمی و دولت وی، در فاصله گرفتن از فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده هندی‌الاصول انگلیس، اگرچه در اشکالی دیگر قیلاً توسط برخی زمامداران جمهوری اسلامی بخصوص رفسنجانی مطرح شده بود، اما این بار به دلیل شرایط جدیدی که در ارتباط با ایران در منطقه به وجود آمده است، از اهمیتی ویژه و محتوایی جدید برخوردار است. اعلام رسمی احتراز از هرگونه مشارکت، حمایت و تشویق در عملی نمودن فتوای مذکور که به احتمال زیاد با موافقت قبلی خامنه‌ای صورت گرفته است، نشان می‌دهد که رهبران جمهوری اسلامی تحت تأثیر تحولات اخیر در کشورهای همسایه شرقی و شمالی ایران، که جسم‌لگی به ضرر ایران صورت گرفته پذیرفته‌اند، در تلاشتند تا با جاشنی کردن قدری واقع‌بینی در سیاست خارجی، از انزوای کنونی بدر آیند.

نگاهی کوتاه به آن چه در حول و حوش ایران صورت پذیرفته است، ضرورت تشنج‌زدایی در مناسبات بین‌المللی کشورمان را بیشتر آشکار می‌سازد.

در شرق کشور پاکستانی‌ها با روی کار آوردن دست‌پروردگان طالبانی خود، عملاً حیاط خلوتی به وسعت افغانستان برای خود ایجاد کرده و حریم امنیتی کشورشان را به

فرمانروایی ضددموکراتیک ۲۰۰ شرکت فراملی بر جهان

پژوهش: ب. کیوان

تمرکز و ادغام موسسه‌ها به منظور انباشت سرمایه، که کلاسیک‌های جدید اقتصادی با شور و حرارت در باره آن داد سخن می‌دهند، چیز تازه‌ای نیست. سرمایه برای دست یافتن به حداکثر سود، همواره از این شیوه به نفع خود سود جسته است. با این همه، شتاب آن هرگز در حد امروز سابقه نداشته است.

همان طور که داده‌های آماری نشان می‌دهند، از میانه دهه ۷۰، انباشت سرمایه به طور اساسی از طریق الحاق موسسه‌ها، با خریدها و ادغام‌ها انجام یافته است. ترکیب موسسه‌ها و سرمایه‌ها به منظور توسعه عظیم جریان‌های مالی سوداگرانه و غیرسوداگرانه، مستقیماً در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد. بدیهی است که هیچ یک از این اقدام‌ها که سرنوشت زحمتکشان را بازپچه خود قرار داده است، به آن‌ها توضیح داده نمی‌شود. منطق صاحبان بزرگ سرمایه این است که آن‌ها ناگزیرند از «بویایی» بازار اطاعت کنند و از این رو نیازی به توضیح مساله برای هیچ کس ندارند. اما اینک ۷ سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استعمار وسیع اروپای شرقی، با توجه به رکود فزاینده و تشدید تضادهای ستیزنده میان ملت‌ها و درون خود جهان امپریالیست، می‌توان با قطعیت پرسید که آن همه وعده‌های رنگارنگ و خودستایانه «بازار آزاد» چه شده است؟

برخلاف آن همه آوازه‌گری‌ها، مشاهد می‌شود که وعده «گشایش» دوباره اقتصادی در پایان دهه ۸۰ تحقق نیافت، زیرا صنایع کارخانه‌ای (به جز در چین، باکتر از ۷۰ تا ۷۵ درصد ظرفیت خود کار می‌کنند).

وام جهانی (شامل وام موسسه‌ها، دولت‌ها و خانه‌داری‌ها)، از ۳۳۱ میلیارد دلار، یعنی ۱۳۰ درصد محصول ناخالص داخلی جهان، تجاوز کرده و یک افزایش نرخ ۶ تا ۸ درصدی در سال، یعنی بیش از ۴ برابر رشد محصول ناخالص داخلی جهانی، را نشان می‌دهد. این اختلاف عظیم نرخ‌ها، تحمل‌ناپذیر و نتیجه‌های آن فاجعه‌بار هستند. مثلاً وام دولت فدرال آمریکا (یعنی آن چه دولت برای سرمایه‌گذاری موسسه‌های خود وام گرفته)، از ۹۱۰ میلیارد در سال ۱۹۸۰ به ترتیب به ۳۲۱۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ و ۴۹۷۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۵ افزایش یافت و پیش‌بینی شده بود که در پایان ۱۹۹۷ به ۶۲۰۰ میلیارد دلار برسد.

همه جا و در همه بخش‌ها، مزدهای واقعی زیر ضربه کاهش کارکنان، تعطیل کارخانه‌ها و غیرمنطقه‌ای شدن موسسه‌ها، در حال سقوط است. در اقتصادهای سرمایه‌داری «پیش‌رفته»، شمار بی‌کاران از ۴۱ میلیون نفر تجاوز کرده است. این روند همچنان به پیش‌رفت خود ادامه می‌دهد.

اما شرکت‌های فراملی به قیمت قربانی کردن صدها میلیون انسان، خود را از بحران نجات داده‌اند. نویسندگان مجله فورچون ارگان انحصارهای بزرگ آمریکا، در اوت ۱۹۹۶ در ستایش از دستاوردهای ۵۰۰ موسسه جهانی که در این نشریه سرشماری شده‌اند، با دست‌آشانی اعلام کردند که «این موسسه‌ها برای دست‌یافتن به بازارهای جدید و بلعیدن رقای محلی، مرزها را در هم نوردیدند. رسوخ آن‌ها در کشورها به معنای کسب سود بیشتر است. سودهای ۵۰۰ موسسه بسیار بزرگ بالغ بر ۱۵ درصد فزونی یافته، و این در حالی است که افزایش درآمدهایشان ۱۱ درصد بود». در آغاز دهه ۹۰ تقریباً ۳۷۰۰۰ شرکت فراملی با ۱۷۰۰۰ شعبه، اقتصاد بین‌المللی را در چارچوب شاخک‌های خود گرد آورده‌اند. با این همه، کانون قدرت در حلقه تنگ «دویست شرکت درجه یک» قرار دارد. البته این ۲۰۰ شرکت، شرکت‌های عظیم خصوصی (ارزیابی نشده در بورس) چون **کارتل، کس، ماس، گلدمن، راکس، ماسک رایش** و غیره را دربر نمی‌گیرند. از آغاز دهه ۸۰، دویست شرکت مورد بحث از طریق ادغام و بازخرید موسسه‌ها، بی‌وقفه توسعه یافته‌اند.

از این رو، سهم سرمایه بین‌المللی در محصول ناخالص درونی جهان از ۱۷ درصد در میانه دهه ۶۰ به ۲۴ درصد در ۱۹۸۲ و به بیش از ۳۰ درصد در ۱۹۹۵ رسیده است. ۲۰۰ شرکت، مورد بحث، تجمع‌هایی هستند که فعالیت سیاره‌ای آن‌ها بدون تمایز بخش‌های اول، دوم و سوم، یعنی بهره‌برداری‌های بزرگ کشاورزی، تولید کارخانه‌ای، خدمات مالی، تجاری و غیره را دربر می‌گیرند. آن‌ها از حیث جغرافیایی بین ده کشور ژاپن ۶۱ شرکت، ایالات متحده ۵۲)، آلمان ۲۳)، فرانسه ۱۹)، انگلیس

(۱۱)، سوئیس ۸)، کره جنوبی ۶)، ایتالیا ۵) و هلند ۴) تقسیم شده‌اند. اگر شرکت‌های انگلیسی - هلندی با سرمایه‌های مختلط (گروه‌های **شل و یونیلور**) را مجزا کنیم، تنها ۸ کشور در مسابقه باقی می‌مانند که ۹۶/۵ درصد «۲۰۰ شرکت» و ۹۶ درصد رقم معامله‌هایشان را در خود گرد می‌آورند. در واقع تمرکز هنوز پیش‌رفته از آن است که چنین آمارهایی نشان می‌دهند. زیرا همه شرکت‌هایی که به گروه «۲۰۰ شرکت» تعلق دارند، شرکت‌های مستقل نیستند. نمونه‌های بسیار مشهور **میتسوبی‌شی، سومی‌تومو و میتسوبی** گواه روشنی بر این امرند. پنج موسسه **میتسوبی‌شی** در میان «۲۰۰ شرکت» وجود دارند که رقم‌های دارایی مجموعه آن‌ها از ۳۲۰ میلیارد دلار درمی‌گذرد. این واحدهای مستقل در میان امپراتوری **میتسوبی‌شی** هرچند از درجه بسیار بالای استقلال برخوردارند، از حیث راهبردی در زمینه اداری، قیمت‌ها، عرضه محصول‌ها به بازار و تولید متصل به یکدیگرند. هم‌چنین در خصوص آن‌چه مربوط به شبکه‌های مشترک اقتصادی، سیاسی و جاسوسی آن‌هاست، همین وضع جاری است. حزب لیبرال - دموکرات به عنوان عامل آن‌ها عمل می‌کند، زیرا ۱۷ درصد هزینه‌های آن را امپراتوری **میتسوبی‌شی** تأمین می‌کند.

اختلاف‌های قدرت در درون «۲۰۰ شرکت» به موازات توسعه آن‌ها طی دو دهه اخیر فزونی یافته است. تشدید این زورآزمایی‌ها، مخصوصاً به خاطر جنگی است که آن‌ها برای تصاحب بیش از پیش زیاده‌تر بازار جهان درگیر آن هستند. چنان‌که در فاصله ۱۹۸۲ و ۱۹۹۵ شمار شرکت‌های آمریکایی از ۸۰ به ۵۲ نزول کرده و در عوض شمار شرکت‌های ژاپنی در همین مدت از ۳۵ به ۶۳ فزونی یافته است. هم‌چنین شرکت‌های بریتانیایی که نخستین قدرت امپریال گذشته بود، از ۱۸ به ۱۱ تقلیل یافته است. در برابر آن یک کوله جغرافیایی و جمعیتی مثل سوئیس سر برآورده است. از سوی دیگر، ترقی سریع شرکت‌های کره جنوبی که شمار آن‌ها در مدت تا اندازه‌ای کوتاه از ۱ به ۶ رسید، بسیار شگفت‌انگیز است. در راس آن‌ها **دائه‌وو** یکی از توسعه‌طلب‌ترین گروه‌های چند ملیتی و در عین حال، مشت آهنین امپریالیسم کره جنوبی به شمار می‌رود. این شرکت با رقم کلانی از معامله‌ها که متجاوز از ۵۲ میلیارد دلار بود، از غول‌هایی چون **سی‌سی‌من، کانسانو، یونیلور** یا **نستله** پیشی گرفته است.

توسعه سیاره‌ای **دائه‌وو** از حیث نمایش قدرت **شانپول‌ها** یعنی مجتمع‌های کروی، جنبه نمادین دارد. دارایی‌های **۳۰ شانپول** درجه یک: **دائه‌وو، ساندنگ، سامسونگ و هیوندای** نسبی از این دارایی‌ها را که بالغ بر ۱۸۴ میلیارد دلار است، در دست دارند. در ژانویه ۱۹۹۷ شورش کارگری، افسانه «معجزه» در کره جنوبی را بر ملا کرد. اما جای تردید وجود دارد که نتیجه آن، کندی توسعه‌طلبی این غول‌ها در داخل و خارج کشور خواهد بود.

بدیهی است که بدون میلیاردها دلار کمک ایالات متحده در فاصله ۱۹۹۵ - ۱۹۴۷ به دولت کره که به اعتبار آن شرکت‌های کروی از ده‌ها میلیارد دلار کمک عمومی برخوردار گردیدند، این پیشرفت‌ها ممکن نبود. در واقع، عیناً مانند ژاپن، در کره جنوبی خط فاصل کاملاً مشخصی بین **شانپول‌ها** و دولت وجود ندارد. علاوه بر این، سرکوب بی‌رحمانه طبقه کارگر و پایمال کردن حقوق بشر را باید به کمک‌های مالی عمومی افزود. همه مردان سیاسی بدون استثناء، و هم‌چنین عضوهای بلندپایه سلسله مراتب نظامی، جزو سهام‌داران تراز اولی هستند که در شورای اداری شرکت‌های بزرگ عضویت دارند. در کانون **شانپول‌ها** همه با یکدیگر آشنا هستند و در میان خود ازدواج می‌کنند.

این موضوع سخنان از یاد رفته **والتر راتنوف**، یکی از صاحبان بزرگ صنایع آلمان در ۱۹۰۹ را به یاد می‌آورد که گفت: «سپید نفر که همه یک‌دیگر را می‌شناسند، مدیریت سرنوشت اروپا را در دست دارند و هم‌کاران خود را از میان خود انتخاب می‌کنند». از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ گروه‌بندی‌های موسسه‌ها با آهنگ ۱۵ درصد در سال افزایش یافته است و بر کندی این روند در آینده دلالت ندارد. پس اگر هیچ چیز از امروز تا سال ۲۰۰۰ تغییر نکند، ارزش فراهم آمدن معامله‌ها تقریباً به ۱۰۰۰۰ میلیارد دلار می‌رسد (در مقایسه، محصول ناخالص داخلی ایالات متحده در ۱۹۹۶ به قیمت جاری ۷۶۰۰ میلیارد دلار بود). کاملاً واضح

است که در این دوره که شاخص آن کاهش ارزش اسکناس در گردش، کندی رشد، کمی شغل و وام‌دار بودن است، شرکت‌های فراملی جز جذب رقیبان خود در حدی که بازارهای جدید به دست بیاورند، وسیله دیگری برای گسترش توسعه‌طلبی خود ندارند.

گروه‌بندی‌های جدید موسسه‌ها امکان می‌دهند که اقتصاد در مقیاس بازارهای جهانی عمل کند. بسیاری از شرکت‌های فراملی این راه را برگزیده‌اند: مانند **یونینگ** و سه کارخانه بزرگ اتومبیل‌سازی در ایالات متحده آمریکا و یاس‌غول‌های اتومبیل، الکترونیک و کشتی‌سازی در ژاپن و کره جنوبی. پنج موسسه در میان بزرگ‌ترین فراملی‌ها روی بیش از نیمی از بازار جهانی در بخش‌های کلیدی هوا - فضا، تجهیزات الکترونیک، اجزاء الکترونیک و نرم‌افزار چنگ انداخته‌اند. دو موسسه به ترمیم سریع خود پرداخته‌اند. پنج موسسه هم بخش‌های نویشدنی‌های غیرالکلی، توتون و نوشابه‌های الکلی را قرضه کرده‌اند.

ترقی فراملی‌ها نه فقط به وسیله دولت‌های خاص آن‌ها، بلکه هم‌چنین به وسیله کمک‌های عظیم مالی و امتیازهای مالیاتی در کشورهای چون انگلیس و ایرلند و همچنین توسط دولت‌های اروپای شرقی که سرگرم زودود میراث ملی خود زیر ضربه خصوصی‌سازی و محرک‌های مالیاتی از هر نوع هستند، تشویق و ترغیب می‌شود.

ادغام و اتحاد شرکت‌ها (چون اتحاد شل و ب.پ)، به بنیان نهادن مجتمع اقتصادی «سام‌گرا» کمک کرد. «آزادسازی» «خصوصی‌سازی»، «نظم‌زدایی»، «سیستم تجارت آزاد بین‌المللی» دلیل‌های روشنی برای توجیه این تحول هستند. در یاری به این تمرکز، بانک‌های بزرگ سرمایه‌داری، صندوق‌های مشترک پول و صندوق‌های کمک، نقش ممتاز دارند. هم‌چنین **وال‌استریت** برای افزایش حجم سودهای حاصله از «ارزش اسکناس» فشار وارد می‌آورد. بانک‌های سرمایه‌گذاری نیز نفع خود را در آن می‌بینند.

پیشاپیش همه در سطح جهان، وضع **گلدمن‌زناکس**، یکی از بانک‌های مهم سرمایه‌گذاری در زمینه تقویت شرکت‌های فراملی نمونه‌وار است. سودهای این بانک طی یک سال از ۹۳۱ میلیون دلار در ۱۹۹۵ به ۱۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت. این بانک با کاربرد شگردهای خاص خود، در سال‌های اخیر ۲۰ درصد از شمار کارکنان خود کاست، تا بر اثر «ارزش‌های بسیار بالای کار»، با اشکال روبرو نشود. البته، این امر مانع از پرداخت بیش از ۲۰۰۰۰ دلار پاداش سالیانه به هر یک از ۱۷۵ شریک، علاوه بر سودهایی که به نسبت سرمایه‌شان دریافت می‌دارند، نگردد.

در دوره **مورگان استانی**، رییس بیش از ۱۴ میلیون دلار پاداش در ۱۹۹۶ دریافت کرد. این رقم نسبت به سال قبل بیش از ۳۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. البته این بانک‌ها دیگر به تشویق ادغام موسسه‌ها اکتفا نمی‌کنند: آن‌ها خود در گروه‌بندی‌های جدید گام نهاده‌اند. از این رو، ائتلاف‌های **مورگان استانی** با **ن‌ویتر**، یکی از مهم‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری را در جهان به ارزش بازار بیش از ۱۴ میلیارد دلار به وجود آورده است. این رویداد، واکنشی زنجیره‌ای در میان سایر بانک‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های حق‌العمر کار به راه انداخته است.

ساختمان‌های نام‌گرا

این بازی تا چه وقت طول خواهد کشید؟ رییس محاسبات **سیتی بانک** می‌گوید: «بی‌پرده هیچ‌کس این را نمی‌داند. بانک‌ها مبلغ‌های بسیار زیادی را به کار انداخته‌اند. ما هم چون دیوانگان سرگرم برانگیختن ادغام‌ها هستیم...» این کارشناس بلند پایه بدون ابهام اعتراف می‌کند که این زیاده‌روی در زمینه پیوستگی موسسه‌ها از راه وام‌گیری تأمین مالی می‌شود، یعنی درست مثل اقتصاد جهانی.

نو‌واتر که در ۱۹۹۶ به وجود آمد، دومین غول داروسازی است. این شرکت که محصول ادغام **ساندو** و **سیبا - گینگی** است، بزرگ‌ترین نمونه ادغام در این رشته در تاریخ فراملی‌هاست. درآمد این شرکت از حق‌العمر کاری‌ها و کارمزدهای قانونی تقریباً بالغ بر ۹۵ میلیون دلار بود که **جی.بی. مورگان استانی** و **اویون بانک سوئیس** آن را بین خود تقسیم کردند. در مدت کم سودوری **نو‌واتر** از ۶۳ میلیارد دلار به ۸۲ میلیارد دلار افزایش

یافته است. هنگامی که چنین مائده‌ای در گاو صندوق‌های مشت‌ناچیز از صاحبان سرمایه مالی سرازیر می‌شود، چه کسی جرئت دارد از بحران سرمایه‌داری سخن گوید؟ اما مدال روی دیگری هم دارد. و آن این‌که پیدایش فراملی‌هایی چون **نو‌واتر** و **تیس** موجب حذف وسیع شغل‌ها گردید و به سرعت در قالب «صرفه‌جویی ارزش» - **های رایج** و «ساختارسازی‌ها» به اجرا درآمد. از این روست که سهم‌های دو شرکت مورد بحث با افزایش بی‌سابقه روبرو گردید، ده درصد نیروی کار در اولین فرصت کاهش یافت. باری، فقر می‌تواند هنوز به پیش‌رفت خود ادامه دهد. طرز کار ادغام‌ها در محفل‌های مالی چندان به عنوان پیروزی عقل‌گرایی بازار معرفی نشده است. برای **وال استریت** و همه بازارهای مالی، وجد و نشاط ناشی از الحاق **مکدونل دوکلاس** (با ۱۴ میلیارد دارایی) به **بویینگ**، به عنوان پیروزی عقل‌گرایی بازار تلقی نگردید. با این همه، این بار یک تفاوت در استراتژی الحاق وجود داشت. زیرا این تسک محصل تصمیم‌گیری شورای اداری **بویینگ** نبود. بلکه **پنتاکون** و وزارت بازرگانی این ادغام را ترغیب کردند. زیرا آن‌ها این اقدام را برای کمک به نفوذ بخش صنایع هوا - فضایی آمریکا در بازارهای بین‌المللی ضروری می‌دانستند. حذف شغل‌ها در نتیجه این اقدام بسیار گسترده بود. به علاوه از ۱۹۹۲ شمار موسسه‌هایی که برای دفاع کار می‌کردند، از ۲۲ واحد به ۹ واحد تقلیل یافت و بیش از یک میلیون شغل از دست رفت.

در حال حاضر، نظیر وزن سنگین شرکت‌های فراملی در اقتصاد جهانی، در قلمرو سیاسی وجود ندارد. در قرن آینده وضع از چه قرار خواهد بود؟ آیا آن‌ها می‌توانند ساختارهای تام‌گرای سلطه‌جو و استثمارگرانه‌شان را حفظ کنند؟ بدیهی است که رشد بی‌کران در جهان کران‌مند وجود ندارد. اگر چنین قانونی بر شیشه‌ها جاری است، پس می‌توان گفت برای موسسه‌های کلان هم مصداق دارد. آیا کسی می‌تواند بگوید که حرکت تمرکز سرمایه‌داری چه وقت متوقف خواهد شد؟ با همه ناتوانی در این پیش‌بینی، از هم اکنون یک چیز کاملاً روشن است و آن این‌که زیان‌ها اجتماعی و سیاسی ناشی از ادغام‌ها و بازخریدهای پی در پی، پیوسته شکاف‌های عمیق‌تری در بنا و بنیاد نظام کنونی ایجاد می‌کند.

بیست و هشت سال پیکار فداییان خلق

در راه آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

را هر چه با شکوه‌تر

برگزار کنیم

مکان: آلمان - بن

زمان: شنبه ۲۴ بهمن (۱۳ فوریه)

ستاد برگزاری جشن مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)



از همه دوستداران و علاقه‌مندان سازمان که در زمینه کمک به برگزاری جشن سالگرد سازمان، تهیه پوستر و طرح‌های افروانی مایل به همکاری با ستاد برگزاری جشن مرکزی می‌باشند، خواهشمندیم حداکثر تا تاریخ ۱۵ نوامبر تقارن و پیشنهادات خود را به ستاد برگزاری با آدرس نشریه کار اطلاع دهند.

کمک‌های مالی رسیده

۱۰۰۰ فرانک
۱۰۰۰ فرانک
۱۰۰ دلار
۵۹۶ مارک

کمک مالی به خانواده زندانیان سیاسی از بلژیک
کمک مالی به نشریه کار از بلژیک
کمک مالی به خانواده زندانیان سیاسی از ژاپن
کمک مالی به نشریه کار از دانمارک

نهاد یاری به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی

برای یاری خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، می‌توانید کمک‌های مالی خود را به شماره حساب زیر واریز کنید:

HAMYARI
7147002
37040044
Commerz Bank, Koeln, Germany

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام:

نشانی:

.....

.....

.....

.....

فرم را همراه با پهای اشتراک (حواله بانکی یا تمپر)

به آدرس

پست کنید!

مفهوم «جامعه بورژوازی» در تفکر سیاسی غرب

چارلز تایلور

قسمت دوم

ترجمه: ا.ب.

فهمیده می‌شود. طریق اول از برداشت ناشکفته لاک از بشریت به منزله اجتماع ماقبل سیاسی نشأت می‌گیرد. وضع طبیعی که لاک توصیف می‌کند، میدان تخریب و نابودی نیست که هابس توصیف می‌کند. در این اجتماع ما با فقدان امنیت روبرویم و همین فقدان امنیت است که انسان‌ها را مجبور می‌کند حکومت تشکیل دهند. لیکن در بقیه موارد، وضع طبیعی عرصه بالقوه پیشرفت‌های بزرگی در زمینه‌ای است که بعدها تمدن لقب گرفت: رشد اقتصادی از طریق تقسیم کار، شکوفایی گردش پول و انباشت مالکیت. این ایده در قرن هیجدهم توانایی آن را یافت به تصویر زندگی اجتماعی انسان بالنده تبدیل شود و به بار بنشیند و بسیاری از چیزهایی که با ارزش و سودمند تلقی می‌شد و به منزله محصول عرصه غیرسیاسی یا ماقبل سیاسی تلقی شد که در بهترین حالت از اقتدار سیاسی برخوردار است ولی به‌هیچ وجه به وسیله آن اداره نمی‌شود.

در مقابل این آموزه، منبع متضاد دیگری وجود دارد و ما به ساده‌ترین وجهی می‌توانیم آن را از منتسکیو تشخیص دهیم. تصویری که او در «روح‌القوانین» از سلطنت ترسیم می‌کند، گزینه دیگری از آموزه ضد سلطنت مطلقه است که با آموزه لاک فرق می‌کند. منتسکیو برخلاف لاک، حکومت قدرتمند سلطنتی را مشروط به غیرقابل خلع بودن این حکومت می‌داند. ولی اصل مطلب این است که آیا این حکومت غیرقابل کنترل است و به استبداد گرایش دارد یا قانون این حکومت را محدود می‌کند. با وجود این، اگر نهادهای مستقلی که وظیفه‌شان دفاع از قوانین است در سیستم حقوقی قید نشده باشد، تعدیل این حکومت از طریق قانون، چاره‌ساز نیست. حاکمیت قانون و "corps intermediaires" -سازم از بین می‌روند و متقابلاً همدیگر را حمایت و پشتیبانی می‌کنند. مجلس بدون قوانین، همچون اشراف‌زادگان وجود و بنیانی ندارند؛ قانون بدون این نهادها و رسته‌ها بی‌دفاع است. سلطنت آزاد (تاقض منتسکیو در همین نکته است چون سلطنت نازاد استبداد است)، حفظ تعادل میان اقتدار مرکزی قدرتمند و انبوهی از اجتماعات و انجمن‌های درم تافته است و باید خود را با آن‌ها هماهنگ کند.

تئوری منتسکیو، عناصر دیگری از سنت را به کار می‌گیرد که با عناصر تئوری لاک فرق دارند و بر عناصر (A)، (D) و (E) مشروطه قرون‌وسطی استوار است. در واقع، بحث دامنگیر فرانسوی‌ها در باره پیدایش سلطنت مطلقه که سده‌ها به درازا کشید، به عنوان جدل میان آموزه سلطنت مشروطه با آموزه سلطنت مطلقه تلقی گشت که منشا اصلی آن به فاتحان فرانکی برمی‌گشت یا مدل‌هایی که از حقوق روم اقتباس شده بودند. منتسکیو خود را کسی می‌داندست که موضوع «ژرمنی» را از نو صورت‌بندی کرد. منتسکیو در توضیح قانون اساسی انگلیس، که بسیار مایه تحسینش بود، می‌گفت این قانون اساسی از ژرمن‌های قدیمی اقتباس شده است. منتسکیو هیچ ادعایی در مورد (A) و (B) نمی‌تواند داشته باشد. جامعه مستقل از قانون اساسی سیاسی‌اش تعریف نمی‌شود. در جامعه‌ای آزاد، برعکس، هویت جامعه از طریق چنین قانون اساسی مشخصی است که تعیین و تعریف می‌شود.

غیرغم اهمیتی که قانون اساسی قرون وسطایی برای منتسکیو داشت، وی در این مورد مانند گذشتگان فکر می‌کند. تعریف پولیس نیز تعریفی سیاسی بود. ماهیچه‌ای که ما استفاده می‌کنیم به تنهایی نشان می‌دهد که در این تعریف حسو شده است. در این نوع نگاه به مسائل، جایی برای تفاوت میان جامعه بورژوازی و دولت وجود ندارد. این نوع نگاه به مسایل برای یونانی‌ها یا رومیان غیرقابل فهم بود. منتسکیو مانند بسیاری دیگر از مخالفان سلطنت مطلقه در عصر خود ستایشگر آزادی یونان باستان بود. ولی او آزادی در یونان را الگویی در مقابل حاکمیت مطلقه قرار نداد. در واقع، ارزش و اهمیت کار او در صورت‌بندی الگویی سوم است که، به تعبیری، انستیت پولیس، و در عین حال، مدلی برای آزادی و در شان مقام آدمی بود. منتسکیو جمهوری را انستیت از سلطنت قلمداد کرد چون جمهوری مستلزم «ویرتوی» است؛ ایثار در راه رفاه عمومی، و در عین حال، آداب و رسوم خشک و منضبط و عدالت؛ در حالی که دغدغه سلطنت مالا حقوق و امتیازات آن است و برپایه تفاوت رسته‌ها و شکوفایی ثروت و قدرت پروبال می‌گیرد که هر یک با ثرافت پیوند خورده‌اند. فضیلت میهن‌پرستانه، آن نیروی محرک‌های بود که موجب شد انسان‌ها به با خطر افکندن جان خود از این قوانین در مقابل تهدیدات داخلی

و خارجی دفاع کنند و آزادی جامعه را در جمهوری سابق حفظ کنند. این معنا و حس زنده حقوق و مقام خود بود که از آزادی در سلطنت‌های مدرن دفاع و حراست کرد؛ آن‌ها بودند که باعث شدند کسانی که دارای امتیاز بودند در مقابل حملات شاهانه از خود و مقام دفاع و مقاومت نشان دهند و چون فرمانی به دلیل فرمان‌برداری آن‌ها، آپین‌نامه شراف و حیثیت‌شان را خدشه‌دار می‌کرد، احساس شرمساری کنند.

بدینسان، منتسکیو گرچه مانند پیشینیان تعریف کاملاً سیاسی از جامعه را حفظ کرد، تفاوت میان جامعه مدنی و دولت را بنیان نهاد که برای پیشینیان کاملاً بیگانه بود. منتسکیو این تفاوت را با نظر افکندن به جامعه به‌مثابه تعادل قوا میان قدرت مرکزی و بافت درهم تنیده حقوق اساسی بنیان گذاشت.

هر دو آموزه ضد سلطنت مطلقه، خود را در تمایزی بازتاب می‌دهند که تقریباً در چرخش قرن ۱۸ به ۱۹ به طرز خوانایی صورت‌بندی شد و معروف‌ترین صورت‌بندی خود را در فلسفه حق هگل دارد. اما این آموزه‌ها به‌راستی در این برداشت تازه جامعه بورژوازی تماماً حل نمی‌شوند. میان آن‌ها و الگوهای مختلف جامعه آزاد که از طریق این مفهوم تازه می‌توانند صورت‌بندی شوند، رابطه متشنجی حاکم است.

۳

بدین ترتیب در برداشت «جامعه بورژوازی» دو جریان با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند. برای ساده‌شدن موضوع، این دو جریان را به نام طیف لاک و طیف منتسکیو، به نام اختصاصی نامگذاری می‌کنیم که من (البتّه با قدری خودرایی)، به عنوان نمایندگان آن برگزیدم. علامت مرکزی طیفی را که من طیف لاک لقب می‌دهم، در تکرین تصویر غنی‌تر جامعه به مثابه واقعیت مشاوره سیاسی نهفته است. جنبه‌ای از این تکرین بحث در باره سرنوشت جامعه بورژوازی را تا همین اواخر تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. این جنبه موضوع، تصویر جامعه به منزله اقتصاد است. به عبارتی، موضوع جامعه به‌عنوان کلیتی از فعالیت‌های منسجم تولید، مبادله و مصرف است که از تحرک خاص درونی و قوانین مستقل ویژه خود برخوردار است. این جنبه در قرن هیجدهم با آثار فیزیک‌دانان و به وضوح در افکار آدام اسمیت تبلور شد. بزرگی ابعاد این انقلاب فکری را می‌توان از طریق انتقال معنای مفهوم اقتصاد قرائت کرد. ریشه لغوی واژه اقتصاد، هنر تدبیر منزل است، مفهوم اقتصاد بر اداره مدبرانه حوزه معینی دلالت دارد. «نوموس» به وسیله اداره‌کننده، رئیس خانه یا Oikos مقرر می‌شد. آغاز ملاحظه قلمرو پادشاهان مانند تدبیر منزل و اداره تولید و مصرف آن‌ها به این شیوه، انقلابی در شیوه تفکر مضمر داشت. این انقلاب جوش ما را به اقتصاد سیاسی ممکن ساخت. انقلاب عمده در این فاصله‌گذار به تلقی از این عرصه به معنای گسترده‌ای خودگردان است که از قوانین تعادل و تحول خاص خودش تبعیت می‌کند. «نوموس» در واژه اقتصاد اکنون بیشتر یادآوری‌کننده کاربرد قانون در مفهوم اخترشناسی است و بر عرصه مستقلی از قوانین علی‌ناظر است. اقتصاد مدرن، به‌عنوان عرصه‌ای با سازماندهی درونی خاص متولد شد.

بدین منظور، ایده هویت وراء-سیاسی جامعه، چرخش و توان تازه‌ای می‌یابد. اقتصاد اکنون ساده‌ای از زندگی اجتماعی را تعریف می‌کند که ما بالقوه کاملاً خارج از مرزهای سیاست به عنوان جامعه، در آن نیازهای خود را برآورده می‌کنیم. بی‌تردید، نمایندگان این علم جدید در پاسخ به این سوال که اقتصاد چگونه باید مستقل باشد، باهم اختلاف‌نظر دارند. برخلاف نظر شایع در افکار عمومی، حتی آدام اسمیت هم با دخالت قوی‌تر دولت در تنظیم مسایل اقتصادی موافق بود. ولیکن این انقلاب روشنفکرانه به ما اجازه می‌دهد مساله استقلال اقتصادی را مطرح کنیم. بدون این تصور که عرصه اقتصاد از قوانین خاص خود پیروی می‌کند، اصلاً این سوال نمی‌توانست فورمول‌بندی شود. امروز همه، هواداران دخالت دولت در امور اقتصادی و سرمایه‌داران، در این مفاهیم فکر می‌کنند. تفاوت آن‌ها تنها در ارزیابی متفاوتی است که از پیامدهای احتمالی اقتصاد انجام‌بخشته می‌کنند و در اینکه هر نوع اقدامات پیشگیرانه ضرورت دارد یا نه. مارکس هم، و به راستی بیش از همه این مارکس است، که از تئوری اقتصاد عنان‌گسیخته جانبداری می‌کند. این مارکس است که در «سرمایه»، سناریوی فاجعه را تکامل می‌بخشد.

آنچه گفته شد، بخش مهمی از محتوای

برداشت جدید جامعه بورژوازی را توضیح می‌دهد، حداقل از دیدگاه طیف لاک. این جنبه در صورت‌بندی هگل بازتاب می‌یابد چون او برای اقتصاد خود -تنظیم‌گر سرمایه‌داری جایگاهی ویژه در عرصه جامعه قایل می‌شود. مارکس برداشت هگل را اقتباس کرد و کم مانده بود کل آن را به این جنبه از فکر هگل تحویل کند. از طرفی، این را مدیون نفوذ مارکس باید بود که جامعه بورژوازی این همه مدت منحصرأ در مفاهیم اقتصادی تعریف شد. لیکن این انحصار به معنای فقیرشدن برداشت هگل از جامعه بورژوازی است، زیرا این برداشت در برخی نکات وام‌دار طیف منتسکیو است به طوری که جامعه بورژوازی هگل، هیات‌های آگساده و خودگردان را در بر گرفت، کوپراسیون‌هایی که به شیوه خود در دولت وحدت یافته بودند.

من به این موضوع در ادامه بحث باز خواهم گشت وقتی تنش میان این دو طیف را ملاحظه کنیم. در این لحظه موضوع من نیل به این شناخت است که حتی در طیفی که من طیف لاک نامیدم، اقتصاد یگانه مؤلفه نیست. بر همین منوال، اقتصاد در قرن هیجدهم تکامل گستره عمومی مستقلی که «عقیده» شخصی خود را دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این «عنلنت» محتوای کاربست کاملاً جدیدی از مفهوم ساحه عمومی است. این مفهوم چیزی را که اهمیت هگانی دارد تعریف می‌کند، البته نه به لحاظ صرفاً عینی یا از دیدگاه ناظر مستقل، بلکه بر چیزی دلالت دارد که هگلان آن را به عنوان امری عمومی شناسند. بنابراین «عمومی» چیزی است که شامل تمام جامعه است یا تعلق به کل جامعه داشته باشد یا بر فراز ابزارها، نهادهای امکانی ناظر باشد که جامعه از طریق آن‌ها به عنوان جسمی واحد تأثیر گذارده و عمل می‌کند. بدین طریق، ساختار سیاسی یک جامعه بی‌تردید امری همگانی است. ارگان‌های اجرایی آن، اماکن قوه مقننه و سالن‌های جلسات آن، از Agora گرفته که در آن Ekklesia تجمع کرده است تا درباری که شاه بر آن حکومت دارد، همه امکانی هستند که می‌توان به مثابه حوزه عمومی نامید. مفهوم جدید «عقیده» در قرن هیجدهم اساساً الگوی دیگری از حوزه عمومی را تعریف می‌کند. از طریق اشاعه روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها در افشار فرهیخته جامعه و همچنین، از طریق تبادل‌نظر شخصی در اماکن غیرمتمرکز و کوچکی از قبیل سالن‌ها، قهوه‌خانه‌ها و (از جمله) تجمعات سیاسی، حسن ملیت یا بخش فرهیخته آن عقیده به وجود می‌آید که به حق می‌توان عنوان «عمومی» به آن داد. افکار عمومی در شکل آغازین خود جمع ساده عقاید فردی و خصوصی ما نیست، حتی آن جایی که ما خود به خود به اشتراک نظر می‌رسیم. افکار عمومی چیزی است که در مناظرات و مباحث تکرین می‌یابد و همه آن را به مثابه امری مشترک به رسمیت می‌شناسند. این عناصر دارای مقبولیت مشترک، معنای افکار عمومی را تقویت می‌کند. این حسن مقبولیت عمومی، هم‌زمان به افکار عمومی نیروی تازه‌ای در تاریخ می‌دهد و جنبه نوگونه آن است که برای موضوع ما اهمیت دارد: افکار عمومی کاملاً بیرون از کانال‌ها و محلات عمومی ساختار سیاسی شکل می‌گیرد. به عبارت ریشه‌ای‌تر: افکار عمومی بیرون از کانال‌ها و حوزه‌های عمومی هرگونه اقتدار می‌رشد می‌کند، چون از کانون دیگر جوامع اروپایی یعنی کلیسا، مستقل است. بالطبع، حکومت‌ها عادت کرده بودند با قدرت مستقل اعتقادات مذهبی که به وسیله کلیساها تبلیغ می‌شد، کنار بیایند. افکار عمومی آن چیز تازه‌ای بود که خود را به عنوان عقیده جامعه معرفی می‌کرد ولی از طریق هیارشی تثبیت یافته و رسمی ارکان‌های تعریف‌سازی نشو و نمو نیافت.

افکار عمومی مانند اقتصاد چیز ماندگاری بود و اگرچه متفکرانی بودند که به نوعی، تصور مطلقه‌ای را در سر می‌پروراندند که با عقیده روشنگرانه متبادر نباشد، ولیکن واقعیت امر این است که در درازمدت عقیده آزاد و قدرت مطلق چندان تناسخی باهم ندارند. البته انکار عقیده آزاد هم بدون تاوان نیست و بدین سان، جباران معاصر نه تنها مجبورند افکار عمومی را سرکوب کنند، بلکه آن را باید القا و تلقین کنند. روزنامه‌های دولتی راجع به تجمعات و قطع‌نامه‌ها گزارش می‌دهند و همه در ظاهر بدون نیت قبلی از قلم نویسندگان و مستبران فردی تراوش کرده است. خصلت ارکستری تمام این گزارشات باید در پرده‌ای از ابهام باقی بماند. این معرف بالا بودن سطح پرستیژ افکار عمومی است.

اقتصاد خود -تنظیم‌گر و افکار عمومی دو

طریقی هستند که جامعه خارج از ساختارهای سیاسی تا حدودی به وحدت یا همکاری می‌تواند دست یابد. این دو راه‌آیده لاک را -که از سویی دیگر ریشه در قرون وسطی دارد - انضمام می‌بخشد که جامعه خارج از گستره سیاسی دارای هویت است. این ایده نتیجه بلافصل خود را در آن می‌یابد که اقتدار سیاسی ملزم به رعایت استقلال جامعه در عرصه‌هایی است که نمودار جلوه‌های جامعه بشمار می‌روند. رعایت این امر نوع نوینی از تعدیل این اقتدار را در خود مستتر دارد. در مسیحیت، این تعدیل همواره در کلیسا و همچنین در حقوقی که به افراد و انجمن‌ها متعلق دانسته می‌شد، وجود داشت. ولیکن امر سیاسی در بنیانش، تنها حوزه‌ای بود که در درونش اهداف سکولار اجتماعی بیان و صورت‌بندی شد و توانست به تحقق پیوندد. متناسب با به‌رسمیت شناخته‌شدن این حوزه‌های جدید هویت غیرسیاسی اجتماعی، امر سیاسی دیگر یگانه حوزه نیست. فضای نوین افکار عمومی که توسط نشر شکل گرفته است، حتی می‌تواند به منبع رویارویی رادیکالی تبدیل شود، و تقدم ساختارهای سیاسی را در عرصه‌های خود زیر سوال برد. تأییش از این، فرض مسلم این بود که جوامع هویت سیاسی خود را تنها از طریق ساختارهای تثبیت‌شده سنت سیاسی کسب می‌کنند و مشی سیاسی خود را تعریف می‌کنند، و اصلاً تفاوتی نمی‌کرد که منظور دربار شاهان بود یا پارلمان‌ها و یا ترکیبی از هر دو. مراکز غیررسمی از طریق ترویج عقاید و بخش اعلا می‌ها، مراجع قدرت را تحت فشار گذاشتند، ولی فشار غیررسمی این اصل اقتدارگراییانه تعریف آماج سیاسی در نهادهای تثبیت یافته را زیر سوال نبرد. تضعف‌گیری حوزه نوین افکار عمومی، سرآغاز طرح مطالبات گسترده بود. به عنوان مثال، ادعا شد که در آمریکای آغاز قرن هیجدهم در روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌ها شکل‌ها تازه‌ای از گفتمان تکرین یافت. موضوع گفتمانی است که با اتکا به قدرت حروف سربی، ضمتا داعیه قدرت دارد و وظیفه خود می‌داند اهداف مردم را تعریف کند و نهادهای تثبیت یافته را به سزای سواستفاده از قدرت برساند. این گفتمان لفظ سستی جمهوریخواهی را ادامه داد، ولی تحت این لوی اشنا، فرمول کاملاً رادیکالی ارایه و نمایندگی کرد.

در جوامع جمهوریخواه، مردم واقعا ماموران خود را کنترل و از آن‌ها انتقاد می‌کردند، اما مسردم برای انتقاد و کنترل کار ماموران Ekklesia یا گردهمایی عمومی خود را برگزار می‌کردند. این گردهمایی مردمی از طریقی نهادی حکومت‌کننده و به معنایی بینابین بود. اکنون به واسطه حروف سربی مطالبه می‌شود که اقتدار گردهمایی مردم به رسمیت شناخته شود و این اقتدار بار دیگر به طریق ساختاری سنتی یا نوعی بده و بستان شخصی تبلور و تجسم نمی‌یابد. هویت سیاسی به مکان بی‌نمادی تغییر شکل می‌دهد. این تحلیل شاید در مورد هیجدهم صدق کند یا صادق نباشد، ولی بی‌تردید تغییر قتل از این‌گونه در جامعه مدرن دموکراتیک نقش مرکزی داشت.

خلاصه، این تصورات در باره اقتصاد و افکار عمومی تصور یکی از گرایشات تازه از جامعه بورژوازی را شکل می‌دهد که با دولت تفاوت دارد. این تصور شامل حوزه ساختار عمومی ولی غیرسیاسی است. خصلت اول ماهوی بود: جامعه بورژوازی گستره خصوصی نبود. در حالی که ارسطو پولیس را از او یکوس متمایز می‌کند و تنها پولیس عرصه عمومی است، هگل به مفهوم را در اخلاق اجتماعی از یکدیگر باز می‌شناسد: خانواده، جامعه بورژوازی و دولت. هویت جامعه بورژوازی با مفهوم سوم، یعنی پولیس یکی نیست، ولی با مفهوم اول هیچ سنجشی ندارد. به همین دلیل من در بالا توضیح داده‌ام که هر تعریفی از جامعه بورژوازی را صرفاً با وجود اتحادیه‌های مستقل و آزاد از قید و بند دولتی مترادف می‌داند، دین خود را به این مفهوم کامل نمی‌تواند ایفا کند. مفهوم تاریخی جامعه بورژوازی اسوه زندگی اجتماعی عمومی را تعریف می‌کند و نه شمارش ساده حصارهای خصوصی.

این برداشت از جامعه بورژوازی در طیف لاک می‌تواند مایه الهام امیدهای رادیکال سیاسی باشد و گاهی به سمت‌گیری‌های ضدسیاسی تبدیل شود. حتی لاک ساختار سیاسی را به مثابه فیضان جامعه‌ای نگرست که، به تعبیری، خود سیاسی بود چون که انسان‌ها را بواسطه نیروی خود اساساً برای تحقق بخشیدن به قانون طبیعی متحد ساخت، در حالی که هنوز ساختار سیاسی متدا شد. ما به تمعیق این مفهوم -این ایده را می‌توانیم صورت‌بندی کنیم که جامعه وجود و وحدت ماقبل سیاسی خاص خودش را داراست و ساختار سیاسی باید در خدمت آن‌ها قرار بگیرد. جامعه، به تناسب امیال خود، از مالکیت حق و قدرت خود برای استقرار و فروپاشی اقتدار سیاسی می‌تواند استفاده کند.

ادامه دارد

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136

http://www.geocities.com/CapitolHill/2902

fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت:

آدرس پست الکترونیکی:

تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک:

اروپا: شش ماه ۵۵ مارک، یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک، یک ساله ۱۱۵ مارک

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

I.G.e.v آدرس:

22 44 20 32

37 05 01 98

Stadtsparkasse Köln

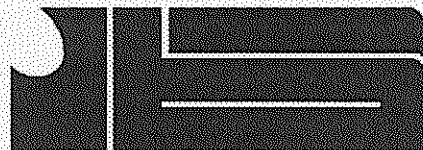
Germany

دارنده حساب:

شماره حساب:

کد بانک:

نام بانک:



چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۷۷ - ۱۱ نوامبر ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۹۵
KAR. No. 195 Wednesday 11. Nov. 1998
G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می شود

آغاز نبردهای سنگین در تاجیکستان و بروز تشنج در منطقه

گردباد ویرانگر دست سافت آدمی



سوی دیگر راهبند سیل‌های ویرانگر را از خود می‌گیرند.

امروزه از دهکده جهانی و برابری مردمان جهان سخن بسیار بر همه زبان‌ها می‌رود. تا آن‌جا که به برابری مردمان جهان برمی‌گردد، همواره باید جویای برداشت این یا آن کس از جهان بود. برای بسیاری از زورمندان «کشورهای پیشرفته صنعتی»، مرزهای جهان در بزرگترین آزادیات متحده آمریکا، کانادا، اروپای غربی، ژاپن، استرالیا، اسرائیل و شاید روسیه نمی‌رود. همان‌گونه که سرنوشت مردمان کشورهای «بلوک شرق» پس از فروپاشی این بلوک و درهم‌فروریزی هستی روزمره در این کشورها هیچ‌گاه انگیزه و درد پیروزمندان امروزین جنگ سرد نبود، امروز و هنوز هم کک سرمایه‌داران از سرنوشت دردناک کرور کرور مردم تنگ‌دست و بی‌چیز در هند و هندوچین و هندوراس نمی‌گذرد. برای سرمایه پیش‌ترین و شاید تنها چیز اندیشیدنی سود است و بس. آن چه در این «دهکده جهانی» به مردمان تنگ‌دست بسیاری از کشورهای این گوی خاکین، این مبین همه ما مردمان می‌رسد، همان بدبختی پیشین است و شکاف هر چه فزاینده‌تر میان دارا و ندار.

هم‌دردیم. در این جهان نابرابر، رخ‌دادهایی چون میج از یک سو خود پی‌آمد نابرابری‌ها هستند و از سوی دیگر این نابرابری‌ها را می‌افزایند. کار دست آدمی در ساختن میج گفتگوی روزمره است. جسر، میج و دیگر روی‌دادهای هم‌سان پی‌آمد بر هم خوردن هم‌سنگی زیست‌بوم این گوی هزاران هزار ساله است. از و بساور سودجویانه سرمایه‌داری به «نیازهای رشد اقتصادی و صنعتی»، آمادگی دیسینه سرمایه‌داری برای پاک‌کردن بر هستی، به‌روزی و آینده گروه گروه مردمان این آب و خاک پهناور، سنگین‌ترین سنگی است که ترازوی هستی روی زمین را نام‌سنگ می‌کند. و در این میان بیش‌ترین گناه از آن «کشورهای بزرگ و پیش‌رفته صنعتی» است. دولت‌های کشورهای بسیاری نیز با شور و آرزوی رسیدن به «کساروان پیشرفت و تمدن بشری» بر ویران‌سازی زیست‌بوم چشم می‌پوشند و گاه دانسته به آن می‌پردازند. مردان بی‌چیز نیز نادانسته پایه‌ریز بدبختی خود می‌شوند. نمونه‌وار آن‌ها با نابودی جنگل‌ها از سر نداری، از یک سو به بالا رفتن دمای هوا کمک می‌کنند و از

گردباد ویرانگر «میج» بخش بزرگی از آمریکای مرکزی را نابود کرد. چندی پیش گردبادی دیگر به نام «جرج»، پاردهای از کشورهای این بخش از جهان را درنوردیده و ویرانی‌های بسیاری از خود در آن‌جاها به جای گذاشته بود. این بار میج آمد و با تندی‌ای که تا ۳۰۰ کیلومتر در ساعت می‌رسید، هندوراس، نیکاراگوا، گواتمالا و السالوادور را نابود کرد. میج هزاران تن را به کام مرگبار خود فرو برد و صدها هزار تن را آواره و بی‌خانمان کرد. باران‌های سیل‌آسایی که میج با خود به همراه آورده بود، پی‌آور روان شدن توده‌های گل و لای شدند که چندین دهه و بخش‌هایی چند از شهرها را به یکباره از پهنه هستی پاک کردند. نزدیک به همه کشتزارها در این کشورها به زیر آب رفتند.

همه این کشورها، و به‌ویژه هندوراس و نیکاراگوا بدبخت‌ترین و ناپس‌امان‌ترین سرزمین‌های آمریکای جنوبی و مرکزی بودند. میج بدبختی مردمان آن‌ها را پایدارتر کرد. خوش‌بینانه‌ترین برآوردها سخن از ۲۰ سال پس‌تر رفتن این سرزمین‌ها در پی‌آمد گشت و گزار ویرانگر میج می‌گویند. رئیس‌جمهور هندوراس گفت دیگر هندوراسی وجود ندارد، این گردباد کشور ما را نابود کرد. همه بارهای قهوه و نیشکر به همراه امید مردم برای روزی بخور و نمیرشان در زیر توده‌های آب، لای و آندوه سوخت. مردمان بی‌چیز این پهنه بیمه نیستند، آن‌ها چشم امید راستین به یاری دیگران نیز ندوخته‌اند. کمک جهانی که با این کشورها شده است، به هیچ روی پاسخ‌دهنده گسترده‌ی ویرانی آن‌ها نیست. مردمان آمریکای مرکزی با چشمی پر از اشک و چشمی پر از خون به سوی آینده‌ای می‌روند که بسی تیره‌تر و بی‌چشم‌اندازتر از گذشته آندوه‌بارشان است.

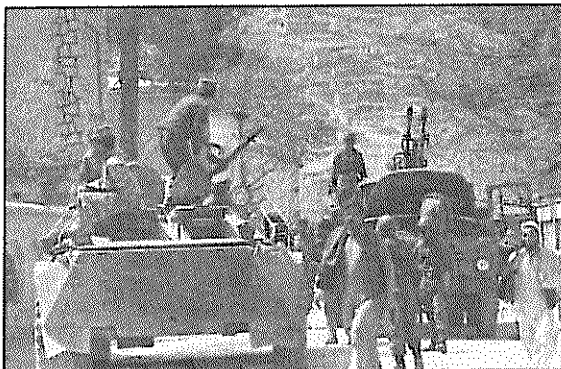
آندوه کرور کرور مردم ستم‌دیده و بی‌چیز به تنهایی و خودی خود پس است تاگرد آندوه بر دل هر آن‌کسی بپراکند، که کسی هم‌که شده به به‌روزی همه مردمان این گوی خاکین می‌اندیشد. ما نیز گر چه شاید هیچ یک از آن هزاران هزار کسی را که درد این گردباد مرگ را بر جان دارند، نمی‌شناسیم، با آنان

قزاقستان از منازعه نظامی در تاجیکستان بعنوان تهدیدی جدی برای امنیت منطقه نام برد. وی افزود قزاقستان بعنوان یک کشور تضمین‌کننده توافقنامه آشتی ملی بین تاجیک‌ها تمامی تلاش خود را برای تحقق مفاد آن به کار خواهد بست.

در پی بروز جنگ در تاجیکستان، قزاقستان نیروهای مسلح خود را به حالت آماده‌باش درآورد. فرمانده ارشد نیروهای نظامی قزاقستان گفت: جنگ جاری در ۲۰ کیلومتری مرز این کشور و احتمال سرایت آن به قزاقستان بعنوان عامل اصلی آماده‌باش نیروها بوده است. وزارت خارجه این کشور ضمن محکوم کردن خشونت اعلام کرد که راه حل اختلافات داخلی در تاجیکستان در گفتگو و رضایت عمومی می‌باشد.

سخت‌گویی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ضمن محکوم کردن عملیات قهرآمیز گروه‌های مسلح گفت: چنین اقداماتی که تحت پوشش سهم خواهی در فرایند توافقات صلح صورت می‌گیرد، نمی‌تواند منافع ملی تاجیکستان و این گروه‌ها را تأمین کند.

وزارت امور خارجه از پاکستان نیز در بیانیه رسمی که صبح روز جمعه گذشته منتشر ساخت نوشت: دولت تاشکند از خط مشی دولت دوشنبه به ریاست «امامعلی رحمانف» برای اجرای قسراً داد آشتی ملی در تاجیکستان حمایت می‌کند. □



تاجیکستان با اشاره به مسیر ناو و اوراتپه برای حمله به شهر خجند نوشت: این نیروها برای تسهیل از این مسیر تنها می‌توانستند از خاک ازبکستان وارد تاجیکستان شوند. رادیو تاجیکستان در تفسیری گفت: این نیروها ابتدا در افغانستان و سپس در اوکراین آموزش نظامی دیده‌اند و مدتی نیز در خاک ازبکستان بوده‌اند. این رادیو در بخش خبری پنجشنبه شب خود افزود: مقامات امنیتی این کشور مدارک کافی برای اثبات حضور نیروهای خدایبردیف در یک کشور همسایه را دارند، اما به دلیل پایبندی به روابط دوستانه از ذکر نام این کشور خودداری می‌کنند. امامعلی رحمانف رئیس‌جمهور تاجیکستان روز جمعه گذشته ضمن متهم نمودن ژنرال افغانی «دوستم» در دست داشتن در منازعات تاجیکستان گفت: در میان نیروهای آشوبگر افراد ژنرال دوستم نیز وجود دارند. سخنگوی «نورسلطان نظربایف» رئیس‌جمهوری

«حرکت صلح سراسری تاجیکستان» است با روند فعلی صلح در تاجیکستان مخالف است و خواستار مشارکت همه گروه‌های سیاسی از جمله نمایندگان مردم شمال تاجیکستان و ازبک‌ها در روند صلح است. مقامات دولت تاجیکستان و اتحاد اسلامی به رهبری سید عبدالله نوری که دو طرف قرارداد صلح در تاجیکستان هستند می‌گویند قرارداد صلح دو طرف بیشتر ندارد و آنها حاضر به پذیرش گروه سومی نیستند. این مقامات می‌گویند پذیرش یک گروه سوم به معنی آن است که همه تلاش‌هایی که در طول پنج سال اخیر برای برقراری صلح در کشور صورت گرفته است باید از نو تکرار شود.

در پی بروز جنگ، تشنج

در منطقه افزایش یافت

روز پنجشنبه نشریه «سیاست و تجارت» چاپ پایتخت

«Comeback-Kid»

در حاشیه برگزاری انتخابات کنگره آمریکا

محمود صالحی



هفته گذشته ایالات متحده آمریکا شاهد برگزاری انتخابات کنگره بود. همزمان با آن ۳۴ سناتور از یکصد سناتور مجلس سنا، نیز انتخاب گردیدند. در انتخابات سنا، تغییری در توازن قوا بوجود نیامد. اما مهم‌تر از همه این بود که سناتور آلفونس داماتو نماینده نیویورک و طراح طرح مجازات‌های اقتصادی، کرسی خود را پس از ۱۶ سال، در مقابل نماینده دمکراتها «چارلز شومر» از دست داد.

در انتخابات کنگره، حزب دمکرات آمریکا موفق گردید ۲۱۱ کرسی از ۴۳۵ کرسی را تصاحب نماید. جمهوریخواهان با کسب ۲۲۳ کرسی اکثریت خود را حفظ نموده اما ۵ کرسی نمایندگی را به‌نفع دمکراتها از دست دادند. بدین ترتیب دمکراتها موفق گردیدند برای نخستین بار از سال ۱۹۳۴ به این سو بعنوان حزب حاکم در انتخابات میان دوره‌ای بر تعداد کرسی‌های نمایندگی خود در کنگره بیافزایند.

پس از ماجرای «لویسنسکی» اهمیت این انتخابات در چه بود؟ بیل کلینتون قبل از برگزاری

سنادداشت. نتیجه این انتخابات نه تنها انتظار جمهوریخواهان را شکست می‌توان گفت سرنوشت سیاسی او رابطه مستقیم با نتیجه انتخابات داشت. مشاور حزب جمهوریخواه «فرانک دوناوتلی» گفت: اگر جمهوریخواهان پیروز شوند این امر به معنی رای مردم علیه کلینتون است. در صورت پیروزی جمهوریخواهان حتی دیگر نمایندگان دمکرات در کنگره نیز از کلینتون پشتیبانی نخواهند کرد.

حزب جمهوریخواه برای طرح استیضاح و برکناری کلینتون احتیاج به دوم آرای کنگره و

اوج‌لان به روسیه رفت

در پی بروز تشنجات بر سر مسئله کردها بین دولت ترکیه و سوریه، عبدالله اوج‌لان رهبر حزب کارگران انقلابی کردستان (پ. کا. کا) به روسیه رفت. سرگئی اشتیائین سخنگوی وزارت کشور روسیه گفت: دولت این کشور از اعطای پناهندگی سیاسی به وی خودداری می‌کند. گفته می‌شود دوما نظر مثبت به اعطای پناهندگی به اوج‌لان دارد. همچنین بنا بر گزارش شهرداری استانبول در روز جمعه گذشته ۵۷ نفر از اعضای دو سازمان چپ «حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست» و «حزب اتحادیه کمونیست‌های انقلابی ترکیه» دستگیر شدند.

اعتراض مردم زیمبابوه علیه گرانی

برای دومین بار طی سال جاری هزاره پایتخت و سایر شهرهای زیمبابوه شاهد درگیری مردم و نیروهای نظامی بودند. هفته گذشته بهای بنزین ۷۰٪ و پارافین که سوخت اصلی برای تهیه غذا در زیمبابوه می‌باشد ۳۵۰٪ افزایش یافت. در پی این اقدام هزینه استفاده از وسایل نقلیه عمومی نیز افزایش یافت. در پی آن بسیاری از کارخانه‌ها و بازار هزاره به علت عدم توانایی پرداخت هزینه نقلیه توسط مردم به حالت تعطیل درآمد. طی سال جاری بهای خدمات و کالاها در زیمبابوه ۳۰٪ افزایش نشان می‌دهد و از ارزش پول این کشور بیش از ۶۰٪ کاسته شده است. در این شرایط سخت اقتصادی روبرت موگابه اقدام به اعزام ارتش این کشور به کنگو نموده است که روزی یک میلیون دلار خرج روی دست مردم می‌گذارد.